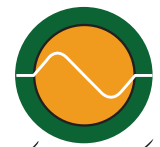




پایه: ۱۳۹۹
شماره ۱ دوره جدید (۳۳)
قیمت: ۳۰۰/۰۰۰ ریال
www.pgcsyndicate.ir
info@pgcsyndicate.ir

نیرو و سرمایه



سندیکای شرکت های تولید کننده برق

نشریه سندیکای شرکت های تولید کننده برق



روزنه های امید بودجه ۱۴۰۰



✓ خارج از پرونده

- داستان تکراری؛ محدودیت سوخت نیروگاهها در زمستان
- کمبود نقدینگی؛ مشکلی بدون تاریخ انقضا

✓ پرونده دوم

- واکاوای سازوکارهای جدید تامین برق مشترکین با قدرت بالا
- دغدغه های بی پایان عرضه برق در بورس انرژی
- کشف منصفانه قیمت با تحریک تقاضا در بورس انرژی

✓ پرونده اول

- انتظارات بخش تولید برق از بودجه ۱۴۰۰ و برنامه هفتم توسعه
- با این بودجه ها اب انرژی نخواهیم شد
- ضرورت های برنامه هفتم

آشکارساز فرابنفش شعله

شعله بین مدل UFD - 1957 و UFD - 2540

• نوع حسگر: آشکارساز فرابنفش
• بازه طیفی: ۵۷۰-۱۹۰ نانومتر و ۴۰۰-۲۴۵ نانومتر



شعله بین مدل UICFD - 19250 - FO

• نوع حسگر: آشکارسازی طیف فرابنفش، مرئی و فروسرخ
• بازه طیفی: ۲۵۰۰-۲۰۰ نانومتر
• دارای فیبر نوری
• دارای حسگر تشخیص رنگ شعله

مشخصات فنی:

مشخصات فیزیکی	
وزن	2/5 کیلوگرم
طول کابل برق (پیش فرض)	2 متر
طول فیبر اپتیکی (پیش فرض) (مدل UICFD-19250-FO)	3 متر
وزن فیبر اپتیکی و متعلقات خنک کاری (مدل UICFD-19250-FO)	6 کیلوگرم
مشخصات حسگر	
نوع حسگر	آشکارساز فرابنفش برای مدل های UFD-2540 و UFD-1957 UV/IR برای مدل UICFD-19250-FO
بازه طیفی	570-190 نانومتر برای مدل UFD-1957 400-245 نانومتر برای مدل UFD-2540 200-2500 نانومتر برای مدل UICFD-19250-FO
زاویه دید اپتیکی	6 درجه

مشخصات الکترونیکی	
ولتاژ کاری	24 ولت DC
توان مصرفی	5 وات
خروجی آنالوگ	0 تا 20 میلی آمپر و 4 تا 20 میلی آمپر
زمان ایمنی	1 تا 5 ثانیه
پورت اتصال	RS485
مدهای عملکردی	پهلوسته
ایمنی	Self-monitoring and Fail Safe
اتصال رله شعله	1 x closing contact, 24 VDC, 0.5 A
اتصال رله وضعیت	1 x closing contact, 24 VDC, 0.5 A
نرم افزار کاربری	نرم افزار کاربری برای نمایش مقادیر پارامترها و وضعیت سوئیچها تحت سیستم عامل ویندوز



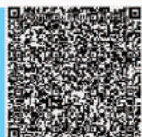
نرم افزار کاربری

- نمایش شدت نور
- نمایش فرکانس سوسوزنی شعله
- نمایش رنگ شعله برای مدل UICFD-19250-FO
- ذخیره اطلاعات

شرایط محیطی

بازه دمایی آشکارساز	-40 تا +85 درجه سانتیگراد
بازه دمایی فیبر اپتیکی (مدل UICFD-19250-FO)	-40 تا +350 درجه سانتیگراد
استاندارد	IP66

- کاربرد: تشخیص شعله و افزایش ایمنی کوره
- فناوری: اندازه گیری شدت نور و فرکانس سوسوزنی شعله
- مکان نصب: کوره و دیگ های بخار در: نیروگاه ها، پالایشگاه ها، پتروشیمی ها و ذوب آهن



نیرو و سرمایه



نیرو و سرمایه

نشریه سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق
شماره ۱ انتشار سراسری (۲۲ از سری متوالی) / پاییز ۱۳۹۹ / ۸۸ صفحه

صاحب امتیاز: سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق اعضای شورای سیاست‌گذاری:

محمدعلی وحدتی، سیداحمد مطهری، ابراهیم خوش‌گفتار، اسدالله صبوری،
حسنعلی تقی‌زاده لنده، مجید غمامی، سیدفریدالدین معصومی، علیرضا اسلامی،
سیدحسین عبدالخالق زاده، سمیه کاظم‌زاده

مدیر مسئول: پرویز غیاث‌الدین

سردبیر: عباس خالدنژاد

دبیر تحریریه: زهرا شریفی

تحریریه: بهار عابدی، اکبر محمودی، طیبه مشایخی، صنم سادات عابدی،
سمیه رضوی‌نیا

مدیر هنری: بهشید مرکزی

گرافیک و صفحه آرا: بهزاد مرکزی

طرح روی جلد: بهشید مرکزی

عکس: سعید کیومرثی

توزیع: سعید کیومرثی

چاپ: چاپخانه میران



نیرو و سرمایه

نشریه سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق

نشانی: تهران سعادت آباد، خیابان سرو غربی، بین چهارراه سرو و

میدان کتاب، پلاک ۱۱۴، طبقه ۱، واحد ۲

کدپستی: ۱۹۹۸۹۹۴۱۹۴

تلفن: ۱۷-۰۱۵-۲۲۳۸، نمابر: ۲۲۱۴ ۸۱۳۸

www.pgcsyndicate.ir info@pgcsyndicate.ir

سرمقاله - روزنه‌های امید بودجه ۱۴۰۰

پرونده اول

- ۲ لزوم تعیین تکلیف تسهیلات ارزی نیروگاه‌ها در بودجه ۱۴۰۰
- ۴ ضرورت‌های برنامه هفتم توسعه
- ۶ با این بودجه‌ها هاب انرژی نخواهیم شد
- ۱۰ بایدهای بودجه ۱۴۰۰ برای تولیدکنندگان برق
- ۱۲ نگاهی به وضعیت صنعت برق در لایحه بودجه سال ۱۴۰۰
- ۱۴ تکه‌های گمشده برای اثربخشی برنامه هفتم بر صنعت برق

پرونده دوم

- ۱۹ دغدغه‌های بی‌پایان عرضه برق در بورس انرژی
- ۲۶ ورود شورای رقابت به بازار برق
- ۳۰ کشف منصفانه قیمت با تحریک سمت تقاضا در بورس انرژی
- ۳۲ توسعه معاملات دو جانبه برق در بورس انرژی

خارج از پرونده

- ۳۵ افق‌های دور دست تجدید ساختار در صنعت برق ایران
- ۳۷ خصوصی سازی نیروگاه‌ها به روایت مجری
- ۴۳ لزوم شتاب‌دهی به خصوصی سازی نیروگاه‌ها
- ۴۴ مشکلی بدون تاریخ انقضا
- ۴۷ ظرفیتی برای تامین مالی یا فرصتی برای بهره‌کشی از نیروگاه‌ها؟
- ۵۰ داستان تکراری

گزارش

- ۵۷ برق در دوران مظفری
- ۶۱ گزارش عملکرد سندیکا در نیمه نخست سال ۱۳۹۹
- ۶۷ برخورداری نیروگاه‌ها از معافیت ماده ۱۲۲ قانون مالیات‌های مستقیم
- ۷۱ هم‌اندیشی مجازی؛ مسائل حقیقی
- ۷۳ روابط عمومی سندیکا بر قله افتخار ایستاد
- ۷۴ تلاش بدون توقف در اتمام پروژه‌های نیمه‌تمام
- ۸۰ بزرگترین نیروگاه غرب کشور در مدار روشنایی

مقالات

- ۸۵ تبیین جریان اختلاف نرخ گروه‌های مصرف خریداران در بازار برق ایران



پرویز غیاث‌الدین؛ مدیرمسئول

روزنه‌های امید بودجه ۱۴۰۰

برق پایدار کشور است.

فراموش نکنیم که صنعت برق پیک سال‌های اخیر را به مدد رکود شدید حاکم بر بخش صنعت و بارش‌های مناسب و بازگشت برقایی‌ها به مدار، پشت سر گذاشته است. با احتمال یک سال کم‌بارش، بازگشت رونق به مشترکین صنعتی و افزایش منطقی مصرف، جلوگیری از شدت‌گرفتن بحران در نیروگاه‌های غیر دولتی که نزدیک به ۶۰ درصد برق کشور را تولید می‌کنند، یک ضرورت ملی است که قطعاً می‌توان در بودجه ۱۴۰۰ برای آن چاره‌اندیشی کرد.

مساله بسیار کلیدی این است که دولت و مجلس شورای اسلامی می‌توانند در بطن قانون بودجه سال آینده تا حدی به روشن‌شدن ساختار اقتصادی صنعت برق، تبیین هزینه‌های تولید، انتقال و توزیع و همچنین تعیین ارقام مشخص برای هزینه سوخت و آب نیروگاه‌ها هم کمک کنند. این روند می‌تواند علاوه بر ترغیب نیروگاه‌ها به افزایش راندمان، مسیر وزارت نیرو و صنعت برق را برای تعیین تکلیف قیمت تمام‌شده نهایی برق روشن کرده و زمینه را برای بهبود نحوه قیمت‌گذاری این کالای استراتژیک به ویژه برای خرید برق از نیروگاه‌های غیر دولتی تا حدی فراهم کند.

نکته حائز اهمیت دیگری که باید مد نظر قرار گیرد این است که سرمایه‌گذاری‌های حوزه نیروگاهی به دلیل چالش‌های عدیده این حوزه در طول سال‌های اخیر با افتی چشمگیر مواجه شده است. این افت دلایل متعددی دارد که قطعاً انباشت مطالبات، نحوه قیمت‌گذاری برق نیروگاه‌های غیر دولتی، کم‌بازده بودن این سرمایه‌گذاری و البته دشواری‌های تامین سرمایه گزاف برای راه‌اندازی نیروگاه، از جمله مهمترین آنها هستند. توسعه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از مسیر تسهیل تامین سرمایه را هم می‌توان جزء مواردی دسته بندی کرد که می‌شود در بودجه سال آینده گنجانند. عمده سرمایه‌گذاران غیر دولتی نیروگاه‌ها برای تامین مالی به تسهیلات ارزی صندوق توسعه ملی اتکا کرده‌اند. بازپرداخت ارزی این تسهیلات در شرایطی که بهای ارز نسبت به زمان اخذ وام چندین برابر شده، به ویژه برای نیروگاه‌هایی که درآمدهای ریالی با درصد رشد بسیار اندکی دارند، به یک معضل غیر قابل حل بدل شده است.

از این رو الحاق تبصره‌ای در خصوص ایجاد یک ساختار قانونی و قابل اتکا به منظور محاسبه ریالی برای بازپرداخت اقساط تسهیلات ارزی هم برای نیروگاه‌ها حکم یک راهکار نجات‌بخش را خواهد داشت.

بودجه ۱۴۰۰ همچنین از مسیر اسناد خزانه اسلامی و تهاثر مطالبات بخش خصوصی با بدهی‌های این شرکت‌ها به سازمان‌های دولتی هم می‌تواند نیروگاه‌های غیر دولتی را به عنوان محورهای اصلی تامین برق کشور سر پا نگه دارد.

پیشنهاد‌های بودجه‌ای نیروگاه‌های غیر دولتی از مسیر سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق به صورت دقیق به مجلس شورای اسلامی ارائه شده و در حال پی‌گیری است. سندیکا تلاش کرده در قالب این پیشنهادها تا حدی زمینه فعالیت اعضای خود را تسهیل کرده و بستر قانونی لازم را برای حل چالش‌هایی نظیر مطالبات معوق، قیمت‌گذاری برق نیروگاه‌های غیر دولتی، تعیین تکلیف نحوه بازپرداخت اقساط تسهیلات ارزی و تسهیل قانونی و حقوقی فعالیت تولیدکنندگان خصوصی برق، فراهم آورد. امید آن می‌رود که مجلس یازدهم در اولین تجربه خود برای بررسی و تصویب بودجه، نظرات کارشناسی شده بخش خصوصی را مد نظر قرار داد تا بودجه ۱۴۰۰ با روزنه‌های امیدی تازه برای صنعت برق تصویب شود. ■

قانون بودجه سنواتی یکی از مهمترین و موثرترین اسناد بالادستی مالی کشور محسوب می‌شود. فارغ از تلاش بخش‌های مختلف برای سهم‌خواهی از بودجه‌های سالانه، باید پذیرفت که بخش مهمی از سرنوشت مالی صنایع، نهادها و ارگان‌های مختلف در بطن همین قانون رقم می‌خورد. صنعت برق اما داستان متفاوتی دارد. این صنعت که همچنان کسری بودجه مستمر و طولانی‌مدت مهمترین چالش پیش روی آن محسوب می‌شود، بیش از آنکه به دنبال سهم‌خواهی از بودجه باشد، الحاق اصلاحیه‌ها و تبصره‌های قانونی را پی‌گیری می‌کند که تا حدی به اقتصاد آشفته و ناترازش سامان ببخشد.

در حقیقت نحوه تعرفه‌گذاری تکلیفی برق و قیمت یارانه‌ای آن برای مشترکین، علاوه بر این که عملاً تراز اقتصادی این صنعت را به شکلی ریشه‌ای از بین برده، به انباشت بدهی‌های هنگفت این صنعت، با دامنه‌ای بسیار وسیع منجر شده است. در حقیقت قرار بوده فاصله قابل توجه قیمت تمام‌شده و تکلیفی برق، هر ساله بر اساس قانون بودجه و قانون حمایت از صنعت برق از جانب دولت به حساب وزارت نیرو واریز شود. عدم تعهد دولت به این تکلیف قانونی یکی از مهمترین چالش‌های بودجه‌ای صنعت برق است.

حاصل این بدعهدی و انباشت مطالبات وزارت نیرو از دولت، ناتوانی این وزارتخانه در پرداخت مطالبات بخش خصوصی است. این مطالبات در حوزه تولیدکنندگان برق امسال به مرز ۲۵ هزار میلیارد تومان رسید. نبود یک اهرم فشار قانونی برای متعهد کردن سازمان برنامه جهت پرداخت مابه‌التفاوت قیمت تمام‌شده و تکلیفی برق، تنها یک پیشنهاد بودجه‌ای نیست، بلکه الزامی غیر قابل چشم‌پوشی برای حفظ پتانسیل‌های تولیدکنندگان غیر دولتی برق و صیانت از

پرونده اول



پرونده اول:

انتظارات بخش تولید برق از
بودجه ۱۴۰۰ و برنامه
هفتم توسعه



محمدعلی وحدتی؛ رئیس هیات‌مدیره سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق

لزوم تعیین تکلیف تسهیلات ارزی نیروگاه‌ها در بودجه ۱۴۰۰

چند برابر شده، پرداخت کنند، در حالی که درآمدهایشان ریالی باقی مانده است. در این بین انباشت مطالبات و تعویق قابل توجه در دریافت همین منابع ریالی هم باعث شده که در جریان افزایش قیمت ارز، توانایی تسویه اقساط ارزی با ریال دریافت شده، کاهش یابد. شاید اگر وزارت نیرو در پرداخت مطالبات نیروگاه‌ها تاخیر قابل توجهی نداشت، آنها با مشکلات کمتری مواجه بودند اما در شرایطی که این تاخیر با کاهش ارزش پول ملی و افزایش قیمت ارز همزمان شده، عملاً امکان تسویه ارزی اقساط تسهیلات صندوق توسعه ملی را از آنها سلب کرده است.

در شرایط کنونی سرمایه‌گذارانی که برای احداث نیروگاه از منابع صندوق توسعه ملی تسهیلات دریافت کرده و به دلیل انباشت مطالبات و افزایش قیمت ارز، امکان بازپرداخت اقساط آن را ندارند، عملاً در آستانه توقف فعالیت‌های خود هستند. چراکه از یک سو صندوق توسعه ملی باز پرداخت وام را به ارز مطالبه می‌کند و از سوی دیگر بانک مرکزی که بر اساس مصوبه شماره ۳۱۱۰۸ / ت ۵۱۷۰۹ مورخ ۹۴/۳/۱۲ هیات وزیران موظف بوده تا شرایط لازم برای تبدیل ریال

صنعت برق ایران با مشکلات و چالش‌های عدیده‌ای به ویژه در حوزه نقدینگی مواجه است و بدون تردید ساختار نامناسب اقتصادی صنعت برق و عدم تعادل بین درآمد و هزینه‌های این صنعت، مهمترین عامل ایجاد این چالش است. در این بین تولیدکنندگان غیر دولتی برق علاوه بر مطالبات انباشته بابت فروش انرژی به وزارت نیرو که هر ساله معمولاً موضوع یکی از بندهای بودجه‌های سنواتی است، با یک مشکل بزرگ دیگر هم مواجهند که در حقیقت هزینه سرمایه‌گذاری و مشارکت آن‌ها در حوزه تولید برق کشور است.

عمده سرمایه‌گذاران خصوصی نیروگاه‌ها، بخشی از سرمایه هنگفت مورد نیاز برای احداث و راه‌اندازی نیروگاه را از محل دریافت تسهیلات ارزی صندوق توسعه ملی تأمین کرده‌اند؛ این در حالی است که قرارداد فروش برق خود را غالباً به صورت ریالی با وزارت نیرو منعقد کرده‌اند. همین امر افزایش بی‌سابقه قیمت ارز را به عنوان رخدادی که کاملاً از کنترل و اراده فعالان اقتصادی خارج است، به یک چالش مخرب برای تولیدکنندگان غیر دولتی برق تبدیل کرده است. آن‌ها ناگزیرند اقساط این تسهیلات را با ارزی که قیمتش

به ارز با نرخ رسمی را برای بازپرداخت اقساط نیروگاه‌ها به صندوق، فراهم کند، از این اقدام سر باز می‌زند. در این شرایط نیروگاه‌های غیر دولتی در برزخی از مشکلات پرتعداد ناشی از فضای نامساعد کسب و کار صنعت برق گرفتار شده و هزینه‌های ناشی از مشکلاتی را می‌پردازند که کوچکترین سهمی در ایجاد آن نداشته اند. عدم پرداخت به موقع مطالبات و افزایش افسارگسیخته نرخ ارز در شرایطی که نه وزارت نیرو توان بازپرداخت بدهی‌های خود را دارد و نه امکان تهاتر طلب از دولت با بدهی به صندوق فراهم است، نتیجه‌ای جز تضعیف نیروگاه‌ها ندارد. با وجود همه هشدارهای بخش خصوصی نه تنها اقدام مشخصی از سوی هیچ یک از نهادهای ذریبط برای حل مساله انجام نشده بلکه صندوق توسعه ملی طی نامه‌ای از همه بانک‌ها خواسته تا عاملیت هیچ طرح نیروگاهی را نپذیرند و به این ترتیب صورت مساله را به طور کامل پاک کرد.

به هر حال واقعیت این است که چاره‌اندیشی برای بازپرداخت تسهیلات ارزی صندوق توسعه ملی، یک الزام اساسی برای حفظ ظرفیت نیروگاه‌های خصوصی است و پیش‌بینی یک راهکار برای آن در بودجه ۱۴۰۰ می‌تواند

حیاتی‌ترین فرصت دولت و مجلس برای ادامه فعالیت بی‌دغدغه بخش غیر دولتی در تولید انرژی برق باشد. به ویژه آنکه پیش از این هیات وزیران در خصوص تبدیل ریال به ارز رسمی (مبادله‌ای) به منظور بازپرداخت تسهیلات ارزی دریافتی تولیدکنندگان بخش خصوصی برق از محل صندوق توسعه ملی که دارای قرارداد خرید برق وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه به صورت ریالی هستند، ابلاغیه‌ای داشته است. در این ابلاغیه که به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی مصوب شده «در مواردی که قرارداد خرید برق بین تولیدکنندگان بخش خصوصی برق و وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه به صورت ریالی منعقد شود، به منظور بازپرداخت تسهیلات ارزی دریافتی این تولیدکنندگان از منابع صندوق توسعه ملی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است بر اساس درخواست بانک عامل طرف قرارداد با صندوق یادشده طبق جدول بازپرداخت ارزی تسهیلات مذکور، شرایط لازم برای تبدیل ریال به ارز با نرخ رسمی مورد معامله را فراهم کرده و پس از دریافت مبلغ ریالی هر قسط، معادل ارزی آن را به دلار آمریکا به حساب صندوق توسعه ملی نزد خود منظور نماید»

اگر متن ابلاغیه هیات وزیران به عنوان یکی از الحاقیه‌های بودجه ۱۴۰۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، به طور قطع علاوه بر نجات تولیدکنندگان غیردولتی برق، انگیزه‌های زیادی برای حضور سرمایه‌گذاران جدید هم ایجاد خواهد شد. به علاوه حل این مساله می‌تواند زمینه را برای بازگشت اطمینان به حوزه تولید برق کشور فراهم کرده و فضای کسب‌وکار این صنعت را برای جذب سرمایه‌های جدید امن و قابل اتکا کند.

اما اگر پیش از این به راهکارهای ارائه‌شده بی‌توجهی شود، به طور قطع دولت و وزارت نیرو نه تنها در جذب سرمایه‌گذاران جدید ناکام خواهند ماند، بلکه بستری مخرب برای سقوط و ورشکستگی نیروگاه‌های فعال غیر دولتی و خصوصی که امروز ۶۰ درصد از برق مورد نیاز کشور را تولید می‌کنند، فراهم خواهند کرد. لذا این مساله بسیار ضروری است که در بودجه ۱۴۰۰ پیش از آنکه صنعت تولید برق دچار زبانی غیرقابل جبران شود، برای تسهیلات ارزی صندوق توسعه ملی و جبران خسارات ناشی از افزایش قیمت ارز چاره‌اندیشی شود. ■



سید احمد مطهری؛ نایب‌رییس هیات‌مدیره سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق

نقدی بر جایگاه صنعت برق در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه ضرورت‌های برنامه هفتم توسعه

این صنعت و هدفگذاری برای توسعه پایدار صنعت برق با اتکا به پتانسیل‌های بخش خصوصی، این ایرادات تا حدی قابل قبول برطرف شود. در پنجمین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، بحث بسترسازی برای جذب سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در حوزه نیروگاهی مورد توجه قرار گرفته بود. در ماده ۱۳۳ این قانون وزارت نیرو به منظور تنوع‌بخشی در عرصه انرژی کشور، بهینه‌سازی تولید و افزایش راندمان نیروگاه‌ها، کاهش تلفات و توسعه تولید همزمان برق و حرارت، موظف شده بود علاوه بر حمایت از توسعه نیروگاه‌های با مقیاس کوچک تولید برق توسط بخش‌های خصوصی و تعاونی، در طول برنامه نسبت به افزایش توان تولیدی برق تا بیست و پنج هزار (۲۵,۰۰۰) مگاوات از طریق سرمایه‌گذاری بخش‌های عمومی، تعاونی و خصوصی اعم از داخلی و خارجی و یا منابع داخلی شرکت‌های تابعه و یا به صورت روش‌های متداول سرمایه‌گذاری از جمله ساخت، بهره‌برداری و تصرف (BOO) و ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT) اقدام کند. البته سهم بخش خصوصی از ۲۵ هزار مگاوات پیش بینی شده در برنامه پنجم توسعه حداقل ۱۰ هزار مگاوات تخمین زده شده بود.

نکته اینجا است که بر اساس بند «د» مقرر بوده به روش‌های متداول سرمایه‌گذاری از جمله ساخت، بهره‌برداری و تصرف (BOO) و ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT) نیروگاه‌های مورد نظر ساخته شوند، در حالی که در دستورالعمل تصویب‌شده در شورای اقتصاد اساساً به این روش‌ها توجهی نشده و عمدتاً بر هدایت سرمایه‌گذاران به بازار برق تمرکز شده است. بدیهی است قیمت‌های بازار عمده‌فروشی برق مطلقاً جبران سرمایه‌گذاری‌های کلان در احداث و بهره‌برداری نیروگاه‌های حرارتی را نکرده و برای سرمایه‌گذاران جذابیتی ندارد. به علاوه این دستورالعمل به مواردی فراتر از قانون مورد استناد خود پرداخته و برای

برنامه‌های پنج‌ساله توسعه در سال‌های پس از انقلاب به دلایل مختلف در اجرا تقریباً ناکام مانده‌اند. در این میان برنامه‌های صنعت برق نیز مستثنی نبوده و البته به عنوان یکی از مهمترین و کلیدی‌ترین زیرساخت‌های توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی، می‌بایست جایگاهی پراهمیت در برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور داشته باشد.

با این وجود اما جایگاه صنعت برق در این برنامه‌های راهبردی کاملاً قابل بحث بوده و به نظر می‌رسد بازنگری این جایگاه در برنامه هفتم از اهمیت بسزایی در تغییر مسیر و رونق بخشی به اقتصاد این صنعت برخوردار است. در این مجال برنامه‌های پنجم و ششم توسعه و اصلی‌ترین نقدهای وارده به ویژه در خصوص بندهای مرتبط با تولیدکنندگان غیر دولتی برق بررسی و بازنگری شده است. امید آن می‌رود که در برنامه هفتم با اصلاح نگرش مجلس و دولت و مد نظر قرار دادن نقش فعالان غیر دولتی

پرداخت مطالبات نیروگاه‌ها از محل فروش برق در بازار برق است. در ماده ۵ دستورالعمل آمده است: «عرضه‌کننده می‌تواند (تمام یا بخشی از) برق در اختیار خود را در چارچوب مقررات بازار برق به بازار عمده‌فروشی عرضه کند. مدیریت شبکه موظف است برای تمام عرضه‌کننده‌ها شرایط عرضه ظرفیت و رقابت عاری از تبعیض برای تامین انرژی و فروش آن در بازار عمده‌فروشی و عرضه خدمات جانبی را فراهم کند.»

در تبصره یک همین دستورالعمل هم مدیریت شبکه مکلف شده و جوه برق خریداری شده از محل مبالغ دریافتی از خریداران بازار را بر اساس شرایط قراردادی به فروشندگان برق بپردازد. این امر در شرایطی که قراردادهای فیما بین نیروگاه‌ها و مدیریت شبکه فاقد خسارت دیرکرد پرداخت بوده و وزارت نیرو به طور معمول در پرداخت مطالبات این بخش تاخیر قابل توجهی دارد، منشاء زیان‌های غیر قابل جبرانی برای تولیدکنندگان غیردولتی برق بوده است. دامنه این خسارات در طول چند سال اخیر و با وجود کاهش ارزش پول ملی گسترده‌تر هم شده است.

اختلافات مالی وزارت نیرو و وزارت نفت در خصوص هزینه سوخت تحویلی به نیروگاه‌ها به لحاظ دولتی بودن طرفین، معمولاً منجر به عدم تحویل سوخت نشده، اما ظرفیت بخش خصوصی در حالی که پول برق تحویلی را نگرفته و در نتیجه بدهکار قیمت سوخت بود، ریسک قطع شدن تحویل سوخت و در نتیجه توقف تولید برق را با ثبت قصور و تقصیر سرمایه‌گذار به دنبال داشت

همچنین ماده ۱۱ دستورالعمل اجرایی بند «و» ماده ۱۳۳ قانون برنامه توسعه پنجم مسئولیت عقد قرارداد برای تامین سوخت و پرداخت هزینه‌های مربوط را برعهده سرمایه‌گذار گذاشته بود. نکته اینجا است که اختلافات مالی وزارت نیرو و وزارت نفت در خصوص هزینه سوخت تحویلی به نیروگاه‌ها به لحاظ دولتی بودن طرفین، معمولاً منجر به عدم تحویل سوخت نشده، اما ظرفیت بخش خصوصی در حالی که پول برق تحویلی را نگرفته و در نتیجه بدهکار قیمت سوخت بود، ریسک قطع شدن تحویل سوخت و در نتیجه توقف تولید برق را با ثبت قصور و تقصیر سرمایه‌گذار به دنبال داشت. پیش‌بینی این عواقب موجب تداوم عقد قرارداد تامین سوخت نیروگاهی توسط وزارت نیرو بر خلاف صراحت دستورالعمل شورای اقتصاد شد که البته اتفاق درستی بود اما نشان دهنده عدم توجه و دقت کافی اعضای شورای اقتصاد به محتوای دستورالعمل‌های پیشنهادی و تصویب آنها است. همچنین این امر بر خلاف روح قانون در بند «و» ماده ۱۳۳ قانون برنامه پنجم توسعه مبنی بر ترغیب نیروگاه‌ها برای تولید نیروی برق است و شرایط را برای تولید برق دشوار می‌کند.

این اشکالات در طول اجرای برنامه پنج ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی که البته به دلیل تحویل دیرهنگام ششمین برنامه اجرای آن برای یک سال تمدید شد، عملاً ضرابه‌نگ سرمایه‌گذاری‌ها در بخش تولید برق را کاملاً کند کرد. در برنامه ششم توسعه هم البته ایرادات اساسی دیگری مطرح شد که باز هم نیروگاه‌های غیردولتی را بیشتر متضرر کرد. اگرچه توسعه افزایش راندمان نیروگاه‌ها، کاهش تلفات انتقال و توزیع و بهینه سازی مصرف بهینه برق، توسعه صادرات برق، افزایش سهم انرژی‌های پاک، از جمله سیاست‌های اصلی ابلاغی در دوره برنامه ششم توسعه برای بخش برق بود، اما شاید نتوان ارزیابی درستی از میزان تحقق این اهداف در طول سال‌هایی که صنعت برق بیشترین میزان کسری بودجه، تورم، نوسانات اقتصادی و بالاترین سطح رکود را تجربه کرد، ارائه داد.

تولیدکنندگان غیر دولتی برق مشکلات جدی در سایر ابعاد قراردادی ایجاد کرد. به عنوان مثال دستورالعملی که قرار بود چارچوب خرید برق از این نیروگاه‌ها را برای وزارت نیرو روشن کند، فروش برق را مشمول حوزه قراردادهای دوجانبه، ورود در بورس انرژی تحت حاکمیت یک‌طرفه شرکت‌های توزیع و راه‌اندازی بازارهای متمرکز مانند بازار گواهی ظرفیت هم کرد. در حالی که سازماندهی هر یک از این موارد نیازمند یک چارچوب قانونی متمایز و مستقل بوده و هست.

البته در ماده ۷ دستورالعمل مذکور، مساله نادیده‌انگاشتن حقوق سرمایه‌گذاران قبلی هم مورد نقد است. تبصره سه ماده هفت به این شرح است: «قراردادهای بلندمدت تبدیل انرژی و یا فروش برق به توانیر که در گذشته براساس ماده (۶) آیین‌نامه اجرائی شرایط و تضمین خرید برق، موضوع بند «ب» ماده «۲۵» قانون برنامه چهارم توسعه منعقد گردیده و قراردادهای موضوع تبصره ۲ این بند، به‌منزله واگذاری امتیاز گواهی ظرفیت به توانیر می‌باشد و از بابت واگذاری این امتیاز مبلغ جداگانه‌ای به سرمایه‌گذار نیروگاهی پرداخت نمی‌شود.» بر این اساس توسعه مالکیت گواهی ظرفیت نیروگاه‌هایی که قرارداد بلندمدت تبدیل انرژی داشته و یا برق خود را بر اساس ماده (۶) آیین‌نامه اجرایی شرایط و تضمین خرید برق و موضوع بند «ب» ماده «۲۵» قانون برنامه چهارم توسعه، به توانیر می‌فروختند، از آنها سلب شده و به توانیر انتقال می‌یابد، به این ترتیب بر خلاف منطق قانونی و اقتصادی، حقوق طبیعی سرمایه‌گذاران قبلی نیروگاهی نقض شد، آن هم در شرایطی که انتقال گواهی ظرفیت به توانیر در هیچ قانونی پیش‌بینی نشده و مجوز قانونی نیز برای آن صادر نشده است. البته ایرادات دیگری هم به چگونگی اجرای قانون پنجم توسعه در بخش برق وارد بوده است که مهمترین آن عدم پیش‌بینی سازوکاری برای اخذ جبران مالی تاخیر در

محدودیت نرخ با مدیریت وزارت نیرو و از طریق شرکت‌های توزیع که خریداران اصلی برق در بورس انرژی هستند، ناشی شده و عملاً بورس را از ایفای نقش در ایجاد بازار رقابتی و شفافیت در قیمت باز داشته است. به علاوه میزان تزریق پول به صورت قطره‌چکانی به معاملات بورس با مدیریت مالی وزارت نیرو دقیقاً مخالف منظور نظر قانون‌گذار در ماده ۴۴ است که به لزوم «سازوکار بازار» یعنی تعادل منطقی و خارج از تئانی خریدار و فروشنده و عرضه و تقاضا در بورس تاکید کرده است.

بند ۴۴ قانون توسعه ششم باید به ایجاد سازوکاری تضمین شده در بورس انرژی منجر می‌شد که بر اساس آن سرمایه‌گذار به امکان فروش برق تولیدی ناشی از سرمایه‌گذاری کلان خود در بورس با قیمت‌های عادلانه و منطقی اطمینان یابد، اما متأسفانه این اتفاق در طول سال‌های پیاده سازی قانون ششم رخ نداد.

همانگونه که در این نوشتار اشاره شد در بند (ت) ماده ۴۸ قانون مذکور محوریت این ماده، افزایش توان و ظرفیت تولید بوده و به خرید تضمینی برق بر اساس نرخ تعیین شده در شورای اقتصاد تاکید دارد. در حقیقت برای اجرایی شدن این ماده و افزایش ظرفیت تولید تا ۲۵۰۰۰ مگاوات در ۵ سال با اتکا بر قراردادهای BOO و BOT و خرید تضمینی برق می‌بایست بسترسازی‌های لازم برای افزایش رغبت سرمایه‌گذار انجام می‌شد. اما متأسفانه روشی که وزارت نیرو در طول سال‌های گذشته پیش گرفت این بود که ضمن محو کردن تضامین ضروری عرفی طرف دولت در قراردادها، به جای تسهیم عادلانه ریسک‌های سرمایه‌گذاری بین سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر، به تدریج آنها را به سمت بخش خصوصی سوق داد. به این ترتیب هر ساله رغبت سرمایه‌گذاران نیروگاهی برای حضور در صنعت تولید برق

در حقیقت سرمایه‌گذاران حوزه تولید برق انتظار داشتند که در شورای اقتصاد نرخ پایه خرید تضمینی برق به گونه‌ای بر اساس مدل‌های مالی تعیین شود که سرمایه‌گذار به نرخ بازگشت سرمایه ۱۵ درصدی خود براساس مصوبات صندوق توسعه ملی دست یابد.

تولیدکنندگان غیر دولتی برق البته نظرات اصلاحی قابل توجهی در خصوص بندهای ۴۴ و ۴۸ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه داشتند که انتظار می‌رود برای حفظ ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری بخش غیر دولتی در حوزه تولید برق حداقل در برنامه هفتم این موضوعات مورد توجه دولت و مجلس شورای اسلامی قرار گیرد.

اولین نکته در خصوص برنامه ششم، حول محور بند (ب) ماده ۴۴ مطرح شده بود. در این بند آمده است: «وزارت نیرو موظف است که به منظور افزایش بازدهی و ضریب بهره‌وری نیروگاه‌ها، برای نیروگاه‌هایی با بازدهی ۶۰-۵۵ درصد موافقت اصولی صادر و قیمت خرید برق را بنا به سازوکارهای بازار در بورس تعیین کند.»

واقعیت این است که درج قید تاکید وظیفه (و نه اختیار) برای وزارت نیرو در خصوص صدور موافقت اصولی برای احداث نیروگاه‌هایی با راندمان بالاتر از مقادیر کنونی، از مزایای این ماده محسوب شده و رغبت لازم را برای ارتقاء بهره‌وری در سرمایه‌گذاران فراهم می‌آورد، ولی این نقاط قوت در صورتی در اجرا اثرگذار خواهد بود که مشکلات و معضلات موجود در وضعیت بورس انرژی با تدوین آیین نامه اجرایی تا حدی مرتفع شود. به ویژه آنکه مشکلات پرتعداد در مدیریت بورس انرژی، نه تنها رغبت لازم را برای حضور سرمایه‌گذاران در این عرصه فراهم نمی‌آورد بلکه منجر به گریز آنها شده است.

این مشکلات عمدتاً از اعمال عامدانه

در هر صورت پس از تصویب برنامه ششم توسعه در مجلس شورای اسلامی و ابلاغ آن به دولت، بیشترین نقد تولیدکنندگان غیر دولتی برق بر روی دستورالعمل بند «ت» ماده ۴۸ این قانون بود که به تصویب بسیار دیر هنگام شورای اقتصاد رسید. بر اساس این ماده قانونی، دولت مکلف شده بود تا از طریق وزارت نیرو نسبت به افزایش توان تولید برق تا ۲۵۰۰۰ مگاوات از طریق سرمایه‌گذاری موسسات عمومی غیر دولتی، تعاونی و خصوصی اعم از داخلی و خارجی و یا منابع داخلی شرکت‌های تابعه یا به صورت روش‌های متداول سرمایه‌گذاری اعم از BOO و BOT اقدام کند. بر اساس این دستورالعمل قرار بود تنها نرخ خرید تضمینی از طریق شورای اقتصاد تعیین شود. لذا دستورالعمل بند (ت) ماده ۴۸ قانون برنامه پنج‌ساله ششم تنها بایستی ناظر بر تعیین نرخ و نوع خرید تضمینی باشد، به نحوی که منظور قانونگذار برای جذب سرمایه‌گذار محقق شود.

محوریت این ماده، افزایش توان و ظرفیت تولید بوده و به خرید تضمینی برق و آن هم بر اساس نرخ تعیین شده در شورای اقتصاد تاکید داشته است، به گونه‌ای که باید یک نرخ مشخص با روندی تعدیل‌پذیر یا یک فرمول مشخص از سوی شورای اقتصاد شده و مورد تایید قرار می‌گرفت.

نکته بسیار کلیدی اما این بود که برای اجرای صحیح این ماده قانونی تعیین نرخ پایه عادلانه خرید تضمینی برق از همان ابتدای پیاده‌سازی برنامه ششم در قراردادهای تبدیل انرژی با توجه به دوره خرید و نوع قرارداد BOO/BOT از اهمیت بسزایی برخوردار بود. افزون بر اینکه تعیین نرخ تعدیل مناسب برای تعدیل نرخ در سال‌های بعدی برنامه ششم هم در زمینه‌سازی برای جذب سرمایه‌گذاران جدید نیروگاهی اثری غیر قابل انکار داشت.

کاهش یافت. روش مغایر قانون مندرج در دستورالعمل شورای اقتصاد روش برگزاری مناقصه بین متقاضیان سرمایه‌گذاری است که اصولاً تطبیقی با نظر قانونگذار نداشته و با گذشت نزدیک به ۵ سال از برنامه ششم حتی یک مورد هم با روش مندرج در دستورالعمل سرمایه‌گذاری برای احداث نیروگاه حرارتی جذب نشده است.

نکته بسیار کلیدی دیگری که باید مد نظر قرار گیرد این است که برای برنده مناقصه، بازده ۵ تا ۷ ساله برای قرارداد در نظر گرفته شده، آن هم با عرضه برق به بازار عمده‌فروشی که خود چند سال تاخیر در پرداخت پول برق دارد و پرداخت مابه‌التفاوت نرخ برنده مناقصه با نرخ بازار برق را منوط به افزایش نرخ فروش برق به مصرف‌کنندگان توسط وزارت نیرو کرده که امری بعید و دور از انتظار در طول سال‌های اخیر بوده است.

البته جالب است که در دستورالعمل مذکور مشکل مالی انتقال و توزیع برق برای وزارت نیرو به شکلی عجیب و خارج از قانون حل و فصل شده و با تعیین دو ضریب ۳۵ درصدی از نرخ خرید برق به نفع وزارت نیرو تامین مالی شده است (ماده یک تبصره ۲) مصوبه وزیر نیرو در زمینه تعیین مقررات (نرخ و ضوابط مرتبط) ترانزیت انرژی الکتریکی در شبکه برق کشور)

این در حالی است که کماکان هیچ جبران تاخیری برای پرداخت صورتحساب‌ها دیده نشده و سرمایه‌گذار هیچ تأمینی برای بازگشت سرمایه خود ندارد. به طور خلاصه باید گفت که این قانون با چنین دستورالعملی برای بازگشت سرمایه و سود قابل رقابت با سرمایه‌گذاری‌های مشابه در صنعت کشور هیچ جذابیتی را برای سرمایه‌گذاری نیروگاه حرارتی ایجاد نکرده و نمی‌کند. با این روند توقف سرمایه‌گذاری‌ها در حوزه تولید برق که

در حقیقت سرمایه‌گذاران حوزه تولید برق انتظار داشتند که در شورای اقتصاد نرخ پایه خرید تضمینی برق به گونه‌ای بر اساس مدل‌های مالی تعیین شود که سرمایه‌گذار به نرخ بازگشت سرمایه ۱۵ درصدی خود براساس مصوبات صندوق توسعه ملی دست یابد

در طول سال‌های برنامه ششم توسعه به تدریج رخ داده، کاملاً قابل انتظار بوده است.

در این میان نحوه تعیین نرخ پایه به نحوی که سرمایه‌گذاران غیر دولتی بتوانند بر اساس مدل‌های مالی و اقتصادی معمول با عرضه برق در بازار عمده‌فروشی و نیز بورس انرژی، به اداره نیروگاه‌های تحت تملک خود بپردازند هم مسأله‌ای است که در طول این برنامه محقق نشد. وفق ماده ۶ دستورالعمل تعیین نرخ خرید تضمینی برق موضوع بند (ت) ماده ۴۸ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه مقرر بوده وزارت نیرو دستورالعملی را برای تعیین نرخ پایه بازار برق ظرف دو ماه تعیین و ابلاغ کند که متأسفانه به لحاظ بی‌انگیزگی وزارت نیرو این ابلاغ با گذشت بیش از ۱۴ ماه آن هم به صورت ناقص و فقط با اعلام یک رقم (به جای دستورالعمل) صورت گرفت. متأسفانه همین ابلاغیه دیرنگام هم به دلیل تغییرات شدید نرخ ارز و هزینه تمام شده تولید برق کارائی خود را کاملاً از دست داد.

جای بسی تعجب است که وزارت نیرو به جای تلاش در حفظ و نگهداشت سرمایه‌گذاران غیر دولتی، با وضع مقررات مختلف و بعضاً مغایر با قوانین و آرای دیوان عدالت اداری در این سال‌ها نه تنها نقش حاکمیتی

و ملی خود را به درستی ایفا نکرده، بلکه بر حفظ و تقویت یکجانبه خریداران دولتی برق (عمدتاً شرکت‌های توزیع) و شرکت شبکه برق ایران متمرکز بوده است.

مشکل اینجا است که وزارت نیرو در این مسیر از ساختارهای غیرقانونی همچون هیات تنظیم بازار نیز به عنوان وسیله اعمال قدرت خود در خرید برق استفاده کرده و حالا که با همت و نظر مجلس شورای اسلامی مقرر است نهاد تنظیم‌گر بخش برق (رگولاتوری) تشکیل و خلاء تعدیل در روابط خریدار و فروشنده برق را به صورت قانونی پر کند، نهایت تلاش و جدیت را در تغییر دبیرخانه این نهاد از شورای رقابت به وزارت نیرو اعمال و دنبال می‌کند.

امروز کشور در آستانه تقدیم هفتمین برنامه توسعه پنج‌ساله اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به مجلس شورای اسلامی است. با این تفاوت که شرایط صنعت برق به عنوان یکی از مهمترین پیشران‌های توسعه پایدار و زیرساخت اصلی توسعه صنعتی و تامین رفاه عمومی، نسبت به گذشته بسیار بحرانی‌تر است.

برنامه هفتم از این جهت برای صنعت برق اهمیت دارد که اولاً می‌تواند به یک بستر قانونی مناسب برای خروج این صنعت از بحران تبدیل شود و ثانیاً قادر است زمینه را برای بازگشت رونق به سرمایه‌گذاری‌های این صنعت فراهم کند. نکته اینجا است که آنچه که بخش خصوصی در طول سال‌های گذشته به عنوان نقاط ضعف و یا قوت برنامه‌های پنج‌ساله توسعه عنوان کرده می‌بایست به صورت جدی در هفتمین برنامه مورد توجه قرار گیرد. در غیر این صورت این برنامه هم می‌تواند به جای حل مسأله، بر مشکلات صنعت برق بیافزاید و به بی‌انگیزگی سرمایه‌گذاران این صنعت بیش از گذشته دامن زند. ■



با این بودجه‌ها هاب انرژی نخواهیم شد

گفت و گو با عبدالعلی رحیمی مظفری، عضو هیات رییس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی

بخش برق به عنوان زیر ساخت زیر ساخت‌ها سال‌ها است که با کمبود نقدینگی و سرمایه‌گذاری از یک سو و از سوی دیگر با مطالبات و بدهی‌های بالا دست و پنجه نرم می‌کند.

اگر کمی به عقب برگردیم و به دلایل گرفتار شدن صنعتی که قرار بود به عنوان هاب انرژی در منطقه شناخته شود کمی دقت و تعمق کنیم، متوجه خواهیم شد که در بخش برق، از دهه ۸۰ و در زمانی که برخی از نمایندگان مجلس طرح تثبیت قیمت‌ها را مطرح و به تصویب رساندند، به نوعی کلید درجا زدن صنعت برق فشرده شد.

طرح تثبیت قیمت‌ها که یکی از مصوبات جنجالی مجلس هفتم در سال ۸۳ بود، اگر چه با هدف کمک به اقبال کم‌درآمد جامعه و به نوعی ممنوعیت افزایش تدریجی قیمت برخی اقلام یارانه‌دار همچون سوخت و کالاهای عمومی تصویب شد، اما شاید کمتر کارشناسی به این نکته توجه کرده بود که این مصوبه می‌تواند زبان انباشته بالایی به صنعت برق وارد کند. مطالبات بخش غیر دولتی صنعت برق از وزارت نیرو و از سوی دیگر مطالبات وزارت نیرو از دولت نشان می‌دهد که صنعت برق برای خروج از مشکلات نیازمند همت و توجهی ویژه از سوی دولت و خصوصا مجلس شورای اسلامی است.

بر اساس قانون برنامه پنجم توسعه قرار بر این شد تا مابه‌التفاوت قیمت تمام‌شده و هزینه‌ای که بابت هر کیلووات‌ساعت مصرف از سوی مشترکان انجام می‌شود از طریق یک ردیف در بودجه از سوی دولت برای وزارت نیرو جبران شود، اما این امر چندان تحقق نیافت و به همین دلیل وزارت نیرو نیز بیش از ۱۵ هزار میلیارد تومان به بخش خصوصی بدهکار شد. این وضعیت و آمار نشان می‌دهد که از سال ۸۵ تا ۹۵ دولت بیش از ۳۰ هزار میلیارد تومان به وزارت نیرو بدهکار بوده است.

این زنجیره بدهی و مطالبات میان وزارت نیرو و بخش خصوصی و پیمانکاران صنعت برق بیانگر آن است که دولت و مجلس باید به بخش برق به عنوان یک صنعت ویژه نگاه کنند و در بودجه‌های تقدیمی خود به خوبی به موارد مهم و ریز صنعت برق توجه کنند و اگر قرار است به توسعه اقتصادی دست یابیم، باید به برق به عنوان یک کالای استراتژیک و ویژه توجه شود.

بر این اساس در مورد اینکه لایحه بودجه ۱۴۰۰ در بخش برق تا چه حد متناسب با شرایط و نیازهای اساسی این بخش تدوین شده است، با عبدالعلی رحیمی مظفری، عضو هیات رییس کمیسیون انرژی مجلس و نماینده سراوان گفت‌وگویی انجام دادیم که با هم می‌خوانیم:

بودجه ۱۴۰۰ در خصوص اوراق سلف نفتی تأکیدی شده اما مجلس با آن مخالف است. به طوری که در بودجه ۱۴۰۰ حدود ۷۰ هزار میلیارد تومان اوراق سلف نفتی دیده شده که مجلس این عدد را بنا به دلایلی رد کرده است.

آیا مجلس و کمیسیون انرژی قصد ندارد که به طور مشخص از بخش برق حمایت ویژه‌ای کند؟

همان طور که گفتم کمیسیون انرژی پیشنهادهایی برای حمایت از صنعت برق در دستور کار خود دارد. یکی از این بخش‌ها، حمایت از انرژی‌های تجدیدپذیر است که ما به شدت این برنامه را دنبال می‌کنیم. البته در این پیشنهاد مجلس، بحث حمایت از انرژی‌های تجدیدپذیر صرفاً دادن تسهیلات نیست.

به خوبی به این موضوع واقف هستید که بخش غیر دولتی تولیدکننده برق طلب زیادی از وزارت نیرو دارد و این بدهی وزارت نیرو باعث شده تا تمایل به احداث نیروگاه‌های جدید از سوی سرمایه‌گذاران بخش خصوصی کمتر شود. آیا در این خصوص مجلس راهکاری خواهد اندیشید؟

شخص وزیر نیرو باید با حضور در کمیسیون تلفیق بودجه و رایزنی‌های لازم، بودجه وزارتخانه متبوعش را افزایش دهد. هر چند شاید این افزایش بودجه نتواند کمکی به صنعت برق و یا کاهش بدهی‌ها به بخش خصوصی کند، اما به هر حال باید راهکاری اندیشیده شود تا مطالبات این بخش به میزان کافی از وزارت نیرو کاهش یابد و بخش خصوصی با اشتیاق بیشتری برای سرمایه‌گذاری در صنعت برق ترغیب شود. هر چند ما معتقد هستیم که اگر قرار است در ساخت نیروگاه از سرمایه‌گذاران خارجی استفاده شود، باید همان شرایط مناسب برای سرمایه‌گذاران خارجی را در اختیار بخش خصوصی داخلی نیز بگذارند.

پس مجلس از طلب بخش خصوصی از وزارت نیرو مطلع است؟ در حال حاضر بسیاری از نیروگاه‌های بخش خصوصی بابت فروش برق به شبکه سراسری برق از وزارت نیرو طلب دارند. ما به خوبی می‌دانیم که سرمایه‌گذاران بخش خصوصی برای ساخت نیروگاه وام ارزی دریافت کرده‌اند و پرداخت‌نشدن به موقع مطالبات، به آنها چه فشار مضاعفی وارد می‌کند.

به عنوان سوال آخر آیا در بودجه ۱۴۰۰ بحث هدفمندی یارانه‌ها و پرداخت مطالبات و مابه‌التفاوت از سوی دولت دیده شده است؟

سهام هدفمندی یارانه‌ها در بودجه ۱۴۰۰ دیده شده و پیش‌بینی شده است. تأکید ما این است که دولت باید به موقع این سهم را بپردازد. ■

تهیه‌شده توسط اکبر محمودی، روزنامه‌نگار

دولت لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ را در حالی به مجلس ارائه کرد که برای اولین بار در ۴۰ سال گذشته، این لایحه توسط رییس‌جمهور به مجلس تقدیم نشد. از نظر شما در این لایحه آیا حمایت‌های اساسی مورد نیاز صنعت برق اعمال شده است؟ اساساً چه تفاوت‌های شاخصی بین بودجه سال ۱۳۹۹ و لایحه کنونی در بخش برق قابل ملاحظه است؟

برای ورود به این بحث باید به این نکته تأکید کرد که بودجه‌ای که در لایحه بودجه ۱۴۰۰ برای بخش برق در نظر گرفته شده است جوابگوی این صنعت نخواهد بود. به عنوان مثال در حال حاضر بسیاری از شبکه‌های توزیع و فوق توزیع برق فرسوده و قدیمی هستند و نیازمند جایگزین شدن با کابل‌های گردان هستند. به عبارتی بخش اعظم برق‌رسانی در روستاها و حتی شهرها، قدیمی و فرسوده هستند و با این بودجه‌ای که در لایحه ۱۴۰۰ دیده می‌شود به نظر می‌رسد جایگزین شدن این کابل‌ها و نوسازی شبکه‌های توزیع و فوق توزیع برق با تأخیر قابل توجهی مواجه شود. باز هم تأکید می‌کنم که بودجه جاری برای بخش برق بسیار پایین است.

آیا کمیسیون انرژی مجلس این موضوع را در اولویت کاری خود قرار داده و آن را به دولت گوشزد خواهد کرد؟

در این خصوص پیشنهادهایی در کمیسیون انرژی مجلس در حال آماده‌سازی است و در جلسات ویژه‌ای که برگزار خواهد شد بحث و مطرح می‌شود. به عنوان مثال در برق‌رسانی به روستاها پیشنهادهایی در حال بررسی است چرا که ما معتقد هستیم شرایط کنونی برق‌رسانی به روستاها و شهرها زینده ایران نیست.

آیا پیشنهادهای کمیسیون انرژی مجلس نهایی شده است و موردی هست که از این طریق قابل اعلام باشد؟

یکی از پیشنهادهای کمیسیون انرژی این است که برای برق‌دار کردن چاه‌های کشاورزی، نباید از دامداران و کشاورزان هزینه‌های بالایی دریافت شود. اگر دولت بخواهد از کشاورزان برای برق‌دار کردن چاه‌های کشاورزی و یا دامداران مبالغی در حدود ۵۰ میلیون تومان دریافت کند، قطعاً با سایر هزینه‌ها برای کشاورزان ۲۰۰ میلیون تومان خواهد شد. پس تلاش ما این است که دولت به کمک کشاورزان بیاید. به هر حال مجلس نیز به خوبی به این موضوع واقف است که تلاطمات ارزی به به کل بخش‌های صنعت برق ضرر و زیان‌های مالی زیادی وارد کرده است. پس رفتن به سمت نوسازی شبکه فرسوده برق باید یکی از اولویت‌ها باشد.

در بودجه ۱۴۰۰ چه میزان امکان بهره‌برداری از فرصت اوراق و یا تهاتر به بخش برق اختصاص داده شده است؟

در بودجه ۱۴۰۰ برای کمک به بخش برق مقرر شده است که از اوراق استفاده شود. اما نکته‌ای که وجود دارد این است که در بودجه به طور مشخص به بخش برق اشاره‌ای نشده است. در

بایدهای بودجه ۱۴۰۰ برای تولیدکنندگان برق

تهیه‌شده در دفتر پژوهش سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق*

مربوط است. این بند هر چند که به صورت بالقوه می‌تواند نقش مثبتی در بهبود فضای مالی تولید برق داشته باشد و ظرفیت آن از سال ۱۳۹۷ تا لایحه ۱۴۰۰ از سقف ۹۵ هزار میلیارد ریال به ۲۰۰ هزار میلیارد ریال رسیده، اما عملکردی برای تولیدکنندگان برق در دو سال گذشته نداشته به طوری که تخصیصی به آنها از این ناحیه صورت نگرفته است.

این در حالی است که تولیدکنندگان برق طلبکاران بزرگ شرکت‌های زیرمجموعه وزارت نیرو هستند. به طوری که در پایان مهر ۱۳۹۹، بالغ بر ۲۵۰ هزار میلیارد ریال حجم مطالبات آنها بوده و با کمبود نقدینگی شدید حتی برای انجام هزینه‌های جاری اداره نیروگاه مواجه هستند. بنابراین آنچه در باره این بند حائز اهمیت است چگونگی تخصیص این اسناد توسط سازمان برنامه و بودجه به صنعت برق و نیز چگونگی تقسیم در میان بخش‌های مختلف صنعت شامل تولید، انتقال و توزیع است.

البته با یک بررسی اجمالی در خواهیم یافت که بند (و) تبصره (۵) هم ظرفیت‌های قابل توجهی برای تولیدکنندگان برق دارد. این بند به انتشار اسناد تسویه خزانه (نوع اول و نوع دوم) مربوط است. مطابق این بند، بدهی‌های قطعی دولت به اشخاص حقیقی و حقوقی و نهادها و موسسات عمومی غیر دولتی و ... با مطالبات قطعی معوق دولت از اشخاص مزبور با رعایت ملاحظاتی به صورت جمعی - خرجی قابل تسویه است (اسناد تسویه خزانه نوع اول) یا مطالبات قطعی اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و تعاونی و نهادهای عمومی غیر دولتی و... با بدهی اشخاص یاد شده به بانک مرکزی یا بانک‌ها و موسسات اعتباری غیر بانکی از طریق تسویه بدهی‌های بانک‌ها و موسسات اعتباری غیر بانکی به بانک مرکزی با رعایت ملاحظاتی به صورت جمعی - خرجی قابل تسویه است (اسناد تسویه خزانه نوع دوم). ظرفیت‌های مندرج در این بند در سال

سال‌ها است که در خصوص ساختار نامناسب اقتصادی صنعت برق و عدم توازن بین منابع و مصارف این صنعت، بسیار گفته شده است. این ناترازی مستمر، علاوه بر ایجاد بدهی‌های انباشته برای وزارت نیرو، عملاً نوعی رکود مستمر را بر این صنعت حاکم کرده است. ساختار اقتصاد برق ایران به گونه‌ای است که منابع فروش برق به مصرف‌کنندگان نهایی، هزینه تمام‌شده تولید برق تا رسیدن به نقاط نهایی مصرف را پوشش نمی‌دهد. مطابق اطلاعات مندرج در ذیل تبصره (۱۴) قانون بودجه سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹، این صنعت به ترتیب ۳۴ هزار و ۷۶۹، ۴۷ هزار و ۲۱۰ و ۴۹ هزار و ۹۹۸ میلیارد ریال زیان انباشته داشته است. زمانی که منابع برای پوشش نیازها کافی نیست، چگونگی تخصیص منابع اهمیت ویژه می‌یابد. ضمن آنکه این شرایط، نقش چانه‌زنی‌های ذی‌نفعان را در تصاحب منابع پررنگ می‌کند. این چانه‌زنی‌ها در زمان بررسی بودجه که گروه‌های مختلف فعالان خصوصی و دولتی با ارائه پیشنهادهایی تلاش می‌کنند اصلاحی به نفع خود در وضعیت ایجاد کنند، از اهمیت بسیاری برخوردار می‌شود.

سند بودجه به چند دلیل دلالت‌های مهمی برای تولیدکنندگان برق دارد. نخست ماهیت احکام بودجه است. در طی سالیان گذشته آنچه در احکام بودجه بیشترین اثرگذاری را بر وضعیت نیروگاه‌های خصوصی داشته، ظرفیت‌های مندرج در تبصره (۵) برای تسویه بدهی‌های دولت به آنها و نیز تهاثر بدهی‌ها با مطالبات بوده است. باید توجه داشت این ظرفیت‌ها هر چند راه کلیدی حل مسائل تولید برق نیست، اما می‌تواند اثرات مثبتی بر نقدینگی نیروگاه‌ها داشته و از وخامت شرایط فعالیت برای آنها بکاهد.

تحلیل قانون بودجه در سال‌های گذشته به درستی نشان می‌دهد که در تبصره (۵) بندهای (ه) و (و) برای تولیدکنندگان غیر دولتی برق اهمیت بیشتری دارند. بند (ه) به انتشار اسناد خزانه اسلامی با سررسید تا سقف سه سال برای تسویه بدهی دولت به طلبکاران

ماه به طول می‌انجامد و در این فاصله سازمان امور مالیاتی اقداماتی همچون ممنوع‌الخروج کردن مدیران یا مسدود کردن حساب‌های بانکی و در نهایت در فاصله صدور برگ قطعی تا اخذ مصوبه هیات وزیران به ازای هر ماه ۲/۵ درصد جریمه محاسبه می‌کند.

بر این اساس تکرار این بند در بودجه ۱۴۰۰ در صورتی اثرگذاری بیشتری دارد که به میزان مطالبات تایید شده شرکت‌های تولیدکننده برق از دولت، در زمان قطعی شدن یا رسیدگی بدهی سازمان امور مالیاتی و سازمان تامین اجتماعی، جریمه تعلق نگیرد. ملاحظه دیگری که در استفاده از این تبصره وجود دارد، زمان‌بر بودن تدوین آیین‌نامه‌ای است که باید با پیشنهاد مشترک سازمان برنامه و بودجه، وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی تهیه شود و سپس به تصویب هیات وزیران برسد. در سال جاری آیین‌نامه مذکور در مرداد ۱۳۹۹ به تصویب رسیده است. چنانچه برای سازمان‌های مذکور الزام زمانی در تهیه آیین‌نامه در قانون بودجه تعریف شود، مشکلات اجرایی کمتر خواهد شد.

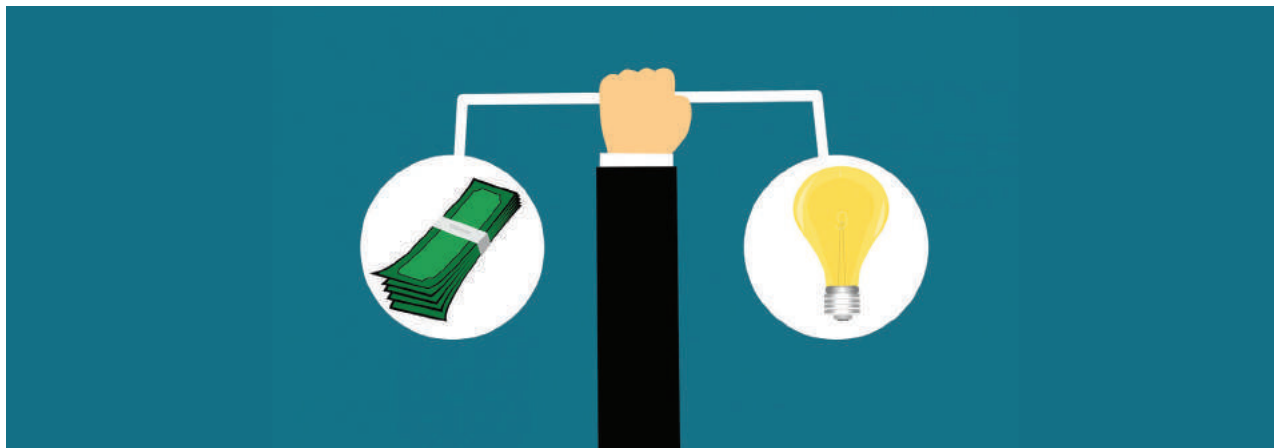
در نهایت باید اشاره کرد از جمله اقدامات مثبتی که در لایحه بودجه ۱۴۰۰ صورت گرفته است؛ مستثنی کردن صنعت آب و برق از واریز منابع حاصل از فروش آب و برق به سازمان هدفمندسازی است. این اقدام به جا می‌تواند بر بهبود جریان مالی این صنعت موثر باشد.

در کنار احکام بودجه، بررسی بودجه شرکت‌های دولتی (پیوست سه لایحه بودجه) نیز از حیث محاسبه بهای تمام‌شده برق، درآمدهای ناشی از صادرات برق و برآورد قیمت خرید برق از بخش غیر دولتی برای تولیدکنندگان برق حائز اهمیت است، زیرا به نوعی فضای فعالیت سال پیش رو و تغییرات احتمالی آن را نشان می‌دهد. بودجه سال آینده در صورت رفع ابهاماتی که به آنها اشاره شد، می‌تواند به یک قانون گره‌گشا برای نیروگاه‌های غیر دولتی تبدیل شود. ■

۱۳۹۸ با اقبال گسترده تولیدکنندگان برق روبه‌رو شد و منجر به کاهش بیش از نیمی از مطالبات نیروگاه‌های خصوصی از دولت شد. بنا به دیدگاه‌های تولیدکنندگان غیر دولتی برق، در استفاده از این ظرفیت ملاحظاتی دخیل است که لحاظ کردن یا اصلاح آنها در لایحه ۱۴۰۰ می‌تواند موثر باشد. نخست آنکه در شرایط فعلی به دلیل اجزای زنجیره تهاتر استفاده از این ظرفیت برای بدهی‌های ارزی تولیدکنندگان برق به صندوق توسعه ملی میسر نیست، تا زمانی که برای بازپرداخت این بدهی‌ها پس از جهش ارزی از طریق ظرفیت‌های بودجه یا سایر روش‌های ممکن اقدامی صورت نگیرد، مساله سرمایه‌گذاری در تولید برق همچنان حل نشده باقی می‌ماند.

همچنین مشروط کردن استفاده از این بند به پرداخت درصد نقدی (مشابه قانون بودجه سال ۱۳۹۸ و لایحه ۱۴۰۰ که استفاده از ظرفیت تهاتر به ترتیب مشروط به پرداخت ۲۵ و ۱۵ درصد بدهی‌ها به صورت نقدی است)، محدودیت‌هایی را در استفاده از آن ایجاد می‌کند. هر چند که در تسویه نوع اول در نهایت پرداخت درصد نقدی به عهده سازمانی است که جایگزین بدهکار می‌شود، اما با توجه به اینکه مشکلات نقدینگی در سازمان‌های تابعه وزارت نیرو نیز وجود دارد، الزام پرداخت نقدی برای استفاده از ظرفیت تهاتر انجام آن را دشوارتر می‌کند. در قانون بودجه سال ۱۳۹۹ با پیگیری بخش خصوصی این الزام در حالی که در لایحه بودجه درج شده بود، از قانون بودجه حذف شد.

نکته سوم مرتبط با مراحل اجرایی بند (و) این تبصره است. در شرایط فعلی شرکت‌ها همزمان با ارسال اظهارنامه یا دریافت برگ تشخیص یا قطعی، درخواست کتبی خود را به وزارت اقتصاد و دارایی ارسال و سپس این وزارتخانه پس از مکاتبات با طرفین مرتبط با تهاتر مالیاتی اقدام به دریافت مصوبه از هیات وزیران می‌کند. این فرآیند اداری که کاملاً از اختیار شرکت متقاضی خارج است حدود ۶



* این مطلب پیش از این در ویژه‌نامه سراسری بودجه روزنامه دنیای اقتصاد مورخ ۹۹/۰۹/۲۶ نیز درج شده است.



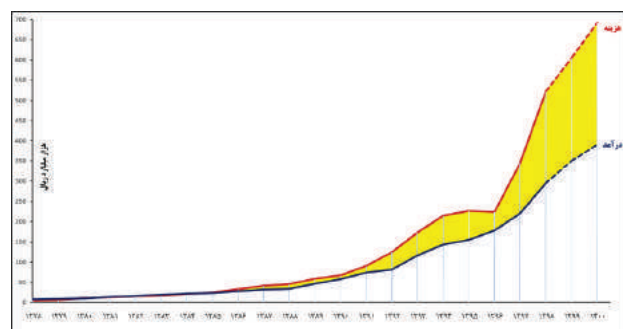
نصرت‌الله عباس‌زاده، مدیر کل دفتر بودجه و توسعه سرمایه‌گذاری شرکت توانیر

نگاهی به وضعیت صنعت برق در لایحه بودجه سال ۱۴۰۰

همان‌طور که از نمودار کاملاً مشهود است، تا سال ۱۳۸۴ درآمدها و هزینه‌ها به نحوی است که عملاً صنعت برق نیازی به منابع عمومی دولت نداشته است. بعد از سال ۱۳۸۴ و با تصویب طرح تثبیت قیمت‌ها در مجلس هفتم، ناترازی اقتصاد برق سال به سال افزایش یافته و در سال‌های اخیر نیز به‌واسطه افزایش نرخ ارز و سطح عمومی قیمت‌ها، این ناترازی تشدید شده است. با اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها نیز در سال‌های بعد از برنامه چهارم شکاف بین درآمدها و هزینه‌های صنعت افزایش یافته است. به نظر می‌رسد ریل صحیح سیاستگذاری در حوزه اقتصاد برق همان مسیری است که تا برنامه سوم در حال وقوع بود و امیدواریم که در برنامه هفتم توسعه این بستر فراهم شود.

برای پوشش بخشی از این کسری‌ها و تسویه و تهاتر بخشی از بدهی‌های این صنعت، در سال‌های اخیر ظرفیت‌هایی در قوانین بودجه پیش‌بینی می‌شود. در این میان در قانون بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور به‌طور خاص در بند (و) تبصره ۵ و بند (د) تبصره ۷ ظرفیت مناسبی برای تهاتر بخشی از بدهی‌های صنعت برق منظور شده و صنعت برق نیز تا حدود زیادی از این ظرفیت‌ها استفاده کرده است. با این حال در تبصره (۱۴) قانون بودجه سال جاری ترتیباتی دیده شده بود که گردش همین نقدینگی اندک صنعت برق را با چالش‌های زیادی روبه‌رو کرد و پرداخت‌های ضروری صنعت برق را با مشکلات متعددی مواجه ساخت. از این‌رو لایحه

به اعتقاد نگارنده، مهمترین تمایز صنعت برق با سایر بخش‌ها از حیث منابع و مصارف، عدم اتکای آن به بودجه عمومی دولت است. تا برنامه سوم توسعه، وضعیت درآمدها و هزینه‌های صنعت برق به نحوی بود که خودکفایی درآمدی در این صنعت زیربنایی تقریباً در حال تحقق بود؛ لیکن بعد از برنامه چهارم توسعه و طرح تثبیت قیمت‌ها به تدریج آن خودکفایی درآمدی که تا پایان برنامه سوم توسعه در حال وقوع بود، عملاً از دست رفت. نمودار زیر روند درآمدها و هزینه‌های صنعت برق را در طول سال‌های مختلف نشان می‌دهد.



کلیت بودجه این صنعت در نظر بگیریم، در لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ قیمت تمام‌شده برق بدون سوخت و با هزینه استهلاک دفتری حدود ۱۹۵ تومان به ازای هر کیلووات‌ساعت است که رقم قابل مقایسه آن در سال ماقبل آن حدود ۱۴۰ تومان بوده است. این در حالی است که متوسط قیمت فروش برق به مشترکین در حال حاضر تقریباً ۸۸ تومان به ازای هر کیلووات ساعت است.

از دیدگاه منابع و مصارف صنعت برق و مقایسه آن با بودجه کل کشور هم می‌توان گفت که در لایحه ۱۴۰۰ از بودجه ۲۴۳۶ هزار میلیارد تومانی کل کشور، ۸۳/۷ هزار میلیارد تومان (حدود ۳/۴ درصد) مربوط به صنعت برق است. این ارقام در قانون بودجه سال ۱۳۹۹ به ترتیب ۲۰۲۷ و ۵۶/۲ هزار میلیارد تومان بوده است. به عبارت دیگر سهم صنعت برق در بودجه کل کشور از ۲/۸ درصد در سال ۱۳۹۹ به ۳/۴ درصد در سال ۱۴۰۰ افزایش یافته است و ترکیب منابع و مصارف صنعت برق در جدول زیر نشان داده شده است. ■

بودجه شرکت‌های دولتی صنعت برق در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ - ارقام به میلیارد ریال

منابع	۱۳۹۹	۱۴۰۰	مصارف	۱۳۹۹	۱۴۰۰
درآمدها	۲۸۰,۸۹۶	۳۷۱,۴۹۳	هزینه‌ها		
اعتبارات هزینه‌ای			مالیات	۸۱۶	۹۹۱
اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای	۲,۹۲۳	۳,۴۷۸	سود ویژه ۵۰ درصد	۱,۶۳۳	۱,۹۸۳
تسهیلات بانکی و سایر وام‌های داخلی	۶۸,۴۲۰	۱۰۹,۸۰۸	سود سهام	۲۱۴	۲۳۲
وام‌های خارجی	۵۱,۳۵۱	۹۵,۸۲۶	سایر حساب‌های تخصیص سود	۹	۰
دارایی‌های جاری	۱۸,۹۴۹	۳۳,۹۷۸	بازپرداخت تسهیلات بانکی و سایر وام‌های داخلی	۲۷,۱۹۶	۲۷,۷۴۵
سایر دریافت‌ها	۱۳۹,۲۶۸	۲۲۱,۹۰۹	بازپرداخت وام‌های خارجی	۸,۱۵۱	۱۰,۷۵۱
منابع تامین زیان	۴۱۳	۴۱۳	وجوه اداره شده	۱,۰۱۰	۶,۰۰۰
			بازپرداخت ودیعه، بدهی‌ها و سایر پرداخت‌ها	۷,۵۵۳	۷,۹۸۹
			هزینه‌های سرمایه‌ای	۲۴۹,۱۴۵	۴۱۶,۷۳۶
			افزایش دارایی‌های جاری	۶,۱۳۱	۱۶,۴۵۸
			جمع	۵۷۹,۹۰۲	۸۵۶,۸۲۶
			کسر می‌شود: ذخیره استهلاک منظور شده در هزینه جاری	۱۷,۶۸۳	۱۹,۹۲۱
جمع کل	۵۶۲,۲۲۰	۸۳۶,۹۰۵	جمع کل	۵۶۲,۲۲۰	۸۳۶,۹۰۵

بودجه سال ۱۴۰۰ در حالی به مجلس شورای اسلامی ایران تقدیم شد که صنعت برق در شرایط سخت تامین نقدینگی برای پیشبرد تعمیرات اساسی نیروگاه‌ها و شبکه‌های برق برای رویارویی با اوج مصرف برق تابستان سال آینده است. حسب حساسیت‌هایی که تامین نیازهای اساسی این صنعت زیربنایی دارد، دولت در تنظیم تبصره (۱۴) لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ ترتیباتی اتخاذ کرده است که حداقل همین منابع اندک صنعت برق بلافاصله در اختیار شرکت‌های خدمات‌رسان برق قرار گیرد و امیدواریم که با کمک نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی به همین ترتیب مورد تصویب قرار گیرد. بنابراین ترتیبات مندرج در متن تبصره ۱۴ لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ کمک موثری در تامین نیازهای ضروری صنعت برق داشته و امیدهای شرکت‌داری بنگاه‌های برق را که تقریباً از سال ۱۳۹۷ رو به افول گذاشته بود، همچنان زنده نگه خواهد داشت.

نکته مثبت دیگر لایحه بودجه سال آینده کل کشور، نحوه تسویه بدهی‌های مالیاتی و سایر بدهی‌های پیمانکاران و تولیدکنندگان برق به دولت و مطالبات آنها از صنعت برق کشور است که در بند (و) تبصره ۵ لایحه بودجه، مشابه سنوات قبل پیشنهاد خوبی در این خصوص منظور شده و نیازمند آن است که به تصویب مجلس برسد. از حیث اعداد و ارقام بودجه صنعت برق نیز مطلب قابل اهمیت این است که عوامل و پیش‌فرض‌های متعددی در تدوین بودجه شرکت‌های دولتی و به تبع آن در بودجه صنعت برق دخیل است که تغییر هر کدام از این فرض، ارقام بودجه را دستخوش تغییر می‌کند؛ به‌طور نمونه نحوه انعکاس هزینه‌های سوخت در صنعت برق و مبلغ آن، اقلام دوبار منظور شده و همچنین سهم بورس انرژی در مبادلات برق ممکن است مقایسه سنواتی را مخدوش سازد. با این حال اگر قیمت تمام شده هر کیلووات‌ساعت برق را به عنوان شاخصی برای سنجش

۱- لازم بذکر است که همه قیمت تمام شده برق به‌واسطه غیر دولتی بودن بخش توزیع، در بودجه کل کشور منعکس نمی‌شود.

پیشنادهایی پیش از ارائه برنامه توسعه هفتم

تک‌های گم‌شده برای اثربخشی
برنامه هفتم بر صنعت برق

بهار عبادی، روزنامه‌نگار

روشنی رصد کرد. مساله دیگری که در این خصوص نمی‌توان از نظر دور داشت این است که بی‌توجهی به خسارت دیرکرد بر صورت وضعیت‌های پرداخت‌نشده نیروگاه‌ها، به ویژه در شرایطی که نرخ تورم بالایی در کشور وجود دارد، از دیگر چالش‌های جدی نیروگاه‌های غیر دولتی است.

به علاوه، از متوسط قیمت معاملات برق در بورس انرژی که به دلیل مشکلات نقدینگی ناشی از سیاست‌های نادرست در پرداخت مطالبات شرکت‌های تولیدکننده برق و همچنین نحوه تامین مالی شرکت‌های توزیع برای خرید در بورس، موجب روند نزولی قیمت‌ها شده است هم نمی‌توان چشم پوشید.

در این باره و به منظور رفع چالش‌های موجود، توجه به چند نکته، کاملاً حیاتی به نظر می‌رسد. نخست این که برای عبور از بحران‌های فعلی ضروری است که در شورای اقتصاد نرخی مصوب شود که بر اساس مدل‌های مالی، سرمایه‌گذار به نرخ بازگشت سرمایه (IRR) ۱۵ درصدی خود براساس مصوبات صندوق توسعه ملی دست یابد.

با توجه به این که وزارت نیرو وفق قوانین موجود، در عقد قراردادهای مخیر بوده و قانون‌گذار ارجاع شرایط و دستورالعمل‌های حاکم بر قرارداد را منوط به بررسی و تصویب در شورای اقتصاد ندانسته، در صورتی که تصمیم‌گیری در خصوص موضوعاتی مانند دوره تضمین خرید برق به مدت پنج سال و غیر قابل تمدید بودن آن و یا راه‌اندازی بازار گواهی ظرفیت تولید که حقوقی از سرمایه‌گذاران را مخدوش می‌کند، باید بر عهده شورای اقتصاد باشد.

این در حالی است که بر اساس بند ت ماده ۴۸ قانون پنج ساله ششم توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشور، صرفاً نرخ خرید تضمینی در شورای اقتصاد به تصویب می‌رسد، به گونه‌ای که

تولیدکنندگان غیر دولتی برق، سرمایه‌گذارانی هستند که امروز به دلیل شرایط حاکم بر این صنعت عملاً ناگزیر به پذیرش بخش قابل توجهی از ریسک‌های موجود در فضای کسب‌وکار صنعت تولید برق کشور شده‌اند. در حقیقت آن‌ها سرمایه‌گذارانی هستند که به جای برگشت سرمایه و دستیابی به سود منصفانه سرمایه خود، با چالش‌ها و زیان‌های مستمر ناشی از ساختار ناکارآمد حقوقی حاکم بر قراردادهای خرید برق و تعرفه‌گذاری این کالای استراتژیک در بورس و بازار برق دست به گریبان هستند.

در این میان قوانین بالادستی پرشماری، برای تامین منافع صنعت برق، به موازات منافع ملی کشور وجود دارد که متاسفانه عمدتاً در اجرا ناکارآمد مانده‌اند. پیش از این، سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق پیشنهادهای خود را در تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی بندهای مهم و موثری از قانون برنامه ششم توسعه، به وزارت نیرو و دستگاه‌های اجرایی تابعه آن داده بود که متاسفانه کمتر مورد توجه قرار گرفت.

امروز در آستانه تدوین و تقدیم هفتمین برنامه پنج‌ساله توسعه کشور به مجلس شورای اسلامی، توجه به همان پیشنهادها که می‌تواند تا حد قابل توجهی ظرفیت‌های قانونی برای کاهش ابعاد بحران حاکم بر این صنعت بکاهد بسیار ضروری است. نگاهی به شرایط حاکم نشان می‌دهد که مسئولیت‌هایی که با تدوین مقررات و متون قراردادی جدید بر عهده سرمایه‌گذار گذاشته شده است و نیز مصوبات هیات تنظیم بازار، عملاً قوانین موجود را به ابزاری محدودکننده، بازدارنده و زیان‌آور برای سرمایه‌گذاران بدل کرده‌اند. برخی از این مصوبات به کاهش عمده درآمد نیروگاه‌های حرارتی در بازار برق منجر شده است و خروجی آن‌ها را می‌توان در متوسط قیمت برق خریداری شده از نیروگاه‌ها در طول سال‌های اخیر، به

سرمایه‌گذار در بازه زمانی مناسبی به اصل و فرع سرمایه‌گذاری خود دست یابد. همین امر و اهمیت حل مسائل و چالش‌های ناشی از ابهامات و کاستی‌های نظام حقوقی و قراردادی وزارت نیرو سبب شد که سندیکا پیشنهادهایی را در خصوص دستورالعمل یا آیین‌نامه‌های اجرایی مواد ۴۴ و ۴۸ قانون برنامه پنج‌ساله ششم به وزارت نیرو ارائه دهد که توجه جدی به آن‌ها در تدوین هفتمین برنامه توسعه پنج ساله کشور بسیار حیاتی و ضروری است و بی توجهی به آن‌ها عواقب و پیامدهای غیر قابل جبرانی برای تولید برق در پی خواهد داشت. این پیشنهادهای به قرار زیر است:

بند (ب) ماده ۴۴ بیان می‌دارد: «وزارت نیرو موظف است که به منظور افزایش بازدهی و ضریب بهره‌وری نیروگاه‌ها: ۱. برای نیروگاه‌هایی با بازدهی ۶۰-۵۵ درصد موافقت اصولی صادر نماید. ۲. قیمت خرید برق را بنا به سازوکارهای بازار در بورس تعیین نماید.»

با وجود آن که درج قید تاکید وظیفه (و نه اختیار) وزارت نیرو در صدور موافقت اصولی برای احداث نیروگاه‌هایی با راندمان بالاتر از مقادیر کنونی، از مزایای این ماده محسوب و رغبت لازم را برای افزایش بهره‌وری در سرمایه‌گذاران فراهم می‌آورد، ولی انتظار می‌رود که تدوین آیین‌نامه اجرایی بتواند مشکلات و معضلات موجود در وضعیت بورس انرژی را نیز مرتفع کند، زیرا مشکلات عدیده‌ای در مدیریت بورس انرژی وجود دارند که نه تنها رغبت لازم را برای حضور سرمایه‌گذاران در این عرصه فراهم نمی‌آورد بلکه منجر به گریز آن‌ها شده است. این مشکلات ناشی از اعمال عامدانه محدودیت نرخ با مدیریت وزارت نیرو و از طریق شرکت‌های توزیع نیروی برق است

که خریداران اصلی برق در بورس انرژی محسوب می‌شوند و عملاً بورس را از ایفای نقش در ایجاد بازار رقابتی، شفافیت و کشف قیمت، باز داشته است. تزریق قطره‌چکانی پول به معاملات بورس که با مدیریت مالی وزارت نیرو انجام می‌شود نیز از معضلاتی است که حجم معاملات را محدود کرده است. این روش برخورد وزارت نیرو با بورس انرژی دقیقاً مخالف نظر قانون‌گذار است که به لزوم «سازوکار بازار» یعنی تعادل منطقی و خارج از تباری خریدار و فروشنده و عرضه و تقاضا در بورس تاکید کرده است. بنابراین در تدوین آیین‌نامه این ماده، بایستی سازوکار بازار در بورس انرژی به نحوی تضمین شود که سرمایه‌گذار به امکان فروش برق تولیدی ناشی از سرمایه‌گذاری کلان خود در بورس با قیمت‌های عادلانه و منطقی اطمینان یابد.

بند (ت) ماده ۴۸ بیان می‌دارد: «در طول اجرای برنامه، وزارت نیرو نسبت به افزایش توان تولید برق تا بیست و پنج هزار مگاوات از طریق سرمایه‌گذاری موسسات عمومی غیر دولتی، تعاونی و خصوصی اعم از داخلی و خارجی و یا منابع داخلی شرکت‌های تابعه یا به صورت روش‌های متداول سرمایه‌گذاری از جمله ساخت، بهره‌برداری و تصرف (BOO) و ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT) اقدام کند. خرید تضمینی برق بر اساس نرخ تعیین شده توسط شورای اقتصاد خواهد بود.»

هدف از این ماده، افزایش توان و ظرفیت تولید بوده و به خرید تضمینی برق و آن هم بر اساس نرخ تعیین شده در شورای اقتصاد تاکید دارد، به گونه‌ای که یک نرخ مشخص با یک روند تعدیل پذیر یا یک فرمول، وارد شورای اقتصاد شده و مورد تایید قرار می‌گیرد.

برای اجرایی شدن این ماده، یعنی افزایش ظرفیت تولید تا ۲۵۰۰۰ مگاوات در ۵ سال و بر اساس قراردادهای BOO، BOT و خرید تضمینی برق، باید شرایط برای افزایش تمایل سرمایه‌گذاران برای ورود به حوزه نیروگاهی فراهم شود. اما متأسفانه روشی که وزارت نیرو در طول سال‌های اخیر در پیش گرفته است با ایجاد تضامین کمتر و انتقال تدریجی ریسک‌های مختلف به سرمایه‌گذاران، عملاً هر گونه انگیزه‌ای را در آن‌ها از بین برده است. در صورتی که اگر این ریسک‌ها مطابق با عرف سرمایه‌گذاری به طور عادلانه بین سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر توزیع می‌شد، قطعاً امروز بخش خصوصی سهمی متفاوت‌تر و موثرتر در حوزه تولید برق کشور داشت.

نکته این جاست که بازده ۵ ساله برای این گونه قراردادهای بازگشت سرمایه و سود قابل رقابت با سرمایه‌گذاری‌های مشابه در صنعت کشور را میسر نکرده است که هیچ، حتی امکان نرخ بازده داخلی ۱۵ درصد را که شرط مصوب صندوق توسعه ملی برای پروژه‌های موجه و مناسب برای وام است را هم تامین نمی‌کند.

مساله گواهی ظرفیت در کنار موضوعاتی که در این نگاشت به آن‌ها اشاره شد عملاً توان توسعه نیروگاه‌های غیر دولتی را از سرمایه‌گذاران این بخش سلب کرده و به نظر می‌رسد توجه جدی به نکات این یادداشت در هفتمین برنامه توسعه کشور می‌تواند بخشی از این چالش‌ها را رفع کند. انتظار می‌رود دولت و به ویژه وزارت نیرو برای اجرای قانون و حفظ منافع ملی، خصوصاً سیاست اقتصاد مقاومتی و حفظ و تقویت توانمندی صنعت برق کشور عرصه لازم را برای فعالیت‌های سرمایه‌گذاران داخلی فراهم آورده و انگیزه و امنیت لازم را برای ورود سرمایه‌گذاران بالقوه به عرصه صنعت برق ایجاد کنند. ■

پرونده دوم



پرونده دوم:

واکاوی سازوکارهای جدید تامین برق
مشترکین با قدرت بالا



کیومرث حیدری، ابراهیم خوش‌گفتار، نصرت‌الله کاظمی، پرویز غیاث‌الدین، عباس خالدنژاد

در میزگرد نیرو و سرمایه بررسی شد؛ دغدغه‌های بی‌پایان عرضه برق در بورس انرژی

مداخله دولت در صنعت برق بر پایه چارچوب‌های نظری

نیرو و سرمایه: مصوبه الزام مشترکین بالای ۵ مگاوات به تامین برق از بورس انرژی با چه هدفی تدوین شده و اجرای آن چه تاثیری بر کسب و کار صنعت برق خواهد داشت؟

کیومرث حیدری: نگاه اول به ابلاغ این مصوبه نشان می‌دهد که هر گاه دستگاه‌ها و ارگان‌های مختلف هدف مشترکی تعریف کرده و برای رسیدن به آن، هم‌فکری و همکاری کنند، نتیجه‌بخش خواهد بود. تعامل وزارت نیرو، وزارت اقتصاد، بورس انرژی و سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق در راستای حل مشکلات بازار انحصاری صنعت برق منجر به مصوبه‌ای شده است که اجرای آن در حل برخی مسائل صنعت برق کشور ثمر ثمر خواهد بود. در این جریان هدف مشترکی تعریف و همه برای عملیاتی شدن آن اقدامات لازم را انجام دادند. با این تجربه خوب و درس گرفتن از آن می‌توان سایر مشکلات صنعت برق را نیز احصاء و با همکاری هم در مسیر حل آن قدم برداشت.

در تمام سال‌هایی که موضوع اصلاح و تجدید ساختار برق مطرح بود، همه در این مساله که برق باید به عنوان یک کالای اقتصادی باشد، اتفاق نظر داشتند. با این تعریف برق صرفاً باید توسط فعالانی که تمایل به سرمایه‌گذاری در این عرصه دارند، عرضه و از طرف متقاضیان این کالا به مصرف برسد. به این معنی که از یک سو مداخله دولت باید به حداقل برسد و اگر بناست مداخله‌ای باشد باید دلیل عقلانی و منطقی محکمی برای آن ارائه شود، از سوی دیگر این مداخله باید منطبق با چارچوب‌های نظری و الگوهای علمی

برق به عنوان یک کالای راهبردی و زیرساختی در دنیای پیشرفته و مدرن امروز اهمیت حیاتی دارد به طوری که در دنیای امروز زندگی بدون برق امری غیر قابل تصور است. این روزها تولیدکنندگان این انرژی حیاتی به خصوص بخش غیر دولتی آن، با مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کنند که ناشی از انباشت مطالبات، قیمت‌گذاری تکلیفی و انحصار در بازار فروش و ... بوده و آینده کسب‌وکار فعالان این صنعت را تهدید می‌کند. هیات وزیران اخیراً به منظور ساماندهی بازار برق مصوبه‌ای ارائه داده است که بر اساس آن، کلیه مشترکین صنعتی برق با مصرف بالای ۵ مگاوات موظف هستند، برق مورد نیاز خود را از طریق قراردادهای دوجانبه و یا سایر روش‌های متداول در بورس انرژی تامین کنند. با توجه به اهمیت این بازار برای تولیدکنندگان بخش غیر دولتی و پاسخ به دغدغه و نگرانی آن‌ها در خصوص حضور نیروگاه‌های دولتی در بازار بورس و شرایط رقابت در این بازار، نیرو و سرمایه میزگردی تحت عنوان «ضرورت‌های اجرای صحیح مصوبه تامین برق مشترکین بالای ۵ مگاوات» با حضور کیومرث حیدری مدیرکل دفتر سرمایه‌گذاری و تنظیم مقررات بازار آب و برق وزارت نیرو، ابراهیم خوش‌گفتار نایب‌رییس و نصرت‌الله کاظمی عضو هیات‌مدیره و پرویز غیاث‌الدین دبیر سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق برگزار کرده و به بررسی این مباحث پرداخته است. مشروح این میزگرد را در ادامه می‌خوانید:

و بهای آن را بر اساس حداکثر قیمت برق در بازار عمده‌فروشی برق و یا حداکثر قیمت برق در بورس انرژی در آن دوره (هر کدام که بیشتر باشد) و با احتساب نیم درصد به عنوان حق‌العمل محاسبه کند. این بند از مصوبه پتانسیل مهمی برای حضور تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان برق در یک بازار بدون مداخله دولت و یا با حداقل مداخله نهادهای تنظیم‌گر فراهم می‌کند. در این صورت است که قیمت برق به عنوان یک کالا به صورت شفاف در بازار تعیین شده و توسط تولیدکنندگان عرضه خواهد شد. این مصوبه به تازگی تصویب و ابلاغ شده است و طبیعتاً تا استفاده کامل از ظرفیت‌های آن مسیر زیادی پیش رو است که با تدوین برنامه مشترک و همکاری مستمر، اهداف مصوبه قابل تحقق خواهد بود.

ضرورت بازنگری در قیمت عرضه برق به صنایع

نیرو و سرمایه: سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق در پی ابلاغ مصوبه تامین برق مشترکین با مصرف بالای ۵ مگاوات از طریق بورس انرژی، قرارداد دوجانبه برای رفع دغدغه تولیدکنندگان غیردولتی برق درباره حضور نیروگاه‌های دولتی در این بازار چه اقداماتی کرده است؟ به نظر شما متن و بندهای مصوبه مذکور با رویکرد کارشناسانه تنظیم شده است؟

ابراهیم خوش‌گفتار: در بررسی ساختار و اقتصاد صنعت برق ضرورت دارد که برق را به عنوان یک کالا در نظر بگیریم، موضوعی که همچنان مغفول و لاینحل است. وقتی برق عنوان کالا پیدا کند قیمت آن هم متناسب با تورم افزایش پیدا خواهد کرد، در حالی که چنین نیست. در چند سال گذشته قیمت تمامی کالاها چندین برابر افزایش یافته است، اما قیمت برق تکانی نخورده و هر جا که خواستند به موسسه یا ارگانی لطف داشته باشند، برق رایگان به آن داده‌اند.

با این وضعیت و با این نرخ نه تنها بخش خصوصی بسیار زیان دیده، خود وزارت نیرو هم با مشکل مواجه شده است لذا مصوبه مذکور می‌تواند برای واقعی شدن قیمت برق دریچه‌ای باز کند که البته چند شرط دارد. اول اینکه برق را باید از چنگ نحوه عرضه نامنصفانه نجات دهیم و بدانیم که تحقق این امر جز در سایه تعامل، همکاری و هم‌صدا شدن ممکن نخواهد بود. اگر وزارت نیرو و بخش خصوصی در مسیر رفع مشکلات این صنعت ساز جدا بزنند، نتیجه‌ای جز فلاکت برای صنعت برق نخواهد داشت لذا مهمترین قدم هم مسیر شدن و هم صدا شدن برای رسیدن به هدف مشترک است. دوم اینکه نحوه عرضه برق به صنایع باید بازنگری شود. امروز صنعتی مانند آلومینیوم برق را به قیمت ۶۰ تومان دریافت می‌کند و محصول خود را با قیمتی حتی بالاتر از قیمت جهانی عرضه می‌کند. چرا ما باید برق را با این قیمت به



کیومرث حیدری

در تمام سال‌هایی که موضوع اصلاح و تجدید ساختار برق مطرح بود، همه در این مساله که برق باید به عنوان یک کالای اقتصادی باشد، اتفاق نظر داشتند. با این تعریف برق صرفاً باید توسط فعالانی که تمایل به سرمایه‌گذاری در این عرصه دارند، عرضه و از طرف متقاضیان این کالا به مصرف برسد. مصوبه تامین برق مشترکین بالای ۵ مگاوات نیز با هدف به وجود آوردن فضایی برای عرضه برق توسط تولیدکنندگان این کالا و با کمترین دخالت دولت به تصویب رسیده است

باشد. مصوبه تامین برق مشترکین بالای ۵ مگاوات نیز با هدف به وجود آوردن فضایی برای عرضه برق توسط تولیدکنندگان این کالا و با کمترین دخالت دولت به تصویب رسیده است. البته این مصوبه در اسفند سال ۹۵ نیز با هدف حضور مصرف‌کنندگان بزرگ در بازار برق بورس انرژی ایران مصوب شده بود، اما اجرایی نشد. مصوبه عرضه برق در بازار بورس انرژی چند ویژگی مثبت دارد. اول اینکه تمامی مشترکین بالای ۵ مگاوات مشمول این مصوبه بوده و ملزم به تامین برق مورد نیاز خود از این مسیر هستند. دوم اینکه دامنه شمول این مصوبه تا دو سال آینده افزایش پیدا خواهد کرد و تمام مشترکین بالای یک مگاوات نیز مشمول بند یک این مصوبه خواهند شد.

تامین برق مصرفی مشترکان مشمول این مصوبه به روال جاری برای حداکثر دو دوره (دوماه) از تاریخ ابلاغ مجاز است و چنانچه مشترک در پایان این دوره، اقدامی در جهت تامین برق از روش‌های ذکر شده انجام ندهد، به شرکت برق منطقه‌ای و یا توزیع نیروی برق اجازه داده می‌شود تا برق مصرفی مشترک را به نیابت از طرف وی تامین

در نامه سندیکا به وزیر نیرو هم اعلام شده است، تا ابهامات مصوبه رفع نشود، نمی‌توان انتظار موفقیت کامل اجرای مصوبه را داشت. نرخ تمام‌شده برق یکی از محورهای مهم این مصوبه است، اگر بازار بورس فراهم شود، در بهترین حالت نیروگاه‌هایی که قیمت تمام‌شده بالایی دارند حتما می‌توانند در زمان پیک، برق خود را بفروشند و احتمالا باید با قیمتی بفروشند که در اوقات غیر پیک، نیروگاهشان ریسک خاموشی را بپذیرد. اما از طرف دیگر آنقدر ظرفیت هم وجود ندارد که صنایع با هر قیمتی بخواهند برق را بخرند.

نیاز مبرم نیروگاه‌ها به نقدینگی زمینه‌ساز ایجاد بازار مخرب

نیرو و سرمایه: از دیدگاه شما اجرای مصوبه الزام‌مشتزکین بالای ۵ مگاوات به تامین برق از بورس انرژی با چه چالش‌هایی روبه‌رو است؟ سندیکا تاکنون چه اقداماتی در این زمینه داشته است؟

پرویز غیاث‌الدین: مصوبه ابلاغ شده مصوبه خوبی است و همه در این مساله متفق‌القول هستند، اما نحوه اجرای آن خیلی مهم است چرا که ما امروز در شرایط عادی قرار نداریم. شاید اگر این مصوبه در شرایط عادی ابلاغ می‌شد، می‌توانست خیلی کم در سرت و با احتمال موفقیت صد در صد اجرا شود. می‌گوییم شرایط ما عادی نیست، چون نیروگاه‌های ما چه نیروگاه‌های دولتی و چه خصوصی، کمبود نقدینگی دارند. این نیروگاه‌ها حتی منابع مالی لازم برای تعمیرات و هزینه‌های روزمره را ندارند. در این شرایط در بازار بورس برای رسیدن به نقدینگی رقابت مخربی بین نیروگاه‌ها شکل می‌گیرد در این بازار که هدف نیروگاه‌ها کسب نقدینگی است صنایع بیشترین نفع را خواهند برد چرا که منابع حاصل از عرضه در بورس نقدتر از پولی است که قرار است از طریق وزارت نیرو پرداخت شود.

نیروگاه‌هایی دولتی و نیروگاه‌هایی که هزینه سرمایه‌گذاری و احداث نداشتند، برای تامین نقدینگی خود ممکن است حتی برق را هر کیلو وات ساعت به نرخ ۲۵ یا ۳۰ تومان هم بفروشند که این نرخ به جای ایجاد بازار رقابتی سالم، بازار مخربی ایجاد می‌کند. در اجرای این مصوبه و جلوگیری از ایجاد رقابت مخرب، باید به این سوال پاسخ داده شود که آیا در بورس کف قیمتی برای عرضه برق در نظر گرفته شده است؟ اگر کف قیمتی در کار نباشد نه تنها نیروگاه‌ها بلکه خود وزارت نیرو هم از این بازار متضرر خواهند شد. نفع این بازار فقط عاید صنعتی خواهد شد که با قیمت ارزان برق خود را تهیه و با آن محصولی تولید می‌کند که پس از صادرات، برگرداندن ارز آن به کشور پروسه پیچیده‌تری دارد. این موارد خطرات و موانعی هستند که من در عدم اجرای موفق این دستورالعمل احساس می‌کنم. سندیکا هم در نامه به وزیر نیرو به دنبال این بوده است که بتواند جلوی این ناهماهنگی‌ها را بگیرد.

صنعت آلومینیوم بدهیم؟ قیمت آلومینیوم در ایران گرانتر از دبی و یونان است، فعالان صنعتی ما اگر بخواهند از بحرین آلومینیوم خریداری کنند، ارزان‌تر از ایران تمام می‌شود، این شرایط ظلم به صنعت برق کشور است و مصوبه هیات وزیران درباره عرضه برق در بورس انرژی باید به سمتی حرکت کند که بتواند صنعت برق را از این معضلات برهاند.

تا بخشی‌نگری هست، مشکلات هم پابرجاست

نصرت‌الله کاظمی: اولین قدم در رسیدن به هدف مشترک تعریف‌شده میان طرفین ذی نفع، تعامل است. در واقع این بیت شعر که «دست در دست هم دهیم به مهر، مپهن خویش را کنیم آباد» نشان‌دهنده ضرورت تعامل برای توسعه و آبادانی در هر کشوری است. متأسفانه یکی از جدی‌ترین آفت‌ها در پیشبرد امور کشور، بخشی‌نگری است و تا این نگاه اصلاح نشود، مشکلات هم پابرجا خواهد بود. من با مصوبه هیات وزیران و الزام مشترکین بالای ۵ مگاوات به تامین برق خود از طریق بورس انرژی و هدف تعریف‌شده آن مخالفتی ندارم، اما این مصوبه باید با اولویت‌بندی و اخذ نظرات ذی‌نفعان به تصویب می‌رسید. امروز صنایع کشور به عنوان خوش‌مصرف‌ترین مشترکان برق محسوب می‌شوند و انکار این موضوع غیرمنصفانه است. وزارت نیرو موظف به تامین برق این صنایع است، در تمام قراردادهای صنایع با وزارت نیرو و برق‌های منطقه‌ای بندی درج شده مبنی بر اینکه وزارت نیرو در دوران پیک وظیفه‌ای برای تامین برق مشترکان ندارد. آیا این مصوبه و الزام مشترکان به تامین برق خود از بورس انرژی تعهد وزارت نیرو را زیر سوال نمی‌برد؟ در این مصوبه تکلیف نیروگاه‌های غیر دولتی که از اوایل دهه ۹۰ و طبق برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه برای سرمایه‌گذاری در صنعت برق ترغیب شدند، چیست؟ این نیروگاه‌ها به خصوص نیروگاه‌هایی که دارای قراردادهای خرید تضمینی برق یا ECA هستند، در دو سال اخیر به علت نوسانات نرخ ارز با بحران‌های پیچیده‌ای روبرو هستند که اگر تدبیری برای آن‌ها اندیشیده نشود، آینده فعالیت‌شان به مخاطره خواهد افتاد. این مصوبه در صورت اجرای درست و در نظر داشتن همه جوانب، نرخ واقعی برق را تعیین خواهد کرد. اما باید به این سوال پاسخ دهیم که تعهد وزارت نیرو درباره تمام قراردادهای قبل از سال ۹۰ به چه صورت انجام خواهد شد؟ آیا در این مصوبه جایی برای آن قراردادهای دیده شده است؟ به نظر می‌رسد تصویب مصوبه مذکور ارائه برنامه‌ای کوتاه مدت است بدون اینکه توجهی به تحت تاثیر قرار گرفتن برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت شده باشد. در واقع در این مصوبه منافع ذی‌نفعان با منافع ملی گره نخورده است. معتقدم جای کار کارشناسی و تعامل کافی در این مصوبه خالی است و این مساله نقص‌هایی در اجرای آن ایجاد خواهد کرد. البته این نقصان‌ها به معنای عدم کارایی ابزارهایی مانند بورس نیست و تجربه نشان داده که موفقیت‌هایی هم وجود دارد، اما همانطور که

با نگاهی به قوانین می‌توان گفت که حصول اطمینان نسبت به تامین برق مطمئن و پایدار همواره وظیفه وزارت نیرو بوده و این وظیفه هیچگاه از دوش وزارت نیرو سلب نشده است. البته تعبیر و تفسیر ما در طول زمان از حصول اطمینان تغییر پیدا کرده است. زمانی حصول اطمینان تامین برق در احداث نیروگاه و شبکه دولتی، نرخ‌گذاری یارانه‌ای و دخالت‌های گسترده در تعیین نرخ، تفسیر می‌شد. گاهی این حصول اطمینان در واقع حمایت دولت از کالایی خاص و سرمایه‌گذاری است، به این معنی که دولت باید از سرمایه‌گذاری در آن حوزه اطمینان کامل داشته باشد؛ لذا تاکید می‌کنم که این مصوبه نه تنها ذره‌ای از مسئولیت وزارت نیرو برای حصول اطمینان در تامین برق را مخدوش نمی‌کند بلکه آن را تقویت می‌کند. حال ما باید ابزارهای متناسب با محیط جدید را بازتعریف و از هدف مصوبه صیانت کنیم. در این مصوبه دو بحث مسئولیت تامین برق و قیمت برق مطرح است. تامین برق مسئولیت پیوسته‌ای است و هر تولیدکننده‌ای که به شبکه متصل می‌شود باید از تامین انرژی برای بازار مطمئن باشد. در طرف دیگر سازوکار بازار باید بستری بدون تبعیض و با قیمت‌های منصفانه و مناسب برای انتقال و ترانزیت برق فراهم کند. آیا اگر مشتری در سال ۴۸ یا ۵۸ به شبکه وصل شده باشد، برق آن تا افق بی‌نهایت باید با قیمت یارانه‌ای تامین شود؟ من چنین تصویری ندارم، چرا که قیمت کالا ثابت نیست و تغییر می‌کند. اگر برنامه خصوصی‌سازی نیروگاه‌ها به طور کامل و با موفقیت اجرا شده بود و همه نیروگاه‌های دولتی امروز خصوصی بودند، آیا باز تاکید داشتیم که به کسی که ده‌ها سال پیش به شبکه وصل شده، به قیمت‌های یارانه‌ای برق برسانیم یا اینکه وقتی ظرفیت‌های تولید غیر دولتی شدند، نظام حاکم بر تعیین قیمت برق، چارچوب جدیدی پیدا می‌کرد؟ اگر دولت قرار باشد به یک صنعت و یا گروه مصرف‌کننده‌ای یارانه بدهد، باید دلیل منطقی داشته باشد. به اعتقاد من محیط تاثیر بسیاری کلیدی بر موفقیت سیاست‌های تنظیمی دارد. اجرای هر مصوبه‌ای در شرایط پرفشار درجه موفقیت بیشتری دارد و گاهی هم محیط برای اجرای برنامه و مصوبه، فضای مناسبی ندارد. در حال حاضر شرایط کشور ما شرایط خاصی است. تحریم‌ها، شرایط بین‌الملل و مسائل اقتصادی داخلی مشکلاتی را برای صنعت برق ایجاد کرده بود و امروز شیوع ویروس کرونا مزید بر علت شده و معضلات را تشدید کرده است. باید بدانیم که همیشه زمان آرمانی برای تجویز سیاست‌ها وجود ندارد. امروز بعد از پی‌گیری‌های مستمر چند سال اخیر و تلاش‌های فراوان، برای سامان بخشیدن به بازار برق بخش خصوصی، بازار رقابتی بدون مداخله دولت اتفاق افتاده و مورد تایید دولت قرار گرفته است. ما هم باید تلاش کنیم سایر زمینه‌ها را حتی‌الامکان تسهیل کنیم تا این مصوبه به شکل مناسبی اجرا شود.



ابراهیم خوش‌گفتار

مصوبه مذکور می‌تواند برای واقعی شدن قیمت برق در پیچه‌ای باز کند که البته چند شرط دارد. اول اینکه برق را باید از چنگ نحوه عرضه نامنصفانه نجات دهیم و بدانیم که تحقق این امر جز در سایه تعامل، همکاری و هم‌صدا شدن ممکن نخواهد بود. دوم اینکه نحوه عرضه برق به صنایع باید بازنگری شود

هماهنگی با بورس انرژی برای تعیین کف قیمت

نیرو و سرمایه: یکی از نگرانی‌های اصلی در اجرای این مصوبه ورود نیروگاه‌های دولتی به بورس است. با توجه به عدم تعادل بین عرضه و تقاضا در بورس انرژی، بفرمایید که نیروگاه‌های دولتی با چه هدفی وارد بورس شدند؟ نگرانی نیروگاه‌های غیر دولتی در این زمینه چگونه برطرف خواهد شد؟

کیومرث حیدری: مباحث مطرح شده توسط دوستان نشان می‌دهد که ما در بسیاری از مسائل صنعت برق به تعریف مشترک و درجه همگرایی بالایی رسیده‌ایم. نوع نگاه به برق و نقش دولت در این صنعت از مهمترین این اشتراکات است. به اعتقاد ما نقش دولت باید تا جایی که علم اقتصاد تجویز کرده است، محدود شود. مجموعه فعالان غیر دولتی باید برای تعیین مسیر بلندمدت، گفت‌وگوهای بیشتری با هم داشته باشند و همه ذی‌نفعان باید برای تقویت نقاط مشترک تلاش کنند. شاید اجرای مصوبه نگرانی‌هایی هم داشته باشد، اما ابتدا باید اولویت‌ها را مشخص کنیم و بدانیم در مقطع کنونی اولویت چیست.

کنند یا خیر، به این مصوبه مربوط نیست. اگر قانون به کالایی اجازه عرضه در بورس را بدهد، عرضه امکان‌پذیر است اما اگر برای عرضه کالایی مجوزی صادر نشود، قانون باید جاری باشد و محدودیت اعمال شود. در مورد نیروگاه‌های دولتی ما مراقبت‌های لازم را طی سال‌های گذشته به عمل آوردیم تا در بازار کمتر اختلال ایجاد کنند. ما درباره نرخ‌شکنی توسط نیروگاه‌های دولتی بسیار حساس هستیم و شورای رقابت برای متخلفان مجازات‌های سفت و سختی پیش‌بینی کرده است. نهاد تنظیم بازار فارغ از ساختار مالکیت، باید برای همه بازیگران آن عرصه سطح مشخصی تعیین کند در این صورت بازیگران تا زمانی در بازار حضور خواهند داشت که رقابت سالم داشته باشند.

واقعیت این است که ما برای اینکه به توازن عرضه و تقاضا در بازار برق بدون مداخله برسیم، نیاز به زمان داریم. امروز بخش زیادی از عرضه توسط غیر دولتی‌ها انجام می‌شود و آن‌هایی که باید برق را به قیمت در بازار رقابتی تامین کنند، بخشی از مشترکان هستند. ما باید تلاش کنیم توازن در عرضه و تقاضا را به سمتی ببریم که آثار منفی آن را کنترل کرده و خدشه کمی به بازار وارد کنیم. در این راستا اولین و مهمترین برنامه بلندمدت این است که تا جای ممکن مشترکین مشمول و ظرفیت را افزایش دهیم. این مصوبه امروز برای مشترکان بالای ۵ مگاوات ابلاغ شده اما در آینده یک مگاواتی‌ها نیز مشمول خواهند شد. ما باید در این برنامه جدی باشیم، چون خواه ناخواه اگر این تصمیم را موقتاً بگیریم ولی دولت قائل به برنامه‌های بالادستی باشد و باقیمانده نیروگاه‌های دولتی را خصوصی کند، همچنان این اتفاق می‌افتد. حتی اگر نیروگاه‌های دولتی را کاملاً از چرخه خارج کنیم، باز هم بین نیروگاه‌های خصوصی که بیش از ۵۰ درصد ظرفیت دارند و کل صنایع که ۳۳ درصد انرژی الکتریکی را مصرف می‌کنند، عدم توازن وجود دارد. بنابراین باید تلاش کنیم این عدم توازن را تا حدودی مدیریت کنیم که در این مصوبه هم، هدف رعایت و مدیریت این موارد بوده است. برای بررسی این مسائل چند جلسه با سندیکا برگزار شده است که این جلسات باید تا رسیدن به راهکاری مشترک استمرار داشته باشد و بتواند دور زدن قوانین و مقررات را سخت کند. اما آیا مقررات کافی است؟ همیشه در اجرای مصوبات ممکن است مشکلاتی وجود داشته باشد. ما امیدوار هستیم تا حدی که درک کارشناسی اجازه داده، به ظرفیت‌های اجرای این مصوبه فکر کرده باشیم و بتوانیم بخش‌هایی را هم که تاکنون به درک ما نرسیده، به زودی کشف و احصا کنیم و با تعامل و تشخیص به موقع برای آن نسخه تجویز کنیم. این که چقدر در این زمینه موفق خواهیم شد، متاثر از تعامل و همکاری متقابل و شناخت درست است.



نصرت‌الله کاظمی

به نظر می‌رسد تصویب مصوبه مذکور ارائه برنامه‌ای کوتاه مدت است بدون اینکه توجهی به تحت تاثیر قرار گرفتن برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت شده باشد. در واقع در این مصوبه منافع ذی‌نفعان با منافع ملی گره نخورده است. معتقدم جای کار کارشناسی و تعامل کافی در این مصوبه خالی است و این مساله نقصان‌هایی در اجرای آن ایجاد خواهد کرد

درباره قیمت برق هماهنگی‌هایی با بورس انرژی صورت گرفته است تا کف قیمتی برای عرضه انرژی الکتریکی در نظر گرفته شود. البته من معتقدم که اگر مجموعه تولیدکنندگان نتوانند سازوکاری را برای دنبال کردن هدف بلندمدت مشترک خود تعریف کنند، قوانین کف قیمت هم قابل دور زدن است. ما برای اجرای درست این مصوبه از تمام ظرفیت‌های موجود از قبیل هماهنگی با بورس برای تعیین کف قیمت و با اجرای تدریجی مصوبه استفاده کرده‌ایم. این مصوبه به تدریج اجرا خواهد شد، همه صنایع را مجبور نکردند که از همین فردا برق مورد نیاز خود را از بورس تامین کنند بلکه به آنها فرصتی داده شده است تا با دریافت کد معاملاتی برای حضور در بورس، بتوانند طبق روال سابق برق خود را تامین کنند.

مراقب نرخ‌شکنی نیروگاه‌های دولتی هستیم

این مصوبه ناظر بر سمت تقاضاست و هیات وزیران کلیه مشترکان صنعتی بالای ۵ مگاوات را ملزم به خرید برق از بورس انرژی کرده است. اینکه نیروگاه‌های دولتی می‌توانند در این بازار مشارکت

در مصوبه مذکور به این موضوع اندیشیده شده است. در این مصوبه آمده است که برای آن دسته از قراردادهای شرکت‌های دولتی که متکی به سرمایه‌گذاری غیر دولتی هستند، باید تمهیداتی فراهم کنند تا بتوانند برق خود را در بورس عرضه کنند. در واقع علاوه بر نیروگاه‌های خصوصی، آن دسته از نیروگاه‌هایی که قرارداد خرید تضمینی دارند و مبنای آن‌ها سرمایه‌گذاری خصوصی است، می‌توانند از ظرفیت این مصوبه استفاده کنند. پس اعلام ممنوعیت حضور نیروگاه‌های دولتی در این بازار خلاف قانون است، اما می‌توان برای حضور آنها درصد خاصی تعیین کرد و حد و حدود قائل شد.

مصوبه هیات وزیران باید ناجی مدل فروش برق باشد

ابراهیم خوش‌گفتار: مشکل صنعت برق مربوط به ۵۰۰ ساعت در سال است، در واقع غیر از این ساعات نیروگاه‌ها دارای اضافه بار هستند و بخشی از ظرفیت خود را از مدار خارج کردند. انتظار می‌رود مصوبه فروش برق در بورس انرژی، مدل فروش برق را از این حالت خارج کرده و نجات دهد. آنچه که در وزارت نیرو اصلاً مطرح نیست و هیچ وقت به آن پرداخته نشده، هزینه سوخت است. بی‌توجهی به موضوع سوخت، در سیستم اقتصادی کشور ایجاد مشکل کرده است و نشان‌دهنده ملی‌محور نبودن اقتصاد ایران است. متأسفانه بخشی‌نگری بین نفت و نیرو مشکل اقتصاد ملی کشور است. آیا در این مصوبه توجهی به اقتصاد ملی شده است؟ محور بعدی زمینه‌سازی متفاوت در قیمت برق است. قیمتی که برق امروز در اختیار صنایع قرار می‌گیرد، پایین است و در تعیین این قیمت به تفاوت میزان سوخت نیروگاه‌ها برای تولید برق توجهی نمی‌شود.

نیرو و سرمایه: سوال این است که بحث مهلت شش ماهه در مصوبه چقدر قابل تحقق است و تا به حال که یک ماه از صدور مصوبه گذشته، وزارت نیرو و بورس انرژی چه اقداماتی انجام داده‌اند؟

کیومرث حیدری: بلافاصله بعد از ابلاغ مصوبه، جلسات مشترکی با بورس انرژی، شرکت توانیر، مدیریت شبکه و سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق برگزار کرده و دیدگاه‌های آنها را استماع کردیم. فهرست مشترکین از طرف مدیریت شبکه و توانیر به بورس انرژی ارائه شده، بورس انرژی هماهنگی‌های لازم را با کارگزاری‌ها برای دریافت کد معاملاتی انجام داده است. صدور صورتحساب‌ها، نحوه تامین برق از بورس و نوسان تقاضای مشترکین از مواردی است که در این مصوبه به صورت شفاف و روشن اعلام شده است. این برنامه باید با تفکر و حوصله اجرایی شود و ما موظف هستیم این مصوبه



پرویز غیاث‌الدین

آیا در بورس کف قیمتی برای عرضه برق در نظر گرفته شده است؟ اگر کف قیمتی در کار نباشد نه تنها نیروگاه‌ها بلکه خود وزارت نیرو هم از این بازار متضرر خواهند شد. نفع این بازار فقط عاید صنعتی خواهد شد که با قیمت ارزان برق خود را تهیه و با آن محصولی تولید می‌کند که پس از صادرات، برگرداندن ارز آن به کشور پروسه پیچیده‌تری دارد

نیرو و سرمایه: در نامه سندیکا به وزیر نیرو سه پیشنهاد مطرح شده است تا قبل از حضور نیروگاه‌های دولتی در بورس انرژی و انعقاد قراردادهای دوجانبه، درباره آنها اقدام شود. یکی از این پیشنهادها این است که تا زمانی که تمام مشترکین بالای یک مگاوات ملزم به خرید برق خود از بورس انرژی نشده‌اند، نیروگاه‌های دولتی مجاز به عرضه برق تولیدی خود در بورس انرژی و انعقاد قراردادهای دوجانبه نباشند. به نظر شما این پیشنهاد تا چه اندازه قابلیت تحقق دارد؟

کیومرث حیدری: از بررسی شکل و محتوای پیشنهاد فوق، این نتیجه به دست می‌آید که شکل آن خلاف قانون است چرا که از لحاظ قانونی برای حضور این نیروگاه‌ها و عرضه کالا در بورس محدودیتی عنوان نشده است. اما اگر تفسیر ما از پیشنهاد سندیکا به وزارت نیرو این باشد که باید مراقب عدم تعادل و توازن عرضه و تقاضا در بورس که منجر به کاهش قیمت‌ها خواهد شد، باشیم، حرف درستی است و دقت لازم باید در این مساله صورت بگیرد که

را با کمترین تنش و بیشترین درجه موفقیت اجرا کنیم. تمام تلاش ما این بوده است که عدم توازن را درک و مدیریت کنیم. امیدواریم با استفاده از تجارب و کمک فعالان غیر دولتی، بتوانیم مسائل نادیده گرفته شده را هم کشف کرده و نسخه‌های مناسبی برای آنها تجویز کنیم. بنده به اجرای موفق و تاثیر آن در صنعت برق خوش‌بین هستم. امروز بخش خصوصی با سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده، ظرفیت بالایی در عرضه برق دارد. رقابت در یک بازار سالم با قیمت‌های قابل قبول برای این بخش شرایط خوبی فراهم خواهد کرد. شک ندارم که اگر مسائل آسیب‌زننده را کنار بگذاریم و در مسیر اهداف بلندمدت حرکت کنیم، پیشرفت‌های خوبی پیش رویمان خواهد بود.

ابراهیم خوش‌گفتار: نادیده گرفتن بحث سوخت یکی از اصلی‌ترین مسائلی است که در صبحت‌های بالا هم ذکر شد. متأسفانه در کشور ما انرژی و سوخت قیمت ندارند و این نداشتن قیمت، در اقتصاد صنعت برق مشکل‌ساز شده است. بخشی‌نگری بین نفت و نیرو ما را بیچاره کرده است. امروز هر اقتصاددانی با مشاهده وضعیت صنعت برق به این امر اذعان می‌کند که اگر همین سرمایه‌گذاری در بخش پتروشیمی و یا حتی ساختمان هم شده بود، ده‌ها برابر سود حاصل می‌شد.

نصرت‌الله کاظمی: آقای حیدری اشاره کردند که وظیفه وزارت نیرو تامین برق دائم و ارزان برای مصرف‌کنندگان است و این رسالت تا امروز هم باقی است. توضیحات ایشان درباره اینکه حذف نیروگاه‌های دولتی از این مصوبه جنبه قانونی ندارد، هم قابل قبول است. اما مساله این است که بخش دولتی ممکن است در بازار بورس قیمت‌شکنی کند. یکی از مهمترین شاخص‌های قیمت تمام‌شده شامل سوخت و هزینه‌های بالاسری است. من معتقدم بهتر است برای عرضه کالا سازوکاری فراهم کنیم که همه به سمت قیمت جهانی پیش بروند. برای این سازوکار چه قدم‌هایی برداشته شده و چه محدودیت‌هایی وجود دارد؟ پاسخ به تمام این سوال‌ها و ابهامات نیازمند برگزاری جلسات کارشناسی بیشتر با حضور تمامی ذی‌نفعان است تا راهکارهای لازم ارائه و بررسی شود.

نیروگاه‌ها برای حضور در بازار بورس هیچ تناسبی باهم ندارند

نیرو و سرمایه: نظر شما درباره اینکه نمی‌توان ورود نیروگاه‌های دولتی به بورس را تا زمانی که یک مگاواتی‌ها هم بخواهند وارد شوند، معطل گذاشت، چیست؟

پرویز غیاث‌الدین: اول اینکه نیروگاه‌های ما شرایط رقابت عادلانه‌ای ندارند، این نیروگاه‌ها بابت سوخت، هزینه‌ای پرداخت نمی‌کنند. اینکه در بازار بورس یک نیروگاه قدیمی با راندمان ۱۸ درصد با یک نیروگاه جدید با راندمان ۵۰ درصد رقابت کند، پذیرفته نیست و در هیچ کجای دنیا هم چنین چیزی وجود ندارد. پیشتر هم اشاره کردم که شرایط ما عادی نیست، اگر عادی بود این مصوبه خیلی راحت رو به جلو حرکت می‌کرد. دوم اینکه میزان، نوع سرمایه‌گذاری و مصرف آب و سوخت نیروگاه‌ها یکسان نیست که بتوانند در فضا و قوانینی یکسان باهم رقابت کنند. با ورود نیروگاه‌ها به بازار واقعی شدن قیمت مشخص خواهد شد که بسیاری از آنها نیروگاه‌هایی نیستند که بتوانند دخل و خرج کنند و تولید آنها توجیه اقتصادی ندارد. امروز برخی از نیروگاه‌های ما به مانند شخصی هستند است که از روی ناچاری می‌خواهد کلیه خود را به فروش بگذارد. در بازار کلیه فروش‌ها کسی که پول ندارد و ناچار به فروش کلیه شده است، حاضر است آن را با هر قیمتی به فروش برساند.

امروز در شرایطی تصمیم به راه‌اندازی بازار عرضه برق در بورس انرژی گرفته شده است که نیروگاه‌ها برای حضور در این بازار هیچ تناسبی باهم ندارند. نگرانی ما فقط هم در خصوص حضور نیروگاه‌های دولتی نیست، حتی نیروگاه‌های خصوصی هم شرایط مشابهی ندارند که بتوانند در یک بازار رقابتی سالم حضور داشته باشند. در این بازار رقابت‌ها باید عادلانه باشد، وقتی رقابت عادلانه نباشد عده‌ای بزرگ می‌شوند و عده‌ای هر روز کوچکتر و کوچکتر. مشکل این است که بازاری برای رقابت ایجاد کرده‌ایم که چندان قانونمند و کنترل شده نیست. ما نباید نیروگاه‌ها را به نان شب محتاج نگه داریم تا مجبور باشند برق خود را به هر قیمتی به فروش برسانند اگر نیروگاهی ضعیف باشد و نتواند با تامین هزینه‌های تعمیرات و اورهال، فعالیت خود را ادامه دهد، نهایتاً خسارت بر دوش وزارت نیرو بوده و دود همه این مشکلات به چشم وزارت نیرو خواهد رفت.

نصرت‌الله کاظمی: هرچند برای حضور تولیدکنندگان برق در بورس انرژی اقداماتی انجام شده است، اما این اقدامات خیلی منظم و دقیق نبوده است. برخی شرکت‌ها مراکز مصرف متعدد و زیرمجموعه‌های متفاوتی دارند، اما در بورس فقط امکان تعریف یک کد معاملاتی برای آنها فراهم شده است. این موضوع باید بررسی و حل شود تا شرکت‌ها به راحتی بتوانند برق خود را عرضه کرده و قراردادهای دوجانبه منعقد کنند. در این خصوص ما مکاتباتی انجام داده‌ایم و راه‌حل‌های موقتی هم پیشنهاد شده است، اما هنوز به طور اساسی رفع نشده است. ■



گفت‌وگو با احمد داوودی نایب‌رئیس شورای رقابت و عضو هیات تنظیم بازار برق

ورود شورای رقابت به بازار برق

در صورت قیمت‌شکنی نیروگاه‌های دولتی

شانزدهم مهرماه بود که بالاخره گامی در جهت آزادسازی قیمت برق برداشته شد و در راستای «تامین برق مشترکین صنعتی با قدرت بالای ۵ مگاوات از طریق قراردادهای دوجانبه یا بورس انرژی» برنامه‌ای به تصویب هیات وزیران رسید. اما این در حالی بود که چندی پیش زمینه حضور نیروگاه‌های دولتی هم در بورس انرژی فراهم شده بود. در شرایطی که حجم تقاضای مشترکین صنعتی بالای ۵ مگاوات چندان بالا نیست، حضور شرکت‌های دولتی در بورس انرژی، نیروگاه‌های بخش خصوصی را در برزخی میان یاس و امید قرار داده است. پیش‌بینی این شرکت‌ها این است که ورود نیروگاه‌های دولتی به بورس انرژی به ارائه قیمت‌های بسیار نازل در بورس انجامیده و تعادل بازار را به مخاطره اندازد. اما هنوز شیوه‌نامه مرتبط با این مصوبه تدوین نشده و این امید وجود دارد که مصوبه جدید با بخشنامه‌ای دقیق و هوشمندانه در فراهم‌سازی زمینه‌های آزادسازی قیمت برق منشاء اثر باشد. این موضوعات را در گفت‌وگو با احمد داوودی، نایب‌رئیس شورای رقابت و عضو هیات تنظیم بازار برق به بحث گذاشتیم.

سیاست‌های اصل ۴۴ قوام قانونی پیدا کرد، خروج بخش دولتی از تصدی‌گری در فعالیت‌های اقتصادی و ورود بخش خصوصی به عرصه تولید برق اصلی‌ترین هدف محسوب می‌شد. با توجه به این هدف، اگر تولید، انتقال و توزیع را به عنوان سه فعالیت اصلی در صنعت برق دسته‌بندی کنیم، تولید برق از حوزه‌هایی است که بخش خصوصی می‌تواند در آن فعالیت کند؛ چراکه با توجه به تعدد نیروگاه‌ها و شرکت‌های تولید برق در شبکه‌ها و کشورهای مختلف، عرصه فعالیت برای این بخش از وسعت مناسبی برخوردار خواهد بود. شیوه‌های ورود بخش خصوصی (یا به تعبیری بخش غیر دولتی) را به عرصه تولید برق در کشور می‌توان در دو گروه دسته‌بندی کرد؛ یکی واگذاری نیروگاه‌های دولتی به این بخش و دیگری سرمایه‌گذاری و احداث نیروگاه‌ها توسط بخش غیر دولتی.

ورود بخش غیر دولتی به حوزه تولید برق کشور در قالب این دو شیوه اتفاق افتاد و امروز نزدیک به ۶۰ درصد از ظرفیت نیروگاهی کشور در اختیار بخش غیر دولتی است. البته تعریف بخش غیر دولتی نه تنها در صنعت برق، بلکه در کلیه صنایع و فعالیت‌های اقتصادی کشور

لطفا ارزیابی خود را در مورد مصوبه «تامین برق مشترکین صنعتی با قدرت بالای ۵ مگاوات از طریق قراردادهای دوجانبه یا بورس انرژی» توضیح دهید و بفرمایید نقاط مثبت و منفی آن چیست؟ به طور کلی این مصوبه برای تولیدکنندگان برق به خصوص تولیدکنندگان بخش خصوصی چه فرصت‌ها و چالش‌هایی در پی خواهد داشت؟

در تجدید ساختار صنعت برق که از چند سال پیش در کشور آغاز شد و با اجرای

دچار ابهام بوده و نقش نهادهای عمومی در این تعریف غیر قابل انکار است؛ اما قدر مسلم می‌توان با قطعیت ادعا کرد که خروج دولت از حوزه تولید تا حدود زیادی با تغییرات یادشده محقق شد.

زمانی که بخش خصوصی وارد فعالیت‌های اقتصادی شود، نسبت به موضوعات برخورد متفاوتی خواهد داشت. دولت و به طور خاص وزارت نیرو همواره به لحاظ نقش حاکمیتی خود و مسئولیتی که در حوزه تامین برق به عهده دارند، ناگزیر به در نظر گرفتن منافع عمومی هستند، اما بخش خصوصی با این انگیزه به فرایندهای اقتصادی ورود می‌کند که سرمایه خود را به سود برساند.

ما در کشور از یک سو با مساله یارانه‌ای بودن حامل‌های انرژی مواجهیم و از سوی دیگر حرکت به سمت خصوصی‌سازی را هدفگذاری کرده‌ایم که در اصل ۴۴ قانون اساسی به آن تصریح شده است. این دو امر همواره فعالیت اقتصادی را در حوزه برق با تناقض و دشواری همراه کرده‌اند.

از روزگاران قدیم تاکنون حامل‌های انرژی با یارانه در اختیار مردم قرار گرفته است و نهادهای حاکمیتی همواره بر ارائه یارانه به مصرف‌کنندگان برق تاکید کرده‌اند. از این جهت نیروگاه‌های بخش خصوصی که با احتساب قیمت تمام‌شده برای خود قائل به حاشیه سودی مناسب هستند، همواره در تحقق منافع و اهداف اقتصادی خود دچار مشکل بوده‌اند؛ چراکه خرید، انتقال و تحویل برق به مشتری، در انحصار وزارت نیرو است و این کار را بدون گستراندن چتر یارانه‌ای خود انجام نمی‌دهد.

البته راه‌حل این موضوع در قانون و در خود اصل ۴۴ قانون اساسی دیده شده است. براساس قانون اگر دولت با دخالت خود برای دسته‌ای از کالاها یا خدمات بخش غیر دولتی قیمتی پایین‌تر از بهای تمام‌شده تعیین کند، بایستی مابه‌التفاوت را از طریق بودجه جبران سازد؛ اما با توجه

نیروگاه‌های بخش خصوصی که با احتساب قیمت تمام‌شده برای خود قائل به حاشیه سودی مناسب هستند، همواره در تحقق منافع و اهداف اقتصادی خود دچار مشکل بوده‌اند؛ چراکه خرید، انتقال و تحویل برق به مشتری، در انحصار وزارت نیرو است و این کار را بدون گستراندن چتر یارانه‌ای خود انجام نمی‌دهد.

به بالا بودن مابه‌التفاوت‌ها، سال‌هاست که دولت از پس تامین این مخارج برنیامده و همین موضوع فعالیت نیروگاه‌های غیر دولتی را با مخاطره اقتصادی مواجه ساخته است.

با این وجود راه‌هایی برای کاهش خسارت یا حتی سودآوری فعالیت‌های بخش غیردولتی در حوزه برق وجود دارد. یکی از راه‌ها این است که زمینه تا جای ممکن برای عرضه برق خارج از سیستم یارانه‌ای مهیا شود. به عنوان مثال دسته‌ای مهم از مصرف‌کنندگان برق صنایع بزرگ کشور هستند که از قضا از جمله صنایع انرژی‌بر محسوب می‌شوند. این صنایع انرژی را با مواد اولیه و ثانویه خود ترکیب کرده و درنهایت با تولید محصولات اساسی اقدام به صادرات یا تامین نیازهای داخل کشور می‌کنند.

در سال‌های اخیر از صنایع فلزات سنگین و اساسی گرفته تا پتروشیمی‌ها و پالایشگاه‌ها که به شدت انرژی‌بر هستند، عمدتاً قیمت‌گذاری محصولات خود را براساس نرخ‌های صادراتی انجام داده‌اند و بنابراین درآمد مناسبی دارند. برخی از این صنایع محصولات خود را در بورس عرضه می‌کنند و مبنای قیمت‌گذاری کالاهایشان نرخ‌های جهانی است. البته این صنایع هم بعضاً

با تلورانسی از محدودیت در قیمت‌گذاری مواجه هستند اما با این وجود بازهم از سود مناسبی برخوردارند. بر این اساس یکی از متقاضیانی که می‌توانند با قیمت واقعی از برق تولیدی برخوردار شوند، همین صنایع انرژی‌بر و سودده هستند.

در اینجا نکته قابل توجه این است که اگر کالایی در بورس عرضه شود، به موجب قانون از کنترل قیمت دولت خارج می‌شود و همین فلسفه می‌تواند مقدمه ورود نیروگاه‌های غیر دولتی را به صحنه عرضه و تقاضای برق و ارتباط مستقیم با مصرف‌کننده فراهم سازد.

مفاد مصوبه یادشده تا چه اندازه اهداف موردنظر را محقق می‌سازد؟ با توجه به اینکه به تازگی زمینه حضور نیروگاه‌های دولتی در بورس انرژی فراهم شد، از دیدگاه شما آیا برهه زمانی برای تصویب مصوبه «تامین برق مشترکین صنعتی با قدرت بالای ۵ مگاوات از طریق قراردادهای دوجانبه یا بورس انرژی» مناسب بوده است؟

به عقیده من زمان تصویب این مصوبه مشکل خاصی نداشته است. نقطه مثبت این زمانبندی این است که پیک مصرف برق در سال جاری سپری شده و از این جهت انتظار نمی‌رود در چرخه عرضه و تقاضای برق مشکلی بروز کند. ممکن بود این مصوبه در ایام پیک سبب‌ساز مشکل و اختلال شود؛ ولی در روزهای عادی مشکلی برای شبکه صنعت برق ایجاد نخواهد کرد. اما ارزیابی زمان تصویب به لحاظ اقتضات بازار بحثی دیگر است. ممکن است برخی فکر کنند برنامه‌ریزی این بوده است که ابتدا نیروگاه‌های دولتی به بورس انرژی ورود کنند و سپس مصوبه یادشده تصویب شود تا زمینه ورود صنایع را به عنوان طرف تقاضا فراهم سازد. اما قضاوت در این خصوص نیازمند بررسی‌های بیشتری است.

شده بود که یک شرکت هم خریدار برق تضمینی است و هم با ورود به بازار رقابت در تغییرات نرخ اثرگذار است. شورای رقابت در این گونه موارد رای خود را اعلام کرده بود و چنین فعالیتی را غیرمجاز برشمرده بود. بنابراین ما در خصوص این گونه تداخل‌ها هم در جلسات هیات تنظیم مقررات بازار برق و هم از سوی شورای رقابت موضع خود را اعلام کرده بودیم اما وزارت نیرو در نهایت پیشنهاد خود را به دولت برد و به تصویب رساند.

اما اگر فضای رقابتی با ورود شرکت‌های دولتی تحت تاثیر قرار گیرد و موازنه بازار برق بر هم خورد، شورای رقابت می‌تواند به موضوع ورود کند.

با توجه به اینکه مصوبه در جهت تامین برق مشترکین تجاری و سایر مشترکین بالای ۵ مگاوات از طریق بورس و قراردادهای دوجانبه، وزارت نیرو را موظف کرده است با همکاری شرکت بورس انرژی ظرف مدت ۶ ماه ضوابط اجرایی را برای تامین زیرساخت‌های لازم تدوین و ابلاغ کند، از نظر شما آیا بازه زمانی تعیین شده مناسب است؟ تاکنون در این زمینه چه اقداماتی انجام شده است؟

بله، به گمان من این اقدام در بازه زمانی تعیین شده قابل انجام است؛ چراکه بورس انرژی از امکانات و زیرساخت‌های خوبی برخوردار است. البته این سازمان در زمینه برق باید زیرساخت‌های خود را قدری گسترش دهد اما وضعیت جدید به طور کلی با وضعیت فعلی تفاوت چندانی نخواهد داشت.

در شرایط فعلی تعداد خریداران بورس انرژی محدود است و به شرکت‌های توزیع و شرکت‌های عرضه کننده محدود می‌شود. در وضعیت جدید تعداد خریداران برق افزایش خواهد یافت. البته ممکن است

پیشنهاد‌های سندیگای شرکت‌های تولیدکننده برق از جمله اینکه نیروگاه‌های دولتی تا الزام کامل مشترکین بالای یک مگاوات به خرید برق از طریق بورس انرژی مجاز به عرضه برق در بورس نباشند، تا چه حد می‌تواند عملیاتی شود و چه ایراداتی به آن وارد است؟

به مساله نیروگاه‌های دولتی باید از دو منظر نگاه کرد؛ یکی از منظر مصوبه «تامین برق مشترکین صنعتی با قدرت بالای ۵ مگاوات از طریق قراردادهای دوجانبه یا بورس انرژی» و دیگری از منظر اصل ۴۴ قانون اساسی.

در اصل ۴۴ قانون اساسی برای بخش دولتی تکالیفی معین شده و شرکت‌ها و فعالیت‌ها به سه دسته تقسیم شده‌اند. براساس این اصل، تنها شبکه‌های برق باید به طور کامل در حوزه اختیارات دولت قرار گیرند و در فعالیت‌هایی مثل تولید نیرو، دولت حق دارد حداکثر ۲۰ درصد از سهم بازار را به خود اختصاص دهد. اکنون سهم وزارت نیرو بسیار بیشتر از حد مجاز است؛ هم به لحاظ مالکیت نیروگاه‌ها و هم به لحاظ خرید تضمینی برق نیروگاه‌های غیردولتی.

زمانی که سهم وزارت نیرو را از تولید برق در کشور اندازه‌گیری می‌کنیم، هم باید برق تولیدی نیروگاه‌های وزارت نیرو را در نظر بگیریم و هم برقی را که به صورت تضمینی خریداری کرده است؛ چراکه وقتی وزارت نیرو، شرکت برق حرارتی یا شرکت توانیر می‌خواهند در بازار با شرکت‌های خصوصی رقابت کنند، هم برق تولیدی خود را وارد رقابت می‌کنند و هم برقی را که به صورت تضمینی خریداری کرده‌اند. بنابراین سهم وزارت نیرو از تولید برق کشور بسیار بالاست و از این حیث مرتکب یک تخلف بزرگ و محرز شده است که از دید قانون قابل اغماض نیست.

از سوی دیگر زمانی که وزارت نیرو وارد بازار رقابت می‌شود، با همه نیروگاه‌های دولتی می‌آید؛ نیروگاه‌هایی که منفک از یکدیگر نیستند و همگی منافع سهام‌دار خود را نمایندگی می‌کنند؛ یعنی وزارت نیرو. بنابراین این نیروگاه‌ها دارای قدرت فائده هستند و به هیچ وجه با دیگر نیروگاه‌ها هم‌وزن نیستند. سایر شرکت‌ها هر یک به صورت مستقل وارد بازار رقابت می‌شوند و قدرت آن‌ها با قدرت وزارت نیرو برابری نمی‌کند.

ما در شورای رقابت به چنین موقعیتی «موقعیت مسلط در بازار» می‌گوییم. شرکتی که از موقعیت مسلط برخوردار است، تراز رقابت را در بازار بر هم می‌زند و به همین دلیل هم هست که وزارت نیرو طبق پیش‌بینی قانون نباید بیش از ۲۰ درصد سهم بازار را در اختیار داشته باشد. اگر شرکت‌های دولتی و وزارت نیرو به این بازار جدید راه یابند، فضای رقابتی را کاملاً تحت تاثیر قرار می‌دهند و در فرایند عرضه و تقاضا اختلال ایجاد می‌کنند.

به عنوان عضوی از هیات تنظیم مقررات بازار برق لطفاً بفرمایید این هیات تا چه حد در تصویب این مصوبه دخیل بود و اکنون در راستای جلوگیری از لطمه به بخش خصوصی چه برنامه‌ای دارد؟

هیات تنظیم مقررات بازار برق در ذیل اختیارات وزارت نیرو فعالیت می‌کند و فراتر از اختیارات وزارت نیرو اختیاری ندارد؛ در نتیجه این هیات حداکثر می‌توانست نظرات خود را در این خصوص به عنوان مشورت یا پیشنهاد مطرح کند.

بر این اساس هیات تنظیم مقررات بازار برق در فرصت‌هایی که پیش آمد در خصوص سهم ۲۰ درصدی وزارت نیرو در بازار تولید برق تذکر داد. پیش از آن نیز در برخی موارد مشاهده

سهم وزارت نیرو از تولید برق کشور بسیار بالاست و از این حیث مرتکب یک تخلف بزرگ و محرز شده است که از دید قانون قابل اغماض نیست. از سوی دیگر زمانی که وزارت نیرو وارد بازار رقابت می‌شود، با همه نیروگاه‌های دولتی می‌آید؛ این نیروگاه‌ها دارای قدرت فائده هستند و به هیچ وجه با دیگر نیروگاه‌ها هم‌وزن نیستند. ما در شورای رقابت به چنین موقعیتی «موقعیت مسلط در بازار» می‌گوییم. شرکتی که از موقعیت مسلط برخوردار است، تراز رقابت را در بازار بر هم می‌زند

باید چه حدودی داشته باشد؟ با توجه به اینکه برخی کالاها در بورس سقف رقابت دارند، باید دید آیا برای برق نیز سقف رقابت لازم است یا می‌تواند آزاد باشد. همچنین ما هنوز اطلاع نداریم برای برق کف قیمتی لازم است یا خیر. این موضوع از اهمیت بالایی برخوردار است؛ به‌ویژه اگر اجرای مصوبه به نیمه اول سال ۱۴۰۰ رسیده و در تابستان با پیک شبکه مواجه شود.

به طور کلی زمانی که در یک حوزه دو بازار جریان داشته باشد، میان آن‌ها تداخل ایجاد خواهد شد. در حوزه برق دو بازار داریم؛ یکی بازار عمده‌فروشی و دیگری بورس انرژی. تاکنون بورس انرژی سهم پایینی داشته و هیچ‌گاه تهدیدی از جانب آن وجود نداشته است؛ ولی اگر سهم بورس انرژی افزایش یابد، ممکن است در مورد تعادل این دو بازار نگرانی‌هایی ایجاد شود. بنابراین بهتر است وزارت نیرو و هیات تنظیم مقررات بازار برق اجرای این مصوبه را در یک دوره چند ماهه به صورت آزمایشی انجام دهند و در صورت نیاز پس از رصد دقیق شرایط، مقررات و ضوابط لازم را وضع کنند.

با توجه به اینکه پیش از این هم مساله تعیین کف قیمت چه در مورد بورس انرژی و چه در خصوص بازار برق مطرح بوده است، لطفاً بفرمایید که آیا تعیین کف قیمت مانع حقوقی خاصی دارد؟

خیر، مانع قانونی و حقوقی خاصی در این زمینه وجود ندارد، اما معمولاً اصل بر این است که یک رقابت آزاد شکل بگیرد. وقتی رقابت آزاد باشد و تعداد عرضه‌کنندگان محدود نباشد هیچ نگرانی در مورد قیمت‌ها وجود نخواهد داشت. اگر عرضه‌کنندگان کالا را با قیمت بسیار ارزان ارائه دهند، به نفع مصرف‌کنندگان کار کرده‌اند و در شرایطی که تعداد عرضه‌کنندگان زیاد است، مقدار عرضه هر شرکت نسبت به کل بازار چندان تعیین‌کننده نخواهد بود؛ ضمن اینکه ممکن است چنین عرضه‌کنندگانی دیگران را هم به سمت قیمت پایین‌تر میل دهند و این به افزایش بهینگی بازار کمک کند.

اما زمانی که شرکت‌های بزرگ برای از میدان به در کردن رقیبشان اقدام به قیمت‌شکنی می‌کنند، در صورت لزوم، ناظران بازار یا دستگاه‌های قانونی مثل شورای رقابت باید به موضوع ورود کرده و کف قیمت تعیین کنند.

شورای رقابت هم می‌تواند راساً با مساله قیمت‌شکنی برخورد کرده و کف قیمت تعیین کند؛ هم می‌تواند مسئولیت تعیین کف قیمت را به یک نهاد تخصصی مثل هیات تنظیم مقررات بازار یا بورس بسپارد. ■

تعداد عرضه‌کنندگان برق هم تا حدودی بیشتر شود. میزان معاملات هم افزایش خواهد یافت اما به طور کلی بازار دچار تغییر اساسی نخواهد شد.

اما با ورود شرکت‌های دولتی این احتمال وجود دارد که یک کف قیمت تعیین شود. این موضوع در نامه سندیکا نیز مورد توجه قرار گرفته است. بنده نیز در جلسه هیات تنظیم مقررات بازار برق این مورد را مطرح ساختم و خاطر نشان کردم که بورس انرژی باید با توجه به شناختی که از عرضه‌کنندگان و خریداران برق دارد، موضوع را بررسی کند تا در صورت لزوم با ورود هیات تنظیم مقررات بازار به مساله، کف قیمتی مصوب شود.

حال باید دید این اقدام کجا جایگاه پیدا می‌کند، اما به هر حال در مواردی که شرکت‌های دولتی به بازار ورود می‌کنند، یکی از راهکارها برای جلوگیری از قیمت‌شکنی، تعیین کف قیمت است.

اگر در خصوص اقدامات قابل انجام یا برنامه‌ها و راهکارهایی که می‌توانند در بهبود شرایط اجرای مصوبه نقش ایفا کنند مطلبی ناگفته باقی مانده است، لطفاً بفرمایید.

به گمان من بهتر است برنامه‌ای که به هر حال پس از چند سال بحث و تبادل نظر به تصویب هیات وزیران رسیده است، بدون انجام اقدامات دیگر وارد عرصه عمل شود و آنگاه برایندها و نتایج آن پس از دوره‌ای چند ماهه مورد بررسی قرار گیرد.

درخصوص تبعات اجرای این مصوبه نگرانی‌هایی وجود دارد، اما بهتر است ارزیابی اصلی در عرصه عمل انجام شود.

در صورت امکان لطفاً این نگرانی‌ها را قدری توضیح دهید.

به عنوان مثال ما نمی‌دانیم با اجرای این مصوبه دامنه رقابت در بازار بورس انرژی



گفت‌وگو با علی نقوی، مدیرعامل بورس انرژی ایران

کشف منصفانه قیمت با تحریک سمت تقاضا در بورس انرژی

ورود نیروگاه‌های دولتی به بورس انرژی نگرانی‌هایی را برای بخش خصوصی فعال در این حوزه ایجاد کرده است، در همین راستا سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق در نامه‌ای به وزیر نیرو خواستار آن شده است که پیش از ورود نیروگاه‌های دولتی به بورس انرژی، «مقررات مرتبط در بورس انرژی بر اساس شرایط جدید مورد بازبینی قرار گرفته و به عنوان اولین گام، کف قیمت عرضه و محدوده مجاز نوسان، بر اساس ضوابط علمی توسط بورس انرژی و نهاد تنظیم‌گر تعیین شود». با ابلاغ مصوبه هیات وزیران در مورد لزوم تامین برق مشترکین با قدرت بالای ۵ مگاوات در بورس انرژی و قراردادهای دوجانبه، با تمام نقاط مثبت این مصوبه، عملاً این نگرانی بخش خصوصی فعال در حوزه تولید برق تشدید شده است. در همین راستا در گفت‌وگویی با علی نقوی مدیرعامل بورس انرژی ایران خواسته‌ایم تا به تبیین برنامه‌های آن سازمان برای اجرای هر چه رقابتی‌تر و عادلانه‌تر مصوبه مذکور بپردازد، که در ادامه خواهید خواند:

معامله برای خریدار و فروشنده در فضایی شفاف و منصفانه، در کنار فراهم کردن امکان ورود و خروج همه مشترکان و مصرف‌کنندگان و عرضه‌کنندگان برق به این بازار متشکل و تحت نظارت است. در حال حاضر این زیرساخت‌ها در بورس انرژی ایران فراهم است و عرضه برق در کنار ابزارهای مالی مبتنی بر برق نیز در این بازار در حال انجام است و برای اجرای مصوبه هیات وزیران نیازی به زیرساخت جدید معاملاتی نیست. گفتنی است کارگروهی متشکل از بورس انرژی ایران، توانیر و شرکت مدیریت شبکه برق ایران و سایر نهادهای مرتبط، دستورالعمل و ضوابط اجرایی مورد نیاز را تدوین خواهند کرد.

مستحضرید که در مصوبه هیات وزیران در خصوص تامین برق مشترکان با قدرت بالای ۵ مگاوات آمده است که وزارت نیرو و بورس انرژی باید زیرساخت‌هایی را طی ۶ ماه برای اجرای آن فراهم کنند، از نظر شما این زیرساخت‌ها چه هستند و تاکنون چه برنامه و سازوکاری برای فراهم آوردن آن در بورس انرژی مد نظر قرار گرفته است؟ آیا مهلت ۶ ماهه مذکور کافی است؟ (پایان مهلت، اردیبهشت سال ۱۴۰۰)

از جمله وظایف بورس انرژی ایران فراهم آوردن بسترهای معاملاتی و ابزارهای امن الکترونیکی وابسته به آن و اطمینان بخشی از انجام

معاملات برق تحریک و به کشف منصفانه قیمت برق مبتنی بر سازوکار معاملات این بازار کمک شایانی خواهد کرد.

در حال حاضر از مجموع تولید برق، حدود ۳ درصد آن در بورس انرژی معامله می‌شود، برنامه آن شرکت برای افزایش سهم این معاملات چیست؟ آیا راهکاری در این خصوص در نظر گرفته شده است؟

به لحاظ مقرراتی، قوانین و دستورالعمل‌های متعددی بر عرضه برق در بورس انرژی و خروج آن از نظام قیمت‌گذاری تأکید دارد و تمام زیرساخت‌های عملیاتی و قانونی بورس انرژی ایران جهت افزایش سهم معاملات برق در بورس مهیا است. بر این اساس سایر ذی‌نفعان بایستی با عمل به قوانین بالادستی، کشور را در تحقق اهداف کلان آن یاری کنند.

بورس انرژی به‌طور بلقوه چه ظرفیت‌های دیگری برای کشف قیمت واقعی برق دارد و تاکنون چه میزان از این ظرفیت‌ها محقق شده است؟

کشف قیمت در بازار سرمایه بر اساس سازوکار حراج و عرضه و تقاضا اتفاق می‌افتد و در بورس‌های کالایی نیز قیمت پایه بر مبنای یک‌سری قواعد و استانداردهای پذیرفته شده هر کالا یا صنعت تعیین می‌شود. همان‌گونه که در سایر پوشش‌ها اعلام شد، بورس زیرساخت لازم برای انجام معاملات را فراهم کرده و در صنعت برق علاوه بر معاملات کالای «برق»، اوراق سلف موازی و گواهی ظرفیت نیز ابزارهای نوینی جهت تامین مالی در صنعت برق هستند که ذی‌نفعان می‌توانند از آن استفاده کنند. ■

از نظر شما بورس انرژی تا چه میزان می‌تواند با خواسته بخش خصوصی مبنی بر منوط شدن ورود نیروگاه‌های دولتی به ایجاد سازوکار مناسب و جدید همراهی کند و چه سازوکاری برای ایجاد فضای رقابتی مناسب در این حوزه فراهم آورد؟

ماموریت بورس انرژی ایران فراهم‌آوردن بازاری متشکل، قانونمند و رقابتی جهت کشف منصفانه قیمت حامل‌های انرژی بوده و در این راستا چشم‌اندازی مبنی بر تبدیل شدن به مرجع قیمت‌گذاری‌های انرژی در سطح منطقه را سرلوحه برنامه‌ها و طرح‌های خود قرار داده و در طی سال‌های فعالیت در رسیدن به اهداف خود کوشا بوده است.

حضور در بورس، امکان رقابت بین همه عرضه‌کنندگان را فراهم می‌آورد و به نظر می‌رسد نیازی به مقررات جدید نباشد البته بورس انرژی همواره پذیرای نظرات و دغدغه‌های همه ذی‌نفعان خود جهت بهبود عملکرد و کمک به کشف قیمت منصفانه بوده است.

در شرایطی که میزان عرضه برق در بورس انرژی بسیار بیشتر از تقاضا است، برای جلوگیری از رقابت مخرب چه تمهیدی اندیشیده‌اید؟

با مصوبه اخیر هیات وزیران در ۲۰ مهر ماه امسال پیرامون تامین برق مشترکان صنعتی با قدرت بالای ۵ مگاوات از طریق قراردادهای دوجانبه یا سایر روش‌های متداول در بورس انرژی ایران که در عمل به معنای انجام کلیه معاملات این دسته از مشترکان در بورس انرژی ایران به شمار می‌رود می‌توان با اطمینان گفت که با این مصوبه و ابلاغ دستورالعمل‌های اجرایی آن، سمت تقاضا در تالار



گفت‌وگو با مصطفی رجبی مشهدی، معاون برنامه‌ریزی و امور اقتصادی شرکت توانیر و سخنگوی صنعت برق

توسعه معاملات دوجانبه برق در بورس انرژی

قراردادهای دوجانبه با وجود فرازونشیب‌های متعدد در تمام سال‌های طرح و توسعه آن، غالباً روش مناسبی برای دوسوی قرارداد محسوب می‌شده‌اند، اما همواره استقلال آن‌ها از وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه آن محل چالش و پرسش بوده و همین امر رونق انعقاد این قراردادها را متاثر کرده است. حال هر چند با ابلاغ مصوبه هیات وزیران با موضوع تامین برق مشترکین با قدرت بالای ۵ مگاوات، انتظار می‌رود رونق بیشتری را در این زمین شاهد باشیم، اما همچنان نگرانی‌هایی از مداخلات وزارت نیرو در این حوزه برای فعالان صنعتی از یک سو و تولیدکنندگان برق از سوی دیگر وجود دارد. مصطفی رجبی مشهدی، سخنگوی صنعت برق در این گفت‌وگو تلاش دارد به بخشی از این نگرانی‌ها پاسخ گوید که در ادامه خواهید خواند:

آن صرفه‌جویی در هزینه‌های تامین برق، امکان تهاثر کالا به کالا با تولیدکننده برق از طریق قرارداد دوجانبه و امکان تشکیل سبد بهینه تامین برق از طریق استفاده همزمان از قرارداد دوجانبه و معاملات بورس انرژی از جمله مزایایی است که مصرف‌کنندگان از آن برخوردار می‌شوند.

قدم بعدی برای اجرایی شدن این نوع قراردادها چیست؟

با توجه به مصوبه جدید هیات وزیران

اساساً قراردادهای دوجانبه چه مزیت و مشوقی برای صنایع متقاضی ایجاد می‌کند؟

مزایای این نوع قراردادها را از دو سمت یکی برای نیروگاه‌های بخش خصوصی و دیگری برای مصرف‌کنندگان بررسی کرد.

در بخش اول، وابستگی کمتر به منابع و درآمدهای دریافتی از بخش دولتی، نظم‌بخشی به میزان نقدینگی وصولی ماهانه نیروگاه‌ها حاصل از فروش برق و به تبع آن امکان برنامه‌ریزی بهتر برای هزینه‌های بهره‌برداری نیروگاه (به‌خصوص هزینه تعمیرات) فراهم‌شدن امکان تامین برق مشترکین زیرمجموعه یک هلدینگ از طریق نیروگاه‌های زیرمجموعه همان هلدینگ با شرایط مدیران همان مجموعه از مهمترین مزایای قراردادهای دوجانبه برای نیروگاه‌های خصوصی به شمار می‌رود.

اما در بخش مصرف‌کنندگان و صنایع، امکان برگزاری مناقصه برای خرید برق و به تبع

خوشبختانه با پی‌گیری‌های شرکت توانیر و وزارت نیرو، این مشکل با مصوبه جدید هیات وزیران مرتفع شد و اکنون انتظار می‌رود از این پس قراردادهای دوجانبه برق و معاملات برق در بورس انرژی با قیمت‌های واقعی و معقول شکل بگیرد و حجم آن نیز افزایش یابد.

در شرایطی که وزارت نیرو در تامین نقدینگی برای پرداخت مطالبات تولیدکنندگان غیر دولتی برق مشکل دارد، قراردادهای دوجانبه در رفع این مشکل موثر خواهد بود؟

دقیقا یکی از مهمترین اهداف این نوع قراردادها، تلاش برای رفع این مشکل است. به همین دلیل شرکت توانیر تلاش کرده تا با فراهم کردن بستر قراردادهای دوجانبه برق و معاملات برق در بورس انرژی زمینه‌ای را فراهم کند تا نیروگاه‌های بخش خصوصی مجبور به فروش برق تولیدی خود به شرکت‌های دولتی نباشند و بتوانند در یک محیط رقابتی و عادلانه برق تولیدی خود را مستقیما بدون دخالت دولت به مصرف‌کنندگان صنعتی برق عرضه کنند.

مسلما قدم گذاشتن در این راه منجر به شکل گرفتن قیمت واقعی و عادلانه برق از طریق عرضه و تقاضا و تامین نیازهای نقدینگی نیروگاه‌های بخش خصوصی خواهد شد. از سوی دیگر انتظار می‌رود بخش خصوصی به عنوان خریدار برق در ایفای تعهدات مالی خود به نیروگاه‌ها موفق تر باشد، چرا که این موضوع برای نیروگاه‌ها بسیار حائز اهمیت است.

آیا قراردادهای دوجانبه هم موجب مطالبات انباشته‌ای برای نیروگاه‌های غیر دولتی شده یا می‌شود؟

همان طور که توضیح دادم قراردادهای دوجانبه برق، قراردادی منعقدشده بین دو بخش خصوصی تولیدکننده و مصرف‌کننده برق هستند و شرکت توانیر به عنوان نهادی دولتی، هرگز دخل و تصرفی در این گونه قراردادها ندارد و اینکه خریداران برق تا چه حد به تعهدات مالی خود در این گونه قراردادها عمل کرده‌اند، سوالی است که پاسخ دقیق آن باید از نیروگاه‌های دارای قرارداد دوجانبه پرسیده شود. اما آمار و اطلاعات کلی این گونه قراردادها نشان می‌دهد که استقبال هردو بخش خصوصی تولیدکننده و مصرف‌کننده برق از این قراردادها مطلوب و مناسب بوده است. به گونه‌ای که در حال حاضر ۷۸ قرارداد دوجانبه برق با ظرفیت ۱۵۳۵ مگاوات در هر ساعت در کشور فعال است که این حجم نشانگر رضایت نیروگاه‌های بخش خصوصی از این گونه قراردادها و اجرای مناسب تعهدات قراردادی فی‌مابین است و انتظار می‌رود با اجرایی شدن مصوبه جدید هیات دولت، حجم این نوع قراردادها مذکور به مراتب افزایش یابد. ■

مبنی بر الزام کلیه مشترکین صنعتی برق با قدرت بالای ۵ مگاوات برای تامین برق مورد نیاز خود از طریق قراردادهای دوجانبه یا بورس انرژی، تمام ارکان صنعت برق از جمله شرکت توانیر سعی در اجرای دقیق و کامل مصوبه جدید دولت دارند. به همین منظور و در حال حاضر دستورالعمل اجرایی این مصوبه در دست تهیه است و به زودی این دستورالعمل پس از نهایی شدن، به کلیه شرکت‌های زیرمجموعه توانیر برای اجرا ابلاغ خواهد شد.

با این توضیح، آیا برنامه‌ای برای بهبود کمی و کیفی شرایط قراردادهای دوجانبه هم در دست اجرا هست؟

استراتژی شرکت توانیر حمایت و تقویت قراردادهای دوجانبه برق فیما بین نیروگاه‌های بخش خصوصی و مصرف‌کنندگان و همچنین حمایت و تقویت معاملات برق در بورس انرژی است و در این راستا حرکت خود را ادامه می‌دهد.

اما در این راه نیازمند بهبود روش‌های انجام این معاملات برای نیروگاه‌ها و مشترکین هستیم و تلاش خواهیم کرد تا با رعایت مقررات و ضوابط، حتی‌الامکان بروکراسی اداری این معاملات را کاهش دهیم. انتظار داریم با تمهیدات اتخاذ شده، تعداد و حجم قراردادهای دوجانبه و با از طریق سایر سازوکارهای بورس انرژی در آینده نزدیک به میزان قابل توجهی افزایش یابد.

این نوع قراردادها یک بار هم در سال ۹۷ مطرح و سپس متوقف شد. درباره دلایل آن توضیح می‌دهید؟

دلیل توقف این گونه قراردادها و معاملات در سال ۹۷، مشخص نبودن نرخ ترانزیت برای این گونه معاملات بود که نیازمند ابلاغ نرخ ترانزیت توسط شورای اقتصاد بود. شرکت توانیر بلافاصله پس از ابلاغ نرخ، مراتب اجرای قراردادهای دوجانبه و معاملات بورس انرژی را در مردادماه سال ۱۳۹۸ به تمامی شرکت‌های زیرمجموعه ابلاغ کرد که پس از آن مجددا شاهد ازسرگیری انعقاد این گونه قراردادها و سرعت گرفتن آن در کشور بودیم.

اما باید به این موضوع هم اشاره کنم که یکی از مهمترین چالش‌های نیروگاه‌ها در انعقاد قراردادهای دوجانبه برق، عدم الزام و اجبار مشترکین به تامین برق مورد نیاز از طریق قراردادهای دوجانبه و بورس و در نتیجه قدرت چانه‌زنی بالای خریداران برق بود که موجب می‌شد برخی از نیروگاه‌ها به منظور پوشش نیازهای نقدینگی فوری خود، ناچار به فروش برق تولیدی خود با قیمت‌های بسیار پایین شوند. ناگفته پیداست که این امر برای بخش تولید صنعت برق، مطلوب نبود. اما

خارج از
پرونده





گفت‌وگو با محمدملکی، معاون اسبق امور برق و انرژی وزارت نیرو

افق‌های دوردست تجدید ساختار در صنعت برق ایران

در شماره گذشته «نیرو و سرمایه» نظرات محمد ملاکی را که از طراحان و مجریان اصلی «تجدید ساختار صنعت برق» بوده در آن هنگام به عنوان معاون وقت امور برق و انرژی وزارت نیرو فعالیت داشته است، بر اساس سخنرانی وی در اردیبهشت‌ماه سال ۹۴ تقدیم داشتیم. در این شماره نظرات مستقیم وی را پس از گذشت قریب به ۶ سال از آن سخنرانی در این خصوص جویا شده‌ایم که در ادامه خواهید خواند:

مقایسه نحوه پیاده‌سازی آن در سایر کشورها و ایران، بفرمایید وضعیت فعلی صنعت برق ما با آن کشورها چگونه است؟ به شکل فعلی در اکثر کشورهای صنعتی حدوداً از ۱۳۶۰ اقدام کرده‌اند ظرف ۱۰ تا ۱۲ سال صد درصد اصلاح ساختار را به انجام رسانده‌اند.

البته در آن کشورها با توجه به زمان ۱۰ تا ۱۲ ساله اجرای کار، به موارد بسیار ریز هم پرداخته‌اند؛ نظیر اینکه هزینه‌های مخابرات بین نیروگاه و پست بلافاصل آن که دارای تجهیزات مشترک هستند چگونه بایستی تقسیم شود.

موضوع تجدید ساختار صنعت برق با چه هدفی صورت گرفت و حضرت‌تعالی و دیگر مدیران ارشد وقت که طرح و اجرای آن را عهده‌دار بودید چه برداشتی از آن داشتید؟ هدف اصلی بسترسازی برای ایجاد رقابت در بخش‌های رقابت‌پذیر، تبیین روابط نرخ خدمات و کالا در بخش‌های انحصاری و شفافیت تا حد ممکن در همه فعالیت‌های صنعت برق بود.

کدام کشورها تجدید ساختار در صنعت برق خود را حدوداً هم‌زمان با اجرای آن در ایران شروع کردند؟ لطفاً ضمن

تجدید ساختار در صنعت برق چه روندی را در این مدت طی کرده و آیا به اهداف تعیین شده خود دست یافته است؟

بسیار کند حرکت کرده است و در بعضی قسمت‌های اصلی حتی به‌طور کامل متوقف بوده است. در حالی که وزات نیرو بر اساس مصوبات قانونی و همچنین مصوبات هیات وزیران و ... که در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی صادر شده‌اند، مکلف به بعضی اقدامات بوده، این موارد هم بلا تکلیف باقی مانده است.

هم‌اکنون رقابت بسیار محدودی در بخش تولید برق وجود دارد که به‌هیچ‌وجه تامین‌کننده نظرات و اهداف مذکور در پاسخ سوال قبلی شما نیست. البته بعضی از این محدودیت‌ها ناشی از شرایط عمومی کشور مثل تحریم و ... است.

بخش‌های انتقال و توزیع علی‌رغم مصوباتی که برای واگذاری وجود دارد، صد درصد دولتی و در قالب ضوابط حمایتی اداره می‌شود؛ بخشی از تاسیسات تولید واگذار شده است که سهم قابل توجهی از آن در اختیار نهادهای عمومی یا سایر وزارتخانه‌های دولتی و یا اشخاص حقوقی با نفوذ موثر توسط دولت است. بنابراین سهم اندکی در اختیار بخش خصوصی کامل است که آن‌ها هم به‌دلیل محدودیت‌هایی نظیر خرید سوخت انحصاری، خرید نیروگاه به صورت انحصاری از شرکت ایرانی، تعیین حقوق و مزایای کارکنان و ... عملاً بر اساس مصوبات وزارت نیرو و ... تنها امکانات بسیار محدودی را در حد حداکثر ۵ درصد برای رقابت با یکدیگر دارند.

اگر آنچه تاکنون در زمینه تجدید ساختار صنعت برق انجام شده کاملاً مطلوب نبوده است، چه توصیه‌ای برای

اقدامات بعدی در این خصوص دارید؟

مواردی چون رعایت و اجرای موارد قانونی، مستقل از اینکه در جهت منافع اشخاص حقیقی یا حقوقی باشد یا خیر، واگذاری سایر نیروگاه‌ها از طریق مزایده به بخش غیر دولتی، ایجاد تحول در بخش توزیع برای واگذاری این بخش به بخش غیر دولتی، راه‌اندازی نهاد تنظیم‌کننده روابط بخش برق و ... از جمله اقداماتی است که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

در شرایط فعلی به نظر می‌رسد که وزارت نیرو از واگذاری بخش تولید به بخش خصوصی ناراضی است و در عین حال سرمایه‌گذاران غیر دولتی هم که برای احداث نیروگاه اقدام کرده‌اند ناراضی هستند، از نظر شما علت این نارضایتی چیست و کجای کار اشکال دارد؟

به اعتقاد اینجانب نارضایتی مربوط به واگذاری نیروگاه‌های بخش خصوصی، واقعی نیست و بیشتر متوجه نهادها و بخش‌های وابسته به دولت است که از محل مطالبات از دولت و یا امثالهم تعدادی از نیروگاه‌ها را در اختیار گرفته‌اند.

بخش خصوصی هم از وزارت نیرو و نیروگاه‌های تابعه انتظار دارد که در موارد مربوط به آن‌ها مستقل از مسئولیت و شرایطی که در وزارت نیرو هست، منصفانه و بی‌طرفانه، بررسی، تصمیم‌گیری و قضاوت کنند و این بخش را هم از خودشان و در خدمت خودشان و مردم بدانند.

البته ممکن است زیاده‌خواهی در مواردی از طرف نیروگاه‌های بخش غیر دولتی وجود داشته باشد که این موارد هم بایستی اصلاح شود. ■



گفت‌وگو با سید حسین عبدالخالق زاده، مدیر عامل شرکت تولید برق شمس سرخس

خصوصی سازی نیروگاه‌ها به روایت مجری

بررسی «تجدید ساختار صنعت برق» و به تبع آن، «خصوصی سازی نیروگاه‌ها» در حالی موضوع پرونده نخست شماره قبلی نشریه «نیرو و سرمایه» را با انعکاس مصاحبه‌ها و یادداشت‌ها و گزارش‌های تحلیلی به خود اختصاص داد، که با گذشت بیش از دو دهه از طرح آن در صنعت برق کشور، هنوز خلل و نارسایی‌هایی در اجرای آن مشاهده می‌شود. در تکمیل آن پرونده، سید حسین عبدالخالق زاده که اولین مجری خصوصی سازی صنعت برق و در توابع عهده‌دار آماده کردن نیروگاه‌ها برای واگذاری بوده است، طی گفت‌وگویی که در ادامه خواهید خواند، مفصلاً به شرح و بیان نکاتی پرداخته است که در پرونده شماره قبلی «نیرو و سرمایه» کمتر تشریح شده بود:

وزارت نیرو مکلف شد تا پایان برنامه چهارم توسعه ضمن حفظ مالکیت خطوط اصلی انتقال برق، صد درصد مالکیت خود را در بخش توزیع نیروی برق و هشتاد درصد مالکیت خود را در بخش نیروگاه‌ها و تولید برق به بخش خصوصی واگذار کند. البته در موارد متعددی از این قانون تاکید شده که در هر حال مسئولیت تامین برق مشترکین در بخش‌های مختلف مصرف در سطح کشور به عهده وزارت نیرو است.

این نکته قابل ذکر است که از اوایل سال ۱۳۷۱ تا اواخر سال ۱۳۸۰ در تجدید ساختار صنعت برق به غیر از شرکت‌های اصلی برق در بخش‌های تولید، انتقال و توزیع که در زیرمجموعه توانیر

با توجه به اینکه شما بعد از ابلاغ قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ در بازه سال‌های ۸۷ تا ۹۰ به عنوان اولین مجری خصوصی سازی صنعت برق در توابع عهده‌دار آماده سازی نیروگاه‌ها برای واگذاری بوده‌اید، لطفاً در ابتدا مختصری از فعالیت‌های انجام شده طی سال‌های مذکور در حوزه تجدید ساختار صنعت برق، بیان بفرمایید. قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۸۷/۰۲/۲۵ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با مصالح نظام تشخیص داده شد و از سوی مجلس شورای اسلامی به دولت ابلاغ شد. براساس ماده ۲ این قانون

از آنجا که تشکیل شرکت‌های دولتی برای مالکیت نیروگاه‌ها، محدودیت‌ها و مسائل خاص خود را داشته و از طرفی به دلیل بدهی‌های بانکی بابت احداث نیروگاه‌ها، واگذاری ۱۰ شرکت اولیه (شرکت‌های ماده ۲۷) به تعویق افتاد، لذا در سال ۱۳۸۸ با نظر وزیر وقت نیرو تصمیم گرفته شد ۱۰ نیروگاه دیگر که بدهی بانکی ندارند، انتخاب شده و از طریق سازمان خصوصی‌سازی به روش مزایده و به صورت دارایی واگذار شوند که اسامی آن‌ها با مجموع ظرفیت ۸۶۵۰ مگاوات به شرح جدول زیر است:

ردیف	نام نیروگاه	نوع نیروگاه	تعداد واحد	ظرفیت (مگاوات)
۱	گیلان	سیکل ترکیبی	۹	۱۳۰۶
۲	شهید منتظری	بخاری	۸	۱۶۰۰
۳	مشهد	گازی-بخاری	۷	۳۲۷
۴	تبریز	بخاری	۲	۷۳۶
۵	منتظر فایم	سیکل ترکیبی	۱۳	۱۶۲۴
۶	فارس	سیکل ترکیبی	۹	۱۰۳۵
۷	خوی	سیکل ترکیبی	۳	۳۴۹
۸	قم	سیکل ترکیبی	۶	۷۱۴
۹	توس	بخاری	۴	۶۰۰
۱۰	لوشان	گازی-بخاری	۴	۳۶۰

شرکت‌های نیروگاهی ماده ۲۷ و این ده نیروگاه طی سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ به سازمان خصوصی معرفی شدند و با تشکیل هیات‌هایی از کارشناسان رسمی دادگستری در تخصص‌های ساختمانی، برق و تاسیسات، نقلیه و مالی و حسابرسی و همچنین دو نفر کارشناس خبره نیروگاهی از صنعت برق (با معرفی دفتر فنی تولید توانیر)، مورد ارزیابی قرار گرفتند. توضیح اینکه برای کارشناسان مذکور اعم از کارشناسان رسمی دادگستری و کارشناسان خبره صنعت برق از سوی سازمان خصوصی‌سازی ابلاغ کارشناسی برای هر نیروگاه به صورت مجزا صادر شد.

در سال ۱۳۸۹ تعداد ۱۰ نیروگاه دیگر انتخاب و جهت ارزیابی به سازمان خصوصی‌سازی معرفی و طی فرآیندی که نیروگاه‌های

باقی ماندند، بالغ بر تعداد ۱۵۰ شرکت فعال وابسته به توانیر و شرکت‌های برق منطقه‌ای در بخش‌های فنی و مهندسی، مشاوره، توسعه و احداث، ساخت تجهیزات، قرائت و توزیع قبوض برق و ... جدا شده و در زیرمجموعه شرکت مادر تخصصی ساتکاب قرار گرفتند. قریب به تمامی این شرکت‌ها طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۷ از طریق سازمان خصوصی‌سازی واگذار شده بودند و صرفاً ۱۶ شرکت اصلی برق منطقه و حدود ۴۰ شرکت توزیع نیروی برق و بالغ بر ۳۸ شرکت مدیریت تولید برق که از شرکت‌های زیرمجموعه شرکت مادر تخصصی توانیر محسوب می‌شدند براساس قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در برنامه سازماندهی و واگذاری منظور شدند و به دلیل سهل‌الوصول بودن واگذاری نیروگاه‌ها، خصوصی‌سازی این بخش با سرعت بیشتری شروع شد. در سال ۱۳۸۷ براساس ماده ۲۷ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، ۱۰ نیروگاه از مالکیت برق‌های منطقه‌ای مجزا و برای هر کدام یک شرکت صد درصد دولتی تشکیل شد. مقرر شده بود که ۶۵ درصد سهام آن‌ها از طریق بورس به بخش خصوصی واگذار شود که به دلیل طولانی بودن فرآیند واگذاری از طریق بورس، در جلسه ۸۷/۵/۷ هیات واگذاری مصوب شد این شرکت‌ها از طریق مزایده واگذار شوند. اسامی این شرکت‌ها با مجموع ۷۸۰۰ مگاوات ظرفیت به شرح جدول ذیل است:

ردیف	نام نیروگاه	نوع نیروگاه	تعداد واحد	ظرفیت (مگاوات)	پیش‌بینی طرح توسعه
۱	آبادان	گازی	۴	۴۹۴	۳۲۰
۲	بیستون	بخاری	۲	۶۴۰	۶۴۰
۳	خلیج فارس	گازی	۶	۹۹۰	-
۴	دماوند	گازی	۱۲	۱۹۰۸	۹۶۰
۵	سبز منجیل	بادی	۹۰	۵۰	۸۰
۶	سبز بینالود	بادی	۴۳	۲۸	-
۷	سنندج	گازی	۴	۶۳۶	۳۲۰
۸	سهند	بخاری	۲	۶۵۰	۶۵۰
۹	شیروان	گازی	۶	۹۵۴	۴۷۷
۱۰	کرمان	سیکل ترکیبی	۸	۱۴۲۲	۶۴۰

قبلی ارزیابی شده بودند مورد ارزیابی و قیمت‌گذاری قرار گرفتند اسامی این نیروگاه‌ها با مجموع ظرفیت ۵۸۹۶ مگاوات به شرح جدول زیر است.

ردیف	نام نیروگاه	نوع نیروگاه	تعداد واحد	ظرفیت (مگاوات)
۱	شهید رجایی	سیکل ترکیبی	۹	۱۰۴۲
۲	نیشابور	سیکل ترکیبی	۹	۱۰۴۰
۳	شهید مفتح	بخاری	۴	۱۰۰۰
۴	شهید رجایی	بخاری	۴	۱۰۰۰
۵	اسلام آباد	بخاری	۵	۸۳۵
۶	شریعتی	سیکل ترکیبی و گازی	۸	۴۹۶
۷	کنارک	گازی	۶	۱۶۲
۸	کنگان	گازی	۷	۱۶۴
۹	شهید زینب یزد	گازی	۳	۹۷
۱۰	زرنند	بخاری	۲	۶۰

در همان سال ۱۳۸۹ جهت تامین منابع مالی مورد نیاز برای طرح‌های مرتبط با کاهش تلفات و اصلاح شبکه براساس بند الف ماده ۳ قانون بودجه همان سال، تعداد پنج نیروگاه با مجموع ظرفیت ۳۸۹۴ مگاوات به شرح ذیل انتخاب شده و به سازمان خصوصی‌سازی معرفی شدند:

ردیف	نام نیروگاه	نوع نیروگاه	تعداد واحد	ظرفیت (مگاوات)
۱	ارومیه	گازی	۶	۹۴۵
۲	چابهار	گازی	۶	۴۱۴
۳	سیلان	گازی	۶	۹۴۵
۴	قائن	گازی	۴	۶۳۶
۵	چهرم	گازی	۶	۹۵۴

فرآیند واگذاری نیروگاه‌ها

طبق ضوابط و دستورالعمل‌های منبعث از قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴، پس از بررسی و تصویب قیمت‌های ارزیابی‌شده توسط کارشناسان تعیین‌شده از سوی سازمان خصوصی‌سازی در

هیات واگذاری (به ریاست وزیر وقت اقتصاد و دارایی و با حضور وزیر دادگستری، رئیس شورای رقابت، نمایندگان سازمان‌ها و نهادهای نظارتی، رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار و نمایندگان وزارتخانه‌های ذی‌ربط)، در سایت سازمان خصوصی‌سازی و تعدادی روزنامه کثیرالانتشار برای هر نیروگاه مزایده و شرایط آن اعلام می‌شد. با وجود اینکه در جهت ایجاد انگیزه با نظر مرحوم دکتر محمد احمدیان (معاونت وقت امور برق و انرژی وزارت نیرو) و جناب آقای مهندس وحدتی (مدیرعامل وقت شرکت توانیر) نیروگاه‌های منظور شده در ماده ۲۷ شرایط بسیار خوبی داشتند و اکثراً سیکل ترکیبی و با عمر کم بودند، در عین حال به دلیل تازگی موضوع واگذاری نیروگاه‌ها و نداشتن تجربه قبلی برای توجیه سرمایه‌گذاران، استقبال خریداران مدتی زمان‌بر بود و از اواخر سال ۱۳۸۸ به تدریج برای نیروگاه‌ها خریدار پیدا شد.

در حال حاضر از این لیست بالغ بر ۲۰ نیروگاه از مالکیت توانیر خارج شده است؛ اما نکته بسیار حائز اهمیت این است که متأسفانه تعداد قابل توجهی از آن‌ها در سال‌های پایانی دولت دهم بسیار عجولانه و غیر معمول به صورت رد دیون و مطالبات بانک‌ها و سازمان تامین اجتماعی، بنیاد شهید و... واگذار شد که عملاً صرف هزینه‌های جاری شد و از محل فروش آن‌ها منابعی ایجاد نشد تا در سرمایه‌گذاری‌های جدید به کار گرفته شود. این موضوع به قدری غیر منطقی بود که حتی وزیر اقتصاد و دارایی وقت که رئیس هیات واگذاری در همان زمان بود، صرف‌کردن سرمایه‌گذاری‌های «چند ده ساله» صنعت برق کشور را برای هزینه‌های جاری، خلاف اهداف و سیاست‌های خصوصی‌سازی در کشور به حساب می‌آورد و مخالف این روش بود.

این موارد و بسیاری از مسائل و مشکلاتی که پس از واگذاری نیروگاه‌ها برای توانیر و صنعت برق به وجود آمده، نیاز به بررسی بیشتر و آسیب‌شناسی جداگانه‌ای دارد که پیشنهاد می‌شود در فرصتی دیگر نشریه وزین «نیرو و سرمایه» به آن بپردازد.

البته این نکته قابل ذکر است که حداکثر تلاش لازم در جریان انتخاب، معرفی نیروگاه‌ها و تدوین شرایط واگذاری به عمل آمد و سعی شد سازوکاری پیش‌بینی شود که بهره‌برداری نیروگاه‌ها پس از واگذاری به نحوی باشد که نیروهای انسانی موجود و متخصص صنعت برق حفظ شده و حتی المقدور براساس ضوابط سهمی از نیروگاه‌ها داشته باشند.

برای این منظور کارگروه‌های فنی، حقوقی، مالی و منابع انسانی تشکیل شد که نمایندگان حوزه معاونت برنامه‌ریزی و معاونت برق و انرژی وزارت نیرو و همچنین نمایندگان معاونت‌های بهره‌برداری، برنامه‌ریزی، منابع انسانی و امور مجامع شرکت توانیر به تناسب در این کارگروه‌ها حضور داشتند و در تدوین دستورالعمل‌ها و شرایط واگذاری و... نقش بسزایی ایفا کردند که البته بیان جزئیات تصمیمات اتخاذ شده خارج از حوصله این مصاحبه است.

بودیم؛ به‌ویژه اینکه بالغ بر ۵۰ درصد شاغلین صنعت برق در این بخش مشغول فعالیت هستند. از طرفی گستردگی شبکه و تاسیسات در این بخش مشکل واگذاری را پیچیده‌تر کرده است.

در مقابل، بالغ بر ۹۰ درصد شرکت‌های جانبی صنعت برق که در اواخر دهه هفتاد زیرمجموعه شرکت مادر تخصصی ساتکاب قرار گرفتند واگذار شده‌اند.

در برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه تکالیف وزارت نیرو برای واگذاری شرکت‌های زیرمجموعه تکرار شده و تا به حال حتی به لحاظ شکلی و ماهوی به اهدافی که تعیین شده دست نیافته است.

تعداد ۱۱ شرکت توزیع نیروی برق هم در اواخر سال ۱۳۸۸ و اوائل سال ۱۳۸۹ مورد ارزیابی قرار گرفتند و با صرف بیش از شش ماه وقت در کارگروه‌هایی با حضور بالغ بر ۵۰ نفر از کارشناسان و مدیران بخش‌های فنی، مالی، حقوقی، حراست، برنامه‌ریزی از وزارت نیرو و توانیر دستورالعمل‌ها و شرایط واگذاری شرکت‌ها تدوین و مصوب شد و به سازمان خصوصی‌سازی برای واگذاری اعلام شد، ولی به دلایل متعدد که بخش مهمی از آن‌ها وجود انحصار شدید در دارایی تاسیسات است، تا امروز حتی یک شرکت توزیع هم واگذار نشده است.

کدام کشورها تجدید ساختار صنعت برق را با ایران شروع کردند؟ لطفا ضمن مقایسه نحوه پیاده‌سازی آن در سایر کشورها و ایران، بفرمایید وضعیت فعلی صنعت برق در مقایسه با آن کشورها چگونه است.

اگر از کشورهای مطرح اروپایی که از این نظر به هیچ وجه قابل مقایسه با ایران نیستند بگذریم، می‌توان روند خصوصی‌سازی در کشور نظیر ترکیه را مقایسه کرد. در کشور ترکیه هم شبیه ایران در ابتدا خصوصی‌سازی بیشتر از بخش تولید و نیروگاه‌ها آغاز شد به نحوی که در سال

با وجود اینکه در جهت ایجاد انگیزه نیروگاه‌های منظور شده در ماده ۲۷ شرایط بسیار خوبی داشتند و اکثراً سیکل ترکیبی و با عمر کم بودند، در عین حال به دلیل تازگی موضوع واگذاری نیروگاه‌ها و نداشتن تجربه قبلی برای توجیه سرمایه‌گذاران، استقبال خریداران مدتی زمان‌بر بود و از اواخر سال ۱۳۸۸ به تدریج برای نیروگاه‌ها خریدار پیدا شد.

در مرحله نخست تفکیک وظایف و جداسازی فعالیت‌های تولید، انتقال و توزیع (فعالیت‌های اصلی صنعت برق) مورد نظر بود و همچنین جدا شدن فعالیت‌های جنبی از قبیل احداث و توسعه، ساخت تجهیزات، مشاوره فنی و مهندسی، خدمات موتوری، قرائت و توزیع قبوض برق، پشتیبانی خدمات و بازرگانی و ... بین سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۶ در قالب تشکیل شرکت‌های مستقل از قبیل توزیع نیروی برق، مدیریت تولید برق، شرکت‌های برق منطقه‌ای، سازمان توسعه برق ایران و ... به منظور شفاف‌سازی بخش‌های مختلف برای مستندسازی امور مالی، جداسازی دارایی‌ها و ایجاد آمادگی در مسیر واگذاری به بخش خصوصی در دستور کار قرار گرفت.

در مرحله دوم انتخاب نیروگاه‌ها و شرکت‌های توزیع قابل واگذاری و معرفی آن‌ها به سازمان خصوصی‌سازی برای ارزیابی و قیمت‌گذاری طی سال‌های ۱۳۸۷ تا کنون صورت گرفته است.

واگذاری بالغ بر ۲۰ نیروگاه هم تا به حال در ادامه این روند انجام شده که بیش از نیمی از آنها در قالب رد دیون بوده است. اما در ادامه شاهد به نتیجه‌نرسیدن فرایند واگذاری شرکت‌های توزیع نیروی برق به دلیل پیچیدگی شرایط آن‌ها و نگرانی صنعت برق برای مشکلات پس از واگذاری

اساساً موضوع تجدید ساختار در صنعت برق با چه هدفی صورت گرفت و چه برداشتی از آن مورد نظر بود؟

اگر از تجدید ساختار و جداسازی بخش‌های مختلف صنعت برق در قالب شرکت‌های سهامی خاص مستقل در اوایل دهه هفتاد شمسی که در حقیقت آماده‌سازی بدنه صنعت برق برای ورود به فرایند خصوصی‌سازی بود بگذریم، اهداف فعالیت‌های انجام شده پس از ابلاغ سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی را می‌توان فهرستوار به این صورت بیان کرد:

اول؛ تجدید ارزیابی و قیمت‌گذاری نزدیک به واقعیت سرمایه‌گذاری‌های صنعت برق در جریان مزایده‌ها

دوم؛ به‌دست‌آوردن قیمت تمام‌شده واقعی هر کیلووات‌ساعت تولید برق نیروگاه‌ها سوم؛ شفاف‌سازی سرمایه‌گذاری‌های صنعت برق و همچنین قیمت تمام‌شده تولید برق برای مراجع تصمیم‌گیری در دولت و مجلس و نهادها و سازمان‌های نظارتی به‌منظور توجیه آنها برای پذیرش برق به عنوان یک کالای اقتصادی، همانند سایر کالاهای تولیدی فعالیت‌های خدماتی چهارم؛ زمینه‌سازی و آماده‌کردن دولت و وزارت نیرو برای خروج از بنگاهداری و تصدی‌گری و در مقابل ایجاد انگیزه برای بخش خصوصی به‌منظور ورود در فعالیت‌های تولید و توزیع برق پنجم؛ واقعی‌شدن قیمت برق برای مشترکین و مصرف‌کنندگان به‌منظور ایجاد انگیزه برای بهینه‌سازی و مدیریت مصرف برق و در نهایت جلوگیری از سرمایه‌گذاری‌های غیر ضرور و هدررفت منابع مالی در این صنعت مهم و زیربنایی.

به روند طی شده برای تجدید ساختار صنعت برق در مقدمه اشاره داشتید، به طور مدون این روند چه مراحل داشته و آیا از نظر شما به اهداف تعیین شده خود دست یافته است؟ بخش عمده پاسخ به این سوال را در مقدمه عرض کردم. در عین حال مواردی را در ادامه دسته‌بندی می‌کنم:

۲۰۰۷ بالغ بر ۵۵ درصد تولید در دست بخش خصوصی بود که ۱۵ درصد از آن توسط مولدین محلی و مقیاس کوچک تولید می‌شد، دولت آنکارا در سال ۲۰۱۰ و در راستای کاهش تصدی‌گری دولت در ترکیه، از محل واگذاری ۱۸ منطقه توزیع برق به بخش خصوصی توانست نزدیک به ۱۶ میلیارد دلار درآمد کسب کند. اداره خصوصی‌سازی ترکیه ۱۸ منطقه توزیع برق این کشور را از طریق برگزاری مزایده به بخش خصوصی واگذار کرد. بدین ترتیب توزیع بیش از ۹۶ درصد برق مصرفی در ترکیه به بخش خصوصی واگذار شد. برق منطقه آسیایی استانبول به ارزش یک میلیارد و ۸۱۳ میلیون دلار به شرکت MMEK واگذار شد که بیشترین نرخ را در مزایده پیشنهاد کرده بود شرکت متعلق به «محمد امین کارا محمد» بنیانگذار شرکت عظیم ترکسل و گروه صنعتی و تجاری بزرگ چوکوروا و شریک وی «محمد کازانچی» است. شبکه برق اروپایی استانبول و شهرهای از میر و مانيسا در غرب این کشور در مزایده‌ای به ارزش پنج میلیارد دلار به بخش خصوصی واگذار شد. «بوغا زاپچی الکتریک» به عنوان بزرگترین منطقه توزیع ترکیه در مزایده‌ای به یک شرکت ترکیه‌ای واگذار شد که با پیشنهاد دو میلیارد و ۹۹۹ میلیون دلار توانست برنده این مزایده شود. «هولدینگ بلدیزلار اس‌اس‌اس» نیز در قبال دو میلیارد و ۷۵ میلیون دلار توزیع برق توروس که شامل استان‌های آدان، غازی انتب، حاتای، کلیس، مرسین، عثمانیه، و منطقه اکدنیز که شامل استان‌های آنتالیا، بوردور اسپارتا است را عهده‌دار شد. شرکت‌های برنده شده در مزایده تا سال ۲۰۳۶ میلادی توزیع برق ترکیه در مناطق یاد شده را عهده‌دار خواهند شد. در سایه این خصوصی‌سازی دوران حاکمیت دولت بر توزیع برق به پایان خواهد رسید.

موضوع مهم این است که حتی در کشور ترکیه هم ساختار اقتصادی بخش خصوصی پیشینه خیلی بیشتری نسبت به ایران دارد و قیمت بسیاری از کالاها از جمله سوخت و برق نزدیک به قیمت واقعی است و برای مردم آن کشور به عنوان یک کالای اقتصادی (و نه یک خدمت دولتی) از مدت‌ها قبل جافتاده است.

«تانر بلدیز» وزیر انرژی ترکیه اشاره کرد این واگذاری به مفهوم فروش دارایی نیست و ترکیه فقط ارائه خدمت توزیع را از بخش دولتی گرفته و به بخش خصوصی واگذار می‌کند. موضوع مهم این است که حتی در کشور ترکیه هم ساختار اقتصادی بخش خصوصی پیشینه خیلی بیشتری نسبت به ایران دارد و قیمت بسیاری از کالاها از جمله سوخت و برق نزدیک به قیمت واقعی است و برای مردم آن کشور به عنوان یک کالای اقتصادی (و نه یک خدمت دولتی) از مدت‌ها قبل جافتاده است.

اگر آنچه تاکنون در زمینه تجدید ساختار صنعت برق انجام شده کاملاً مطلوب نبوده است، چه توصیه‌ای برای اقدامات بعدی در این خصوص دارید؟

با وجود گذشت دو دهه از خصوصی‌سازی صنعت برق (آن هم در بخش تولید) قطعاً به اعتراف کارشناسان اقتصادی و دست‌اندرکاران این صنعت نتیجه مطلوب حاصل نشده است و مواردی که در ادامه بیان می‌کنم در این خصوص قابل بررسی و شایان رسیدگی است:

به دلیل رقابت‌های غیر منطقی (بخش دولتی، خصولتی و شبه دولتی با بخش

خصوصی) و وجود بازارهای تصنعی (بورس انرژی و قراردادهای دوجانبه) و ... متأسفانه شفافیتی در قیمت تمام‌شده برق وجود نداشته و به دلیل آدرس‌ها و گراهای غلطی که داده می‌شود و قیمت‌های غیر واقعی که در برخی مراجع از جمله بورس انرژی ثبت می‌شود نهادهای تصمیم‌گیر از جمله مجلس، سازمان برنامه و بودجه و سازمان حسابرسی و ... نه تنها به قیمت واقعی برق اشراف ندارند بلکه به اهرم‌های فشاری برای مقابله با پیشنهادهای نرخ و تعرفه وزارت نیرو هم دسترسی پیدا کرده‌اند. باتوجه به فاصله زیاد قیمت تمام‌شده واقعی برق با قیمت‌های تکلیفی و اضافه‌شدن برخی ردیف‌ها در هزینه‌های تمام‌شده برق برای بخش خصوصی (از جمله هزینه استهلاک واقعی، حاشیه سود متعارف، هزینه‌های مالی متاثر از وام‌های بانکی به دلیل عدم دریافت به موقع نقدینگی برق فروخته‌شده و ...) عملاً قیمت برق تولیدی برای صنعت برق نسبت به قبل از خصوصی‌سازی افزایش یافته است و چون به بخش خصوصی پرداخت نمی‌شود عملاً این بخش خصوصی است که جور این افزایش هزینه‌ها را متحمل می‌شود. اما از آنجا که بخش خصوصی واقعی در بین مالکین نیروگاه‌ها سهم کمتری داشته و اکثر مدیران متعهدی در زمره تصمیم‌گیران بخش تولید برق خصوصی هستند، لذا باتوجه به شرایط اقتصادی کشور مدارا می‌کنند. البته تا چه زمان ادامه چنین وضعی امکان‌پذیر است مشخص نیست و شاید بتوان گفت قطعاً به بن‌بست می‌رسد. به عنوان راهکار اصلی تا موقعی که در بخش مصرف و مشترکین برق، خصوصی‌سازی صورت نپذیرفته و کماکان از وزارت نیرو توقع داشته باشند برق کشور و مصارف مشترکین را به عنوان یک خدمت عمومی انجام داده و متولی پیاده‌سازی عدالت اجتماعی در کشور باشد، ادامه روند خصوصی‌سازی به این نحو به جز

تا موقعی که در بخش مصرف و مشترکین برق، خصوصی سازی صورت نپذیرفته و کماکان از وزارت نیرو توقع داشته باشند و متولی پیاده سازی عدالت اجتماعی در کشور باشد، ادامه روند خصوصی سازی به این نحو به جز تلبار شدن مشکلات صنعت برق حاصلی در بر نخواهد داشت.

و انجام بسیاری از اقدامات اولیه و ایجاد زیرساخت‌هایی بود و تمهیدات بسیاری را طلب می‌کرد که متاسفانه انجام نشده بود. بدنه مدیریتی وزارت نیرو و صنعت برق هم برای انجام این تغییرات جدی آمادگی نداشت و همان مقاومتی که معمولاً در مقابل تغییرات هست در این زمینه هم بود؛ اما با توجه به اینکه این موضوع حالت دستوری و حکم حکومتی داشت، مخالفت‌ها به صورت شفاف بروز داده نمی‌شد. الان هم بخش تولید متعلق به بخش خصوصی برای صنعت برق، به نسبت نیروگاه‌های دولتی نقدینگی بیشتری را طلب می‌کند و طبیعی هم هست. در نتیجه دولتی‌ها علاقمند هستند با همان قیمت‌های غیر شفاف و غیر واقعی برق تولید کرده و گرفتار پاسخگویی به مطالبات فراوان بخش خصوصی تولید نشوند.

تا موقعی که خصوصی سازی در بخش فروش و مشترکین انجام نشده و مشترکین قیمت تمام شده برق را پرداخت نکنند این وضعیت ادامه دارد، لکن مسیری را که صنعت برق در زمینه خصوصی سازی نیروگاه‌ها پیموده، قابل برگشت نیست و برگشت از راه طی شده هم نه تنها به صلاح اقتصاد کشور نخواهد بود، بلکه ضرورت دارد با ریشه یابی و رسیدن به راه‌های برون رفت از اقتصاد نامطلوب برق این مسیر با منطق بهتری ادامه یابد و به سرمنزل مقصود برسد. ■

سال از تشکیل آن‌ها در هنگام واگذاری، آمادگی زیادی به لحاظ عملکرد مالی، ساختار سازمانی و وظایف راهبردی، ارتباطات درون سازمانی با صنعت برق و امور اجتماعی و ... پیدا کرده بودند و آماده کردن آنها برای معرفی به سازمان خصوصی سازی برای طی فرایند واگذاری در کمترین زمان ممکن انجام می‌شده و می‌شود. در اوایل دهه هفتاد بحث خصوصی سازی در کشور خیلی پررنگ شده بود. تجدید ساختار صنعت برق هم براساس نگرش بلندمدت و طی فرایند خصوصی سازی صورت پذیرفت و ضرورت داشت.

آنچه مسلم است اگر خصوصی سازی در مسیر و محمل طبیعی، با انجام مطالعات لازم و ایجاد زیرساخت‌های ضروری و آمادگی ذهنی بخش‌های مختلف جامعه و ذی‌نفعان انجام شود، قطعاً تنها راه برون رفت از مشکلات اقتصادی است. لکن تصمیمات عجولانه، عدم باور به اجرای فرایندهای پیش‌بینی شده، اصرار بر حفظ وضع موجود توسط متولیان و مدیران مجری کار و عدم اعتقاد به اینکه بخش خصوصی می‌تواند بهتر کار کند، باعث شده امر خصوصی سازی با مشکلات فراوانی روبه‌رو شود.

در شرایط فعلی به نظر می‌رسد وزارت نیرو از واگذاری بخش تولید به بخش خصوصی ناراضی است و در عین حال سرمایه‌گذاران غیر دولتی هم که برای احداث نیروگاه اقدام کرده‌اند ناراضی هستند، از نظر شما علت این نارضایتی‌ها چیست و کجای کار اشکال دارد؟

همان گونه که در مباحث قبلی عرض کردم خصوصی سازی در کشور، از جمله در وزارت نیرو و مشخصاً واگذاری نیروگاه‌ها به بخش خصوصی زمانی انجام شد که اقتصاد کشور نه تنها در این بخش‌ها کاملاً دولتی بود، بلکه در کمیته‌هایی برای محصولات مختلف از جمله شیر و ماست و حتی دوغ را قیمت گذاری می‌کردند. با این اوصاف انجام کار مستلزم پیش‌بینی

تلبار شدن مشکلات صنعت برق حاصلی در بر نخواهد داشت.

اکنون پس از قریب ۲۰ سال از نظر حضرت‌عالی ارزیابی نتایج و نقد و بررسی تجدید ساختار صنعت برق چه میزان ضرورت دارد و این مهم باید با چه هدف و سازوکاری صورت گیرد؟ به صورت قطع و یقین با گذشت ۲۰ سال از انجام طرحی با این وسعت، ضرورت داشته و دارد تا طرح و پروژه‌های برای نقد و بررسی و آسیب‌شناسی کارهای انجام شده تعریف و با تدوین مفروضات و اهدافی که مد نظر صنعت برق و وزارت نیرو بوده است، نتایج حاصل مورد ارزیابی و راستی‌آزمایی قرار گیرد.

اهدافی که اینجانب برای این طرح پژوهشی متصور هستم را در پاسخ سوال اول در ۵ مورد مطرح کردم و قطعاً مفروضات و اهداف آن می‌تواند بیشتر از این موارد باشد که اگر طرحی آماده پژوهش و تحقیقات شد قابل مطالعه بیشتر و همکاری خبرگان صنعت برق خواهد بود.

از نظر شما تجدید ساختار صنعت برق طی سال‌های اجرایی شدن آن آیا به خصوصی سازی در این صنعت کمک کرده و یا باعث افزوده شدن هزینه‌های جدیدی در آن شده است؟ اساساً از دیدگاه حضرت‌عالی خصوصی سازی در فرایند تجدید ساختار صنعت برق ایران چه میزان ضروری محسوب می‌شد و آیا تا کنون اهداف مورد نظر از آن محقق شده است؟ تفکیک وظایف بخش‌های اصلی صنعت برق و سازماندهی آن‌ها در شرکت‌های برق منطقه‌ای، مدیریت تولید برق و شرکت‌های توزیع در اوایل دهه هفتاد (۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴) به لحاظ جداسازی تاسیسات، شفاف سازی حوزه کاری هر بخش و مدیریت مجزا به صورت شرکت‌های سهامی خاص، برای بخش‌های قابل واگذاری (تولید و توزیع) از نظر ایجاد آمادگی برای خصوصی سازی نقش زیادی داشت و شرکت‌ها پس از گذشت بیش از ۱۵



روابط عمومی شرکت توانیر

لزوم شتاب‌دهی به خصوصی سازی نیروگاه‌ها

بخش خصوصی ماهیتا با تابع هدف بهینه‌کردن سود و با نگاهی به تامین منافع کوتاه‌مدت و بلندمدت سرمایه‌گذاران فعالیت می‌کند. به این ترتیب افزایش بهره‌وری مستقل از مالکیت در دستور کار کلیه بازیگران صنعت برق می‌تواند قرار گیرد.

در واقع تجدید ساختار به معنای تفکیک حوزه‌های سه‌گانه صنعت برق، افزایش مشارکت بخش خصوصی در بسیاری از نقش‌های کلیدی صنعت، پیدایش انواع سازوکارهای بازرگانی برق و ایجاد انواع نهادهای سرمایه‌گذاری، مالی، بازرگانی و تولید، انتقال و توزیع در ایران با موفقیت انجام شده است.

به همین دلیل با توجه به وضعیت مطلوب برق‌رسانی در داخل مرزهای کشور و همین‌طور ظرفیت‌سازی ایجاد شده در بخش فنی و مهندسی برق که قابل رقابت در عرصه جهانی هستند، می‌توان به معنای جهت‌یافتگی صحیح وزارت نیرو در پیشبرد امور دانست. هر گونه ساختاری در این صنعت، به دلیل ماهیت فیزیکی و شبکه‌های برق، باید در جهت تحقق مأموریت برق‌رسانی باشد. در واقع بازیگران حاضر در صنعت برق زمانی به اهداف مطلوب خود خواهند رسید که نیروی انسانی توانمند و باانگیزه، با سرمایه‌گذاری‌های کافی و به‌موقع، زیرساختی توانمند و آماده خدمت‌رسانی را در بازه‌های زمانی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت تامین کنند.

این همسویی فنی، نهادی و مالی و تعهد به ایفای نقش سازنده و هم‌افزا است که در هر ساختاری می‌تواند منجر به توسعه مستمر و موثر صنعت برق شود.

در حال حاضر تقریباً ۶۰ درصد ظرفیت تولید مقیاس بزرگ و تمام ظرفیت تولید مقیاس کوچک توسط بخش خصوصی ایجاد شده است. این روند، پیشرفت بسیار مناسبی را نشان می‌دهد. اما باید تاکید داشت که در ادامه راه و با استفاده از تجارب سال‌های اخیر و زمینه‌سازی‌های قانونی برای واگذاری ظرفیت باقی‌مانده و البته روند احداث نیروگاه‌های جدید توسط بخش خصوصی، این سهم افزایش خواهد یافت. بدیهی است که توانمندی‌های فنی، مالی و اجرایی بخش خصوصی می‌تواند به این روند شتاب بخشد. ■

سال‌ها است که از طرح موضوع تجدید ساختار صنعت برق گذشته اما همچنان پرسش‌هایی در این خصوص مطرح می‌شود که از چرایی و چگونگی اجرای طرح نشأت می‌گیرد.

به طور کلی موضوع تجدید ساختار در صنعت برق به معنای تبدیل ساختار عمودی شرکت‌های برق است. در این خصوص قرار است این شرکت‌ها که کل زنجیره برق‌رسانی شامل تولید، انتقال و توزیع برق را شامل می‌شدند، به شرکت‌هایی که به صورت تخصصی در هر کدام از این بخش‌های سه‌گانه فعالیت دارند، تبدیل شوند.

البته تجدید ساختار در همه کشورهایی که آن را انتخاب کرده‌اند، نسخه واحدی ندارد و حتی بسیاری از کشورها از جمله برخی کشورهای توسعه‌یافته به سراغ این تغییر ساختار نرفته‌اند.

در ایران اما، این موضوع از دهه ۷۰ آغاز شده است و تا کنون منجر به تفکیک تخصصی زنجیره برق‌رسانی شامل ایفای نقش شرکت‌های تولید برق در عرصه تولید، شرکت‌های برق منطقه‌ای در عرصه انتقال و شرکت‌های توزیع نیروی برق در حوزه توزیع و شرکت مدیریت شبکه برق ایران در نقش بهره‌بردار سیستم قدرت ایران شده است.

بر اساس قوانین و مقررات موجود، مالکیت شرکت‌های برق منطقه‌ای و مدیریت شبکه برق ایران کاملاً دولتی و شرکت‌های تولید و توزیع ترکیبی از مالکیت‌های خصوصی و غیر دولتی و دولتی است. به این ترتیب و براساس برنامه تدوین‌شده در تجدید ساختار که منجر به این گسست و تفکیک شد، ورود و مشارکت بخش خصوصی در بخش‌هایی که پیشتر به علت یکپارچگی، در توان فنی و مالی آن نبود، میسر می‌شود.

یکی از اهداف تجدید ساختار افزایش بهره‌وری است، اما رویکردهای بخش دولتی و خصوصی در این باره باهم متفاوت است و هر کدام در عین متعهد بودن به مأموریت ذاتی آن‌ها در زمینه تولید یا تامین برق، با نگاهی متفاوت به موضوع می‌نگرند. بخش دولتی صنعت برق با هدف بهینه‌کردن هزینه برای انجام وظایف با نگاهی دوراندیشانه نسبت به زیرساخت‌های برق‌رسانی می‌نگرد و



گفت‌وگو با محمد جعفری، مدیرعامل شرکت تولید و مدیریت نیروگاه زاگرس کوثر

کمبود نقدینگی صنعت برق؛

مشکلی بدون تاریخ انقضا

صنعت برق ایران سال‌هاست که با مشکلات و معضلات ناشی از اقتصاد ناتراز دست به‌گریبان است و در شرایط سختی به سر می‌برد. به طوری که تولیدکنندگان بخش خصوصی تولید برق به آینده فعالیت نیروگاه‌های خود خوش‌بین نیستند و این نگرانی نه تنها تولیدکنندگان برق، بلکه منافع ملی را هم تهدید می‌کند. برق یکی از شاخص‌های اصلی توسعه پایدار است و همه صنایع برای تداوم فعالیت خود به این انرژی نیاز دارند. در گفت‌وگو با محمد جعفری مدیرعامل شرکت تولید و مدیریت نیروگاه زاگرس کوثر، چالش‌های اصلی نیروگاه‌ها را بررسی کرده و راهکارهای پیشنهادی را جویا شده‌ایم.

حق اشتراک به دست می‌آید. درآمد صنعت برق باید بین سه حوزه تولید، انتقال و توزیع برق که بخش خصوصی هم در آن فعالیت دارد، تقسیم شود. اما حال، سوال اینجاست که از این ۲۵ هزار میلیارد تومان درآمد، چه میزان به بخش خصوصی تولیدکنندگان برق تعلق خواهد گرفت که بیش از ۵۰ درصد برق کشور را تولید می‌کنند؟ متأسفانه امروز پرداخت مطالبات نیروگاه‌ها به صورت ماهیانه از سوی مدیریت شبکه برق انجام می‌شود که کل رقم آن در سال به کمتر از ۱۵ درصد کل مطالبات آن‌ها می‌رسد و حتی کفاف هزینه‌های جاری نیروگاه‌ها را هم نمی‌دهد.

نیروگاه زاگرس کوثر امروز با چه چالش‌هایی مواجه است، به نظر شما این مشکلات از کجا نشات می‌گیرد؟

یکی از چالش‌های اصلی ما موضوع مطالبات است که سالانه، رقم آن بیشتر می‌شود. مطالبات نیروگاه زاگرس تا اواسط سال ۹۴ مبلغ ۲۴۰ میلیارد تومان بود، رقم این مطالبات در انتهای سال ۹۴ به ۲۸۰ میلیارد تومان افزایش یافت. این نیروگاه در سال ۹۵، ۳۲۰ میلیارد تومان و در سال ۹۶، ۴۴۰ میلیارد تومان از مدیریت شبکه برق و در واقع وزارت نیرو طلب داشته است. در سال ۹۷ از ظرفیت تهاتر برای پرداخت بدهی‌های نیروگاه به بانک استفاده شد لذا رقم طلب افزایش پیدا نکرد. امروز رقم مطالبات ما به بیش از ۵۰۰ میلیارد تومان می‌رسد، این طلب در حالی به صورت سالانه افزایش یافته که به عدد ریالی آن هیچ سود و جریمه تاخیری افزوده نشده است.

نیروگاه‌ها برق خود را به دولت می‌فروشند، در واقع مجبورند که به دولت بفروشند و پول آن را باید از دولت دریافت کنند. امروز درآمد صنعت برق رقمی حدود ۲۵ هزار میلیارد تومان است که ۲۰ هزار میلیارد تومان آن از محل قبوض برق و ۵ هزار میلیارد تومان هم از محل

جاری و تامین قطعات نیروگاه‌های ما نیز مشهود است، اما قیمت برق ثابت بوده و درآمد نیروگاه‌ها افزایشی پیدا نکرده است. آیا با این اوصاف صنعت برق توانایی سر پا ماندن دارد؟ اصلاً چگونه می‌توانیم انتظار داشته باشیم که سرپا بماند. بخش خصوصی صنعت برق علیرغم سرمایه‌گذاری عظیم و ظرفیت بالایی که برای تولید برق دارد، امروز هیچ آورده‌ای ندارد. این مشکلات انگیزه سرمایه‌گذاری در این بخش را از بین برده و هیچ توجیه اقتصادی برای سرمایه‌گذاری در حوزه تولید برق برای سرمایه‌گذاران وجود ندارد.

آیا با ارقام دقیق می‌توان گفت که کمبود نقدینگی در صنعت برق تا امروز چه مشکلاتی برای پایداری در صنعت برق ایجاد کرده و در آینده وضعیت این صنعت چگونه خواهد بود؟

نیروگاه زاگرس کوثر با داشتن چهار واحد با ظرفیت اسمی ۱۶۲ مگاوات، در مجموع ۶۴۸ مگاوات ظرفیت دارد، کار اورهال یک واحد انجام شده اما تعمیرات سه واحد دیگر هنوز انجام نشده است. اگر این تعمیرات صورت نگیرد، نمی‌توان برای پیک تابستان روی ظرفیت این واحدها حساب باز کرد. با در نظر گرفتن کل نیروگاه‌های کشور، هر ساله ۲۵ درصد ظرفیت نیروگاه‌ها باید اورهال شود. برای هر واحد تقریباً به ۴۵ روز زمان و هزینه قابل توجهی نیاز است، لذا اگر منابع لازم برای تعمیرات این نیروگاه‌ها تامین نشود، عملاً در هر سال ۲۵ درصد ظرفیت نیروگاه‌ها با مشکل مواجه خواهند شد. البته در دو سه سال اخیر به لطف بارندگی‌ها، نیروگاه‌های برق‌آبی کمک بزرگی کردند و خاموشی‌چندانی نداشتیم. اما باید به این مساله فکر کنیم که اگر در سال‌های پیش رو با کمبود بارش مواجه شویم، تکلیف خاموشی‌ها چه خواهد شد.

بهبود چرخه درآمد و هزینه‌های برق مستلزم ایجاد چه تغییراتی در ساختار اقتصادی این صنعت است؟

امروز متوسط قیمت برقی که وزارت نیرو از تولیدکنندگان خریداری می‌کند، ۶۰ الی ۷۰ تومان است که عدد ناچیزی است. طبق قانون هر کالایی باید با افزودن درصد سودی به قیمت تمام‌شده به فروش برسد. این قانون در مورد برق وجود ندارد، لذا بایستی یارانه به آن تعلق بگیرد و یا در بازار رقابتی به فروش برسد. در بخش یارانه که خود وزارت نیرو هم از سازمان هدفمندی طلبکار است و به نیروگاه‌ها پرداخت نمی‌شود، لذا دردی از این صنعت دوا نشده و روزبه‌روز وضعیت بغرنج‌تر می‌شود. در مورد بازار رقابتی هم شرایط تا حدودی مناسب است اما این کالا در بازار رقابتی عرضه نمی‌شود، البته اخیراً بر اساس مصوبه هیات وزیران، کلیه مشترکین صنعتی برق با مصرف بالای ۵ مگاوات موظف هستند، برق مورد نیاز خود

صنعت برق تنها صنعتی است که ظرف ۵ سال قیمت خرید کالای اصلی‌اش یعنی برق، هیچ تغییری نداشته است. قیمت فروش برق نسبت به بهای تمام شده آن بسیار پایین‌تر است و این شکاف قیمتی توسط دولت پر نمی‌شود. لذا نیروگاه‌داران همیشه از دولت طلب‌های سنگینی دارند.

درخواست ما این است که لاقبل بتوانیم پول برقی را که به وزارت نیرو فروخته‌ایم و در نهایت به مصرف‌کنندگان، صنعت، کشاورزی و بخش تجاری می‌رسد، دریافت کنیم. البته طبق قانون یارانه‌ای به برق تعلق می‌گیرد که وزارت نیرو باید آن را پرداخت کند، اما چون اغلب اوقات پرداختی‌ها به وزارت نیرو توسط دولت نیز، به صورت نقدی نیست، خود وزارت نیرو هم از دولت طلبکار است و در پرداخت بدهی نیروگاه‌ها به مشکل می‌خورد. طی همین روند وزارت نیرو امروز با انباشت بدهی‌ها مواجه شده و متأسفانه این صنعت، سال به سال ضعیف‌تر و بدهکارتر خواهد شد.

امروز که نیروگاه‌ها با معضل مطالبات روبه‌رو هستند، هزینه تامین قطعات و تعمیرات اساسی و دوره‌ای را از چه طریق می‌کنند؟ شما در نیروگاه زاگرس کوثر برای اورهال واحدهای خود چه برنامه‌ریزی کرده‌اید؟

در سال‌های گذشته، از ابزارهایی مانند تهاتر و اوراق خزانه اسلامی در صنعت برق استفاده می‌شد، اما امروز این ابزارها در دست نیست. شرایط موجود نیروگاه‌ها را حتی در تامین نقدینگی و هزینه‌های جاری با مشکل مواجه کرده است چه برسد به هزینه‌های تعمیرات و اورهال. نیروگاه‌ها باید با هر ۳۳۰۰۰ ساعت کارکرد تقریباً چهار سال یکبار اورهال شوند، در غیر این صورت ادامه فعالیت آن‌ها، پرریسک خواهد بود و ممکن است برای کل سیستم اتفاق ناخوشایندی به بار آورد.

نیروگاه زاگرس ۴ واحد گازی دارد که امسال همه این واحدها باید اورهال شوند. تعمیرات یک واحد قبل از پیک تابستان انجام شده و اورهال سه واحد باقیمانده نیز باید تا پایان سال به اتمام برسد. تمام دغدغه امروز ما تامین هزینه‌های اورهال و قطعات این سه واحد است. اگر نتوانیم نقدینگی لازم برای تعمیر واحدها را تامین کنیم، قادر به میزان تولید درخواستی نخواهیم بود که در صورت عدم تولید به میزان خواسته‌شده و یا خروج واحد، جریمه می‌شویم. جالب است که از یک سو به خاطر کمبود نقدینگی ناشی از عدم دریافت طلب خود توان تعمیر نیروگاه را از دست می‌دهیم و از سوی دیگر به علت عدم توانایی مالی در تامین قطعات اورهال، جریمه می‌شویم.

طبق گزارش‌های بانک مرکزی و مرکز آمار و توجه به نرخ تورم در کشور، می‌توان مشاهده کرد که بسیاری از کالاها در سال‌های اخیر افزایش قیمت ۵۰ درصدی داشته است و این افزایش در هزینه‌های

برق که عدد قابل توجهی بود در قالب تهاتر تسویه شد. اما علاوه بر این ابزار، روش‌های دیگری هم وجود دارد. طبق گزارش‌های وزارت نیرو ضریب بهره‌برداری نیروگاه‌های کشور ۵۱ درصد است، با این حساب ۴۹ درصد از ظرفیت نیروگاهی بلااستفاده مانده و تولیدی صورت نمی‌گیرد. لذا یکی از راه‌های کسب درآمد استفاده از این ظرفیت است. برق کالایی است که قابلیت ذخیره‌سازی ندارد و یا ذخیره آن هزینه بالایی می‌طلبد. تولید برق متناسب با میزان مصرف است و با توجه به ساعات مختلف روز و فصل، حالت سینوسی دارد. با توجه به این حالت اگر وزارت نیرو به بخش خصوصی اجازه دهد از این ظرفیت مسکوت در تولید بیت‌کوین و رمزارزها (نوعی صادرات برق) استفاده کند، درآمد ارزی خواهد داشت و بخشی از مشکلات مالی صنعت برق را حل خواهد کرد. در این مورد یا خود نیروگاه‌ها اقدام به تولید رمزارز می‌کنند و یا برق را با قیمت ۳۰۰ تا ۵۰۰ تومان در جهت تولید رمزارز به فروش می‌رسانند که در هر دو حالت درآمد خوبی حاصل می‌شود و هزینه اورهال و قطعات مورد نیاز تامین خواهد شد.

صنعت برق تنها صنعتی است که ظرف ۵ سال قیمت خرید کالای اصلی‌اش یعنی برق، هیچ تغییری نداشته است. قیمت فروش برق نسبت به بهای تمام شده آن بسیار پایین‌تر است و این شکاف قیمتی توسط دولت پر نمی‌شود. لذا نیروگاه‌داران همیشه از دولت طلب‌های سنگینی دارند.

طبق قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، ماموریت طرح‌های بیع متقابل، احداث بخش بخار نیروگاه سیکل ترکیبی از محل منابع حاصل از صرفه‌جویی سوخت است. براین اساس، احداث بخش بخار نیروگاه (تبدیل واحدهای گازی به سیکل ترکیبی) طی قرارداد بیع متقابل و با مکانیزم بازگشت سرمایه آن از محل صرفه‌جویی سوخت خواهد بود. نیروگاه زاگرس کوثر چندین سال است که دنبال عقد چنین قراردادی است اما این امر محقق نشده است. اگر این قراردادها منعقد شوند، ۷۵۰۰ مگاوات جدید از ۱۵ هزار مگاوات ظرفیت نیروگاه‌های گازی قابل تبدیل به نیروگاه سیکل ترکیبی، ایجاد خواهد شد که در سوخت صرفه‌جویی خواهد شد، هم راندمان بالا خواهد رفت و هم آسیب کمتری به محیط زیست وارد خواهد شد. امیدواریم وزارت نیرو در این زمینه همکاری لازم را با نیروگاه‌ها داشته باشد تا از شدت مشکلات صنعت برق کاسته شود و این صنعت بتواند در زمینه توسعه و پیشرفت کشور فعالیت کند. ■

را از طریق قراردادهای دوجانبه و یا سایر روش‌های متداول در بورس انرژی تامین کنند. اگر چرخه منابع در حوزه نیروگاهی با روال موجود پیش رود، نیروگاه‌ها به تعطیلی کشیده خواهند شد. اگر وزارت نیرو بدهی نیروگاه‌ها را به نسبت فروش آن‌ها پرداخت می‌کرد، شرایط خیلی وخیم نبود اما در واقع پرداخت وزارت نیرو به نیروگاه‌ها فرمول یکسانی ندارد. برخی نیروگاه‌ها پول کمتری دریافت می‌کنند و برخی بیشتر. نیروگاه زاگرس با ظرفیت اسمی ۶۴۸ مگاوات که در برابر ظرفیت کلی نیروگاه‌ها که ۸۳ هزار مگاوات است، با ۷ دهم درصد ظرفیت بیش از ۵۰۰ میلیارد تومان طلب دارد، با این حساب اگر همه نیروگاه‌ها به یک نسبت طلب داشته باشند، باید کل طلب صنعت برق بیش از ۷۰ هزار میلیارد تومان باشد.

مساله و ظرفیت بعدی که نیروگاه‌ها می‌توانند از آن بهره ببرند، بحث صادرات برق است. امروز ظرفیت‌های مناسبی در زمینه صادرات برق توسط بخش خصوصی وجود دارد اما چنین اجازه‌ای به این بخش داده نشده است. خود وزارت نیرو امروز بابت صادرات برق به عراق، یک میلیارد دلار (رقمی معادل ۲۰ هزار میلیارد تومان) از این کشور طلب دارد و چندین دور مذاکره در سطوح مختلف حتی در سطح وزرای دو کشور برای وصول مطالبات صورت گرفته است. در واقع دولت نه می‌تواند پول صادرات برق به کشورهای همسایه بگیرد، نه اجازه صادرات برق را به بخش خصوصی می‌دهد. برای رفع این مشکل باید اقدامات برنامه‌ریزی لازم صورت بگیرد. رقابتی کردن همه امور البته رقابت سالم و شفاف می‌تواند یکی از راهکارهای حل این مشکل باشد.

آیا در مسیر رقابتی کردن فروش برق، بین شرکت‌های بخش خصوصی و نیروگاه‌های دولتی تفاوتی وجود دارد؟

رقابت واقعی و سالم باید در بستری فراهم شود که شرایط همه برای ورود به این عرصه یکسان باشد. نیروگاه‌های دولتی و خصوصی امکان رقابت در یک بستر را ندارند چرا که هزینه‌های تمام‌شده آن‌ها با بخش خصوصی متفاوت است. بخش خصوصی ناگزیر است هزینه‌های مربوط به سرمایه‌گذاری اولیه، استهلاک و اورهال نیروگاه خود را محاسبه کند.

امروز صنعت برق به نوعی با بحران کمبود نقدینگی مواجه است، آیا در این وضعیت نمی‌توان از راهکارهای تهاتر و اوراق خزانة اسلامی استفاده کرد؟ راهکاری پیشنهادی شما برای برون رفت از این بحران چیست؟
تهاترهای بانکی در دوره‌ای اثرگذار بود و بخشی از بدهی‌های صنعت



مجید غمامی، عضو هیات‌مدیره و رییس کمیسیون مقررات و قراردادهای سندیکا و استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

گواهی ظرفیت؛

ظرفیتی برای تامین مالی یا فرصتی برای بهره‌کشی از نیروگاه‌ها؟

دستورالعمل، علاوه بر ارائه سازوکارهای خرید انرژی و امکان ارائه و فروش برق از سوی تمامی عرضه‌کنندگان در بازار عمده‌فروشی برق در فضای رقابتی، اعمال ضریب تعدیل هر ساله بر نرخ آمادگی نیروگاه‌ها و تسهیل تامین سوخت نیروگاه‌ها از سوی وزارت نفت، نکته جدیدی مشاهده می‌شود که سابقه‌ای در قوانین بالادستی ندارد مبنی بر اینکه در واقع شورای اقتصاد در مقام قانون‌گذار نهاد جدید «گواهی ظرفیت» را ایجاد کرده است؛ صرف‌نظر از اینکه شورای اقتصاد نهاد مقنن نیست و صرفاً صلاحیت مقررات‌گذاری در محدوده و چارچوب قانون را داراست، نهادی که با عنوان گواهی ظرفیت معرفی کرده است از حقیقت این ابزار تامین مالی دور افتاده است. گواهی ظرفیت حسب تعاریف بین‌المللی یک مکانیسم تعریف‌شده توسط دولت است و برای حصول اطمینان از تامین برق کافی حتی در صورت وجود بحران‌های طبیعی، طراحی شده است. بدین صورت که، این بازار ظرفیت در کنار بازار انرژی فعالیت داشته و متقاضیان بازار ظرفیت می‌توانند در مزایده‌ای که چهار سال قبل از موعد تحویل برق برگزار می‌شود، شرکت کنند. برندگان مزایده، طی یک قرارداد موظف به تحویل برق در ۴ سال بعد از انعقاد قرارداد می‌شوند. مشاهده می‌شود که در عرصه بین‌المللی، بازار ظرفیت سازوکاری متفاوت از آنچه در ایران به عنوان یک ابزار مالی ایجاد شده است، دارد.

بخش خصوصی همواره به عنوان یکی از ارکان اصلی تولید برق در سیاست‌گذاری‌های کلان و تصمیمات حوزه انرژی برق کشور بوده، اما کمتر مورد توجه قرار گرفته شده است. این در حالی است که یکی از اهداف تقنینی قانونگذار در این بخش، تکلیف دولت محترم به ایجاد زمینه‌های لازم انگیزشی و حل موانع و مشکلات موجود و بسترسازی مناسب برای ترغیب بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری در این صنعت است. از جمله احکام بالادستی برای ایجاد جذابیت لازم بمنظور سرمایه‌گذاری‌های جدید، وضع بند (و) ماده ۱۳۳ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه می‌باشد، که مقرر می‌دارد: «وزارت نیرو مکلف است در صورت نیاز با حفظ مسئولیت تامین برق، به منظور ترغیب سایر موسسات داخلی به تولید هر چه بیشتر نیروی برق از نیروگاه‌های خارج از مدیریت آن وزارتخانه، براساس دستورالعملی که به تایید شورای اقتصاد می‌رسد، نسبت به خرید برق این نیروگاه‌ها اقدام نماید.» پر واضح است که شأن و فلسفه وضع این مقرر به منظور ترغیب و تشویق بخش خصوصی به افزایش توان تولیدی برق بوده و لذا می‌بایست طرح‌های تشویقی در این خصوص توسط مرجع صالح تصویب و به اجرا درآید. در همین راستا، شورای اقتصاد در تاریخ ۱۳۹۱/۰۸/۲۹ دستورالعمل اجرایی بند (و) ماده ۱۳۳ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه را طی مصوبه شماره ۱۱۴۰۷۸ به پیشنهاد وزارت نیرو تصویب کرد. در این

همچنین، در دستورالعمل اجرایی بند (و) ماده ۱۳۳ صرفاً به ارائه تعریف ناقص گواهی ظرفیت و تعلق آن به وزارت نیرو در قراردادهای خرید تضمینی برق و ایجاد بازار آن اشاره شده است. که فضای مبهمی را درباره کارکرد اوراق گواهی ظرفیت و نقش آن در تأمین مالی برای احداث نیروگاه‌ها به وجود آورده است.

بر همین بنیاد، اوراق گواهی ظرفیت به منظور ایجاد اطمینان از ظرفیت برق کشور پس از تصویب شورای عالی بورس به عنوان یک ابزار نوین مالی ایجاد و بازار آن در سال ۱۳۹۸ راه‌اندازی شد.

در حقیقت گواهی ظرفیت سندی قابل مبادله است که با اجازه وزارت نیرو مبتنی بر ایجاد ظرفیت نیروگاهی جدید و قابل اتکا و یا کاهش قدرت قراردادی مشترکین موجود صادر می‌شود. نکته اینجاست که واگذاری اشتراک جدید و یا افزایش قدرت قراردادی مشترکین مستلزم ارائه میزان متناسبی از گواهی ظرفیت است.

بر اساس قوانین و مقررات مربوطه و دستورالعمل و بخشنامه‌های صادرشده از طرف وزارت نیرو، از ابتدای سال ۱۳۹۵، ۵ مگاوات یا مشترکان متقاضی افزایش قدرت قراردادی بالای ۵ مگاوات، می‌بایست متناسب با قدرت قراردادی خود نسبت به خرید بسته ظرفیت از بازار گواهی ظرفیت اقدام کرده و پس از آن می‌توانند انرژی مورد نیاز خود را از شبکه برق، بازار برق بورس انرژی ایران یا قراردادهای دوجانبه خریداری کنند.

قرار بود این ابزار مالی جدید به کارایی

فنی و اقتصادی در بخش سرمایه‌گذاری نیروگاهی، جلوگیری از ایجاد وقفه در ارائه ظرفیت مطمئن نیروگاهی متناسب با تقاضای ظرفیت در حال و آینده و همچنین ارائه چشم‌انداز مناسب به تصمیم‌گیران دولتی و سیاست‌گذاران جهت توسعه ظرفیت تولید برق کشور منجر شود.

به علاوه کمک به توجیه‌پذیری اقتصادی پروژه‌های نیروگاهی، حصول اطمینان از تناسب افزایش ظرفیت تولید برق با رشد مصرف در کشور و از بین بردن دغدغه‌های مشترکان برق از بهره‌مندی از برق مطمئن و پایدار در تمامی فصول سال نیز، از جمله اهدافی بود که برای این ابزار نوین مالی در حوزه نیروگاهی در نظر گرفته شده بود. اما نکته اینجاست که اوراق گواهی ظرفیت در عمل نه تنها زمینه را برای دستیابی به اهداف پیش بینی شده فراهم نکرد بلکه به فرصتی برای استثمار نیروگاه‌های غیر دولتی بدل شد. در حقیقت دستورالعمل‌های اجرایی متعددی که از سوی وزارت نیرو در خصوص لزوم، نحوه انتشار و معامله گواهی ظرفیت صادر شده، تعارضات فراوانی دارد که عمده آنها در کمیسیون مقررات و قراردادهای سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق احصاء و طی گزارشی به مسئولین ذی‌ربط ارائه شده است.

اولین و مهمترین مساله این است که وظیفه شورای عالی بورس تصویب ابزارهای مالی جدید است که بتواند وسیله‌ای برای کمک به بخش خصوصی و توسعه بازار داخلی باشد، بنابراین استفاده از این ابزارهای تأمین مالی باید جنبه اختیاری داشته باشد و نه تکلیفی. این در حالی است

که در دستورالعمل گواهی ظرفیت به‌عنوان یک ابزار مالی جدید، عدم خرید و ارائه آن مشمول جریمه و فسخ قرارداد انشعاب شده و بدیهی است که تکلیف استفاده‌کنندگان از این امتیاز به تهیه گواهی‌های مذکور با جنبه ترغیبی مورد نظر در بند (و) ماده ۱۳۳ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم و فلسفه ابزارهای تأمین مالی منافات دارد.

مساله دیگری که در این خصوص باید مد نظر قرار گیرد این است که چنانچه جنبه تکلیفی این ابزار مالی به نفع و صلاح رونق اقتصادی کشور هم باشد، می‌بایست توسط نهاد قانون‌گذار وضع شود. بند (و) ماده ۱۳۳ قانون برنامه پنجم توسعه اشاره‌ای به گواهی ظرفیت ندارد. مصوبه مورخ ۱۳۹۳/۰۶/۱۷ شورای عالی بورس نیز صرفاً به تعریف گواهی ظرفیت بسنده کرده و پس از آن نیز شورا هیچ دستورالعملی را در این خصوص تصویب نکرده است. شایان ذکر است، اصل تفکیک قوا به عنوان یکی از اصول مهم قانون اساسی، اقتضا دارد که اختیار قانون‌گذاری انحصاراً با قوه مقننه است، بنابراین در صورت نیاز به ایجاد چنین ابزاری به همراه الزامات مقرر، نهاد مذکور ابتدا باید در مجلس شورای اسلامی وضع و پس از تایید شورای نگهبان برای تولیدکنندگان برق الزامی شود.

همچنین ذکر این نکته ضروری است که بر اساس بند (ت) ماده ۴۸ قانون برنامه ششم توسعه، دولت مکلف به افزایش توان تولید برق تا ۲۵۰۰۰ مگاوات از طرق روش‌های متداول سرمایه‌گذاری و انعقاد قرارداد خرید تضمینی برق است. بر همین مبنا و به‌موجب تبصره شماره (۴)

الحاق شده به بند (۱) ماده (۷) دستورالعمل بند (و) ماده ۱۳۳ قانون برنامه پنجم توسعه طی مصوبه شماره ۳۹۴۵۵ مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۱۴ شورای اقتصاد، وزارت نیرو مجاز است در صورت تشخیص نیاز به برق در طول سال‌های باقیمانده برنامه پنجم توسعه با متقاضیان بخش غیر دولتی احداث نیروگاه، قرارداد تبدیل انرژی منعقد نماید. انعقاد این قراردادها به منزله واگذاری امتیاز گواهی ظرفیت نیروگاه به توانیر می‌باشد و از بابت واگذاری این امتیاز مبلغ جداگانه‌ای به سرمایه‌گذار پرداخت نمی‌شود. همین امر در ماده ۹ دستورالعمل تعیین نرخ خرید تضمینی برق، موضوع بند «ت» ماده (۴۸) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه، پیرو مصوبه شماره ۷۵۷۷۳۷ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۰ هیات وزیران در خصوص قراردادهای خرید تضمینی برق تکرار شده است مبنی بر این که عقد قرارداد خرید تضمینی برق به منزله واگذاری امتیاز گواهی ظرفیت نیروگاه به خریدار است.

نکته مهم دیگر این است که حتی در صورت رفع موانعی که در بندهای قبل به آن اشاره شد، با توجه به ابلاغ دستورالعمل انتشار گواهی ظرفیت در سال ۱۳۹۵، ایجاد تعهد برای قراردادهای برنامه چهارم و قراردادهای برنامه پنجم که قبل از سال ۹۵ به امضا رسیده‌اند، عادلانه و منطقی نیست. چرا که ایجاد تعهد اضافی برای مالک هزینه‌هایی را برای مالک در بر خواهد داشت که این هزینه‌ها در مدل اقتصادی طرح اولیه نیروگاه وجود نداشته‌اند و در صورتی که شرکت تولید نیروی برق حرارتی خواهان انتشار اوراق گواهی ظرفیت است می‌بایست هزینه آن را جبران کند.

اوراق گواهی ظرفیت در عمل نه تنها زمینه را برای دستیابی به اهداف پیش بینی شده فراهم نکرد بلکه به فرصتی برای استثمار نیروگاه‌های غیردولتی بدل شد. در حقیقت دستورالعمل‌های اجرایی متعددی که از سوی وزارت نیرو در خصوص لزوم، نحوه انتشار و معامله گواهی ظرفیت صادر شده، تعارضات فراوانی دارد

به علاوه در قراردادهای برنامه پنجم که پس از سال ۹۵ (تاریخ ابلاغ دستورالعمل انتشار گواهی ظرفیت) به امضا رسیده‌اند، فقط این نکته ذکر شده که گواهی ظرفیت نیروگاه متعلق به شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی است و صحبتی از تعهد جبران افت ظرفیت به میان نیامده است. مقررات ابلاغی در خصوص گواهی ظرفیت نیروگاه‌های احداث شده به معنی تغییر مدل سرمایه‌گذاری است، چرا که انتظار تأمین مادام‌العمر ظرفیت وجود دارد و مشخصات (محدودیت‌های) ذاتی نیروگاه به عنوان محصول فرآیند سرمایه‌گذاری به رسمیت شناخته نشده است. به بیان دیگر کاهش توان واحدها به عنوان یک مشخصه ذاتی که در تمام دنیا به رسمیت شناخته شده و در زمان سرمایه‌گذاری نیز مد نظر قرار می‌گیرد در چنین مدلی در صورت تحمیل شرایط، باید هزینه‌های مربوطه جبران شود.

امتیاز گواهی ظرفیت نیروگاه با انعقاد

قرارداد خرید تضمینی یا تبدیل انرژی، به توانیر یا خریدار (بر حسب مورد) منتقل می‌شود و در مقابل این انتقال نیز مبلغی به سرمایه‌گذار پرداخت نخواهد شد. در نتیجه، نیروگاه امتیاز صدور و انتشار گواهی ظرفیت نخواهد داشت و عملاً ارزش مالی آن نیز از سرمایه‌گذار سلب می‌شود. بنابراین ضروری است که مابه‌ازاء و نحوه جبران معادل آن به صورت نقد یا درج در نرخ و یا عودت حق تصرف، پیش‌بینی شود. ولی با وجود دستورالعمل‌ها و قراردادهای تیپ وزارت نیرو، حتی حقوق مسلم سرمایه‌گذاران در مالکیت اموال خود نیز به صورت رایگان سلب شده‌است.

در نهایت نباید این مساله را فراموش کرد که ابزار اوراق گواهی ظرفیت که با اتکا به قانونی که مربوط به تشویق و ترغیب سرمایه‌گذاران در بخش نیروگاهی پدید آمده است، با وجود سیاست‌های تدوین شده در وزارت نیرو به شکلی غیرقابل انکار برای سرمایه‌گذاران دافعه ایجاد کرده است. به‌ویژه آن که صاحبان نیروگاه‌های حرارتی را مکلف به تعیین ظرفیت ثابت، بدون در نظر گرفتن عمر مفید تجهیزات نیروگاهی کرده‌است.

نیروگاه‌های غیر دولتی در شرایط حاضر با مشکلات متعددی دست به‌گریبانند و مسأله گواهی ظرفیت به این مشکلات دامن زده است. آن هم در شرایطی که به سادگی و با اتکا به قوانین بالادستی موجود این مشکلات قابل حل و پی‌گیری است. لذا ضروری است که لزوم تعهد وزارت نیرو به قوانین و مقررات موجود و رفع ابهامات و نقصان‌های آن‌ها به عنوان یکی از مهمترین نیازهای توسعه به شکلی جدی مورد توجه قرار گیرد. ■



داستان تکراری

محدودیت سوخت نیروگاه‌ها در زمستان

گفت‌و‌گو با سید صادق نیکوسپهر، مدیر عامل شرکت تجارت انرژی فردا، عضو کمیسیون بازار برق و بورس انرژی سندیکا

مساله کمبود سوخت گاز نیروگاه‌ها در ماه‌های سرد سال به دلیل افزایش مصارف گرمایشی گاز طبیعی و سوزاندن سوخت‌های جایگزین، داستان مکرر و هرساله‌ای است که عموماً در رسانه‌ها با خوانشی یک‌سویه و کمتر بررسی‌شده، بر مصرف سوخت مازوت و آلایندگی بالای آن متمرکز می‌شود. در حالی که در این خصوص، موضوع اصلی، کمبود سوخت مورد ارائه به نیروگاه‌ها نسبت به مصرف آن‌ها برای تولید برقی است که علاوه بر مصارف معمول آن، خود یکی از ارکان گرمایش در بسیاری از منازل و اماکن هم هست.

علاوه بر این، ناگفته پیداست که محدودیت سوخت نیروگاه‌ها اساساً مناسبات و ضوابط معمول فروش و خرید برق تولیدی آن‌ها را هم تحت تاثیر قرار می‌دهد و در این تاثیر و تاثرات عملکرد وزارت نیرو و نهادهای وابسته آن به گونه‌ای بوده است که به شائبه مصادره به مطلوب شدن این شرایط توسط وزارت نیرو دامن می‌زند و مشخصاً نیازمند تبیین و شفاف‌سازی توسط نهادهای ذی‌ربط است.

بنابراین با توجه به اهمیت رسانه‌ای این موضوع طی هفته‌های جاری، آن را مفصلاً طی گفت‌و‌گو با سید صادق نیکوسپهر، مورد بحث و بررسی قرار داده‌ایم که در ادامه خواهید خواند:

و مسائل صنعت برق و مباحث فناورانه مصرف سوخت نیروگاه‌ها را مطرح می‌کنیم. در بخش بعدی از دید نیروگاه‌ها و نسبت آن‌ها با وزارت نیرو درباره سوخت آن‌ها صحبت می‌کنیم؛ چرا که موضوع تامین سوخت، صدر تا ذیل تولید برق را مورد تاثیر و تاثر قرار می‌دهد. بنابراین در این خصوص از سویی بررسی نسبت صنعت برق به خارج از آن و از سوی دیگر مناسبات درون صنعت برق، بین بخش خصوصی و وزارت نیرو در موضوع سوخت نیروگاه‌ها مطرح می‌شود. در ابتدا باید خاطر نشان کرد، ایران از جمله کشورهایی است که تامین برق آن عمدتاً از طریق نیروگاه‌های حرارتی صورت می‌گیرد و

نیروگاه‌های کشور در خصوص تامین سوخت طی ماه‌های سرد با چه چالش‌هایی مواجه‌اند و در صورت اتمام سهمیه آن‌ها از گاز طبیعی به عنوان سوخت اصلی، چه جایگزین‌هایی دارند؟ اصولاً آیا در نیروگاه‌ها ظرفیت و امکانات ذخیره‌سازی سوخت‌های جایگزین به میزان کافی وجود دارد؟

این مبحث از چند جنبه قابل بررسی است و برای پاسخ به آن، ابتدا از طرف صنعت برق در مقابل نهادهای بیرونی، از جمله تامین‌کنندگان سوخت و محیط زیست و سایر نهادها صحبت می‌کنیم و مشکلات

حدود ۴۰ هزار مگاوات است، مثلاً در هفته اول دی ماه سال جاری میانگین مصرف برق در یک روز به صورت میانگین ۳۵ هزار مگاوات در هر ساعت است؛ یعنی در هر روز ۸۶۰ هزار مگاوات ساعت انرژی برق نیاز است. به صورت خاص در هفته اول دی ماه ۹۹، سوخت تحویلی گاز به نیروگاه‌ها حدود ۴۲ میلیون متر مکعب بوده است که با این میزان گاز، حدود ۱۸ درصد برق مصرفی کشور قابل تامین است و بقیه باید از سوخت گازوئیل یا مازوت تولید شود. این بدان معنا است که عمده تولید برق کشور در چنین فصولی با توجه به محدودیت‌های که سیستم صنعت گاز اخیراً در کشور با آن مواجه شده است، با سوخت‌های جایگزین و مشخصاً گازوئیل صورت می‌گیرد. به همین منظور در هر نیروگاهی تعدادی مخازن ذخیره‌سازی گازوئیل مستقر است.

حال اگر شرکت پخش و پالایش فراورده‌های نفتی در طول تابستان خوب عمل کرده باشد، با توجه به ظرفیت نسبتاً مناسب ذخیره‌سازی نیروگاه‌ها برای گازوئیل، می‌توان بدون بروز بحران وارد شرایط محدودیت سوخت شد و مابقی را هم با مصرف سهمیه گاز تحویلی به نیروگاه‌ها تامین کرد. البته باید در نظر داشت فرآیند تحویل گازوئیل باید در طول دوره محدودیت سوخت نیز به طور منظم ادامه باید تا خللی در امر تولید پیش نیاید. این در حالی است که متأسفانه فرآیند این ذخیره‌سازی در سال ۱۳۹۹ به میزان کافی و به درستی صورت نگرفته است.

از نظر فناوری، نیروگاه‌های گازی قابلیت سوزاندن مازوت ندارند و با سوخت اصلی خود یعنی گاز و یا گازوئیل به عنوان سوخت جایگزین و پشتیبان کار می‌کنند. در نیروگاه‌های سیکل ترکیبی نیز عملاً واحدهای گازی، عمده سوخت را مصرف می‌کند و اندک سوختی که در نیروگاه‌های سیکل ترکیبی توسط واحدهای بخار مصرف می‌شود، تابع سوخت اصلی واحدهای گازی است، لذا وقتی صحبت از استفاده از مازوت می‌شود باید توجه داشت که منظور تنها نیروگاه‌های بخار است و طرح نیروگاه‌های گازی و یا سیکل ترکیبی محلی از اعراب ندارد.

این اقدام در طول سال ۹۸ بهتر انجام شده و ذخیره‌سازی گازوئیل بیشتری صورت گرفته بود؛ به طوری که در سه ماهه اول دوره محدودیت سوخت، نیروگاه‌ها توانستند از ذخیره گازوئیل خود استفاده کنند، اما باز هم به واسطه شرایط سیاسی و اجتماعی

در این نیروگاه‌ها، تولید برق با فناوری‌های مختلفی انجام می‌شود. در ایران به عنوان کشوری که منابع زغال سنگ ندارد، به صورت عمده نیروگاه‌های گازی، بخار و سیکل ترکیبی فعال هستند. از نظر فناوری، نیروگاه‌های گازی قابلیت سوزاندن مازوت ندارند و با سوخت اصلی خود یعنی گاز و یا گازوئیل به عنوان سوخت جایگزین و پشتیبان کار می‌کنند. در نیروگاه‌های سیکل ترکیبی نیز عملاً واحدهای گازی، عمده سوخت را مصرف می‌کند و اندک سوختی که در نیروگاه‌های سیکل ترکیبی توسط واحدهای بخار مصرف می‌شود، تابع سوخت اصلی واحدهای گازی است. در مقابل، واحدهای بخار از نظر فناوری محدودیت واحدهای گازی را ندارند، زیرا در آن‌ها صرفاً حرارت حاصل از سوزاندن سوخت اهمیت دارد؛ حتی می‌توان در نیروگاه‌های بخاری از سوخت زغال سنگ نیز استفاده کرد که البته این سیستم سوخت‌رسانی در نیروگاه‌های بخاری ایران وجود ندارد و استفاده از آن تغییر فناوری را طلب می‌کند. بر همین اساس سوخت نسبتاً کم‌ارزش مازوت هم در نیروگاه‌های بخار قابل سوزاندن است. لذا وقتی صحبت از استفاده از مازوت می‌شود باید توجه داشت که منظور تنها نیروگاه‌های بخار است و طرح نیروگاه‌های گازی و یا سیکل ترکیبی محلی از اعراب ندارد.

نیروگاه‌های بخار عموماً نیروگاه‌های اصلی شبکه و با حجم بزرگ هستند که در میان آن‌ها می‌توان نیروگاه‌های شازند، نکا، رامین، شهید مفتاح همدان، بخش بخار نیروگاه شهید رجایی، نیروگاه شهید منتظری اصفهان، بخش بخار نیروگاه منتظر قائم، بندرعباس و تبریز را نام برد که تا حدودی نزدیک شهرهای بزرگ واقع‌اند و به همین دلیل همواره زیر ذره‌بین برخی سازمان‌ها هستند؛ تا جایی که سیستم سوخت‌رسانی مازوت این نیروگاه‌ها گاهی در فصول سرد پلمب می‌شود.

موضوع بعدی راندمان تولید برق است؛ اشاره به این موضوع از آن رو است که اساساً تعیین میزان کیلووات ساعت برق تولیدی با استفاده از هر واحد سوخت یعنی هر متر مکعب گاز یا هر لیتر گازوئیل، براساس راندمان آن قابل اندازه‌گیری است. البته باید این امر را نیز در نظر داشت که تفاوت بین راندمان نیروگاه‌های کشور بسیار زیاد است؛ از سویی واحدهای کوچک گازی با راندمان حدود ۲۰ درصد فعالیت دارند که فقط تابستان‌ها به کمک شبکه می‌آیند و در سوی دیگری از این طیف، نیروگاهی چون سیکل ترکیبی تک‌مداره کاسپین باراندمان اسمی ۵۸ درصد در شبکه قرار دارد. اما به طور میانگین راندمان ۳۷.۵ درصد را برای نیروگاه‌های کشور در نظر می‌گیرند؛ به این معنی که به طور متوسط از هر متر مکعب گاز، ۳.۶ کیلووات ساعت برق در کشور تولید می‌شود. در یک روز معمولی و نسبتاً سرد در زمستان امسال پیک شبکه

متر مکعب گاز به نیروگاه‌ها تحویل و چه مقدار گازوئیل سوزانده می‌شود و آیا دچار خاموشی هستیم یا نه، منتشر نمی‌کند؛ اما مشخصا با اخبار واصله از نیروگاه‌های مختلف، به نظر می‌رسد که حداقل در دو هفته بحرانی و زود هنگام برای تامین سوخت نیروگاه‌ها قرار داریم و پس از آن هم اوضاع تامین سوخت تا حداقل دو ماه آینده به نحو اولی بحرانی خواهد بود، مگر اینکه دمای هوا به طرز معناداری افزایش پیدا کند و مصرف مصرف‌کنندگان گاز کاهش یابد تا گاز اضافه به نیروگاه‌ها تخصیص داده شود.

لازم به یادآوری است که در فصول سرد سال‌های ۹۶ و ۹۷ شرایط نسبتا خوبی از جهت تامین سوخت نیروگاه‌ها تجربه شد، اما اینکه در دو سال اخیر چه اتفاقی افتاده که به یکباره با بحرانی در این زمینه مواجه شده‌ایم، امری است که نهادهای تابعه وزارت نفت باید پاسخگو باشند و پاسخ به سوالاتی از این دست که «آیا در تامین سوخت تغییر شرایطی ایجاد شده یا اینکه صرفا شرایط جغرافیایی حاکم باعث این ماجرا شده است؟» خارج از حوزه وزارت نیرو است.

به طور کلی تخصیص میزان سوخت به نیروگاه‌ها بنا به ظرفیت تولید آن‌ها، بر اساس چه سازوکار و توسط چه ارگان‌هایی صورت می‌گیرد؟ این سازوکار تا چه میزان عادلانه و شفاف است و چه پیامدهایی دارد؟

در ایام سرد سال کارگروهی متشکل از کلیه نهادهای ذی‌ربط از جمله وزارت نفت، شرکت گاز، شرکت مدیریت شبکه برق ایران و شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی برای تعیین آرایش تولید واحدها هر روز و چه بسا بیشتر از یک بار در روز با هم جلسه دارند و سوخت تخصیصی به نیروگاه‌ها را مدیریت می‌کنند که تولید برق مورد نیاز روز بعد به چه صورت با چه سوختی و توسط چه نیروگاه‌هایی انجام شود؛ اما در واقع این موضوع به معنی صدمه‌زدن شدید به رقابت بین نیروگاه‌ها است.

از این بخش گفت‌وگو وارد مباحث درون‌صنعتی می‌شویم. مشخصا بر نیروگاه‌ها به عنوان بخشی از اقتصاد انرژی، در چرخه تولید برق ضوابطی حاکم است که طبق آن در بازار برق شرکت می‌کنند و در آن برنده یا بازنده رقابت خواهند بود تا نهایتا طبق این ضوابط، برقی را تولید و به فروش برسانند. قاعده حاکم بر این بازی «رقابت» است و در بازار برق به واسطه این رقابت تعیین می‌شود که کدام نیروگاه، به چه میزان و در چه زمانی تولید کند.

این در حالی است که وقتی وارد محدوده زمانی و شرایط محدودیت سوخت می‌شویم، عملا رقابت که رکن اصلی بازار بوده است،

کشور و اتفاقات آبان ماه ۹۸ که سوخت‌رسانی به نیروگاه‌ها را با دشواری همراه کرد، تقریبا در بهمن ۱۳۹۸ نیز شاهد بحران تامین برق در کشور بودیم که به واسطه کمبود سوخت گاز و نبود گازوئیل کافی در نیروگاه‌ها روی داده بود. البته در همان زمان هم به طور رسمی اعلام خاموشی توسط وزارت نیرو صورت نگرفت، اما برخی از کارشناسان با توجه به اعداد و ارقام استخراج‌شده از تولید و مصرف در شبکه، تخمین می‌زنند که خاموشی‌هایی به واسطه نبود سوخت اعمال شده است.

در سال ۹۹ اما این اتفاق خیلی زودتر رخ داده است و این بار نیروگاه‌ها از نیمه دوم آذر دچار بحران کمبود سوخت شدند، به‌طوری که حتی در نیروگاه‌های با کیفیتی که در محل‌های بسیار مناسبی هم استقرار دارند، کمبود سوخت، به خاموشی واحدهای نیروگاهی انجامیده است.

مشخصا مصادیقی از نیروگاه‌هایی که به واسطه کمبود سوخت در سال جاری مجبور به خاموشی واحدهایشان شده‌اند بیان می‌فرمایید؟

به عنوان مثال نیروگاه سیکل ترکیبی شوباد دارای راندمان نامی ۴۸٫۵ درصدی و قابلیت مناسبی برای مصرف سوخت است، به طوری که از هر متر مکعب گاز بیش از ۴ کیلووات‌ساعت برق تولید می‌کند. این نیروگاه در محل خوبی برای تامین گاز قرار دارد و یکی از معدود مصرف‌کننده‌هایی است که روی خط لوله‌ای قرار دارد که از عسلویه برای صادرات تعبیه شده است، لذا با مشکل افت فشار روبه‌رو نیست. اما همین نیروگاه نیز در هفته آخر آذر ماه با آنکه کشور هنوز دچار سرمای شدید نشده بود، به واسطه قطعی گاز و مصرف کل ذخیره گازوئیل نیروگاه، عملا به مدت ۵ روز کاملا خاموش بود. این امر از نظر کاهش توان تولید برق کشور بسیار بد بود، زیرا عملکرد نیروگاه شوباد در بازار برق و آرایش‌هایی که به آن داده می‌شد، حاکی از آن بود که تولید این نیروگاه در شبکه مورد نیاز است. بنابراین خاموش شدن نیروگاه‌هایی چون شوباد، این پیام را به تولیدکنندگان برق می‌دهد که اوضاع تامین سوخت بسیار بحرانی است. این مساله به طور مشابه برای نیروگاه تابان یزد نیز وجود داشت، به طوری که منابع گازوئیل آن کاملا تمام شد و تنها به اندازه مصرف یک واحد از این نیروگاه امکان تامین گاز وجود داشت.

چنان که گفته شد امسال بحران تامین سوخت برای نیروگاه‌های کشور بسیار زودتر از سال‌های گذشته شروع شده است. در این شرایط وزارت نیرو هم عدد دقیقی در مورد اینکه در هر روز چه مقدار

محدودیت سوخت در دستورالعمل‌های هیات تنظیم بازار برق تعریف شده است باعث می‌شود که شرایط محدودیت سوخت منجر به کاهش قیمت برق در بازار شود. نتیجه این امر آن است که سمت دولت که از یک جهت هویت خریدار بازار برق را دارد و از جهت دیگر هم قانون‌گذاری کرده است، انگیزه دارد شرایط و دوره محدودیت سوخت را بیشتر اعلام کند، چراکه از نظر اقتصادی به نفعش است. البته اعلام این مطلب به منزله تایید وقوع آن توسط وزارت نیرو نبوده و صرفاً احتمال وقوع آن بیان شده است.

بر این اساس به جای اینکه رقابت واقعی اتفاق بیفتد و برق با قیمت رقابتی در بازار معامله شود، ترجیح خریدار این است که شرایط را محدودیت سوخت اعلام کند تا رقابت به سمت تعطیلی پیش برود و بتواند برق را با قیمت ارزان‌تری خریداری کند. حال آنکه این محدودیت از سمت دولت است نه نیروگاه‌ها و عملاً با این رویه، شرایط محدودیت سوخت به نیروگاه‌ها ضرر می‌زند.

بنابراین اعلام ضوابط شرایط محدودیت سوخت همواره برای نیروگاه‌ها مورد سوال بوده و شفافیت لازم را نداشته است. هر ساله در تاریخی که از پیش تعیین نشده است، مجموعه وزارت نیرو و شرکت مدیریت شبکه تصمیم می‌گیرد که رقابت را در بازار برق تعطیل و شرایط محدودیت سوخت اعلام کند؛ در این میان نیروگاه‌های غیر دولتی به عنوان بنگاه‌های اقتصادی، قابلیت پیش‌بینی این مساله را ندارند، به طوری که حتی اگر بتوانند داده‌ها و اطلاعات مربوط به سوخت تحویلی به همه نیروگاه‌ها را داشته باشند، ضوابط مشخصی در مورد نحوه اعمال آن‌ها وجود ندارد. این موضوع از سال گذشته تاکنون به شدت مورد اعتراض نیروگاه‌ها بوده است و البته هیات تنظیم و شرکت مدیریت شبکه برق هم همکاری می‌کنند که این ضوابط طی مجموعه دستورالعمل‌هایی منتشر شود تا حداقل، اعلام شرایط محدودیت سوخت، برای نیروگاه‌ها قابل پیش‌بینی باشد.

نکته بعدی آن است که ضوابط تخصیص سوخت، مبنی بر اینکه یک نیروگاه با چه ضابطه‌ای سوخت می‌گیرد و نیروگاه دیگری سوخت نمی‌گیرد، باید برای نیروگاه‌ها قابل توضیح باشد. با توجه به آنکه نیروگاه‌ها بنگاه اقتصادی هستند، این شرایط باید شفاف باشد تا شائبه اینکه وزارت نیرو با استفاده از روند تخصیص سوخت، هزینه خود را به حداقل می‌رساند، کم‌رنگ شود. منظور من این نیست که این اتفاق دارد می‌افتد ولی وقتی شرایط تخصیص سوخت هم مثل شرایط اعلام محدودیت سوخت شفاف نباشد، این شائبه کماکان مطرح خواهد بود که وزارت نیرو عملاً هزینه‌های خود را از طریق نوع تخصیص سوخت کاهش می‌دهد؛ اعم از آنکه در تخصیص سوخت نیروگاه‌های دولتی در اولویت قرار

به سمت تعطیلی پیش می‌رود و در اصل تولید با سهمیه‌بندی صورت می‌گیرد که البته این مهم، در دو جنبه اقتصادی و فنی محدودیت‌های خاص خود را دارد. به عنوان مثال تخصیص سوخت گاز به مناطق شمالی کشور با محدودیت انجام می‌شود. یعنی عملاً وقتی آرایش شبکه نیروگاه‌های شمال کشور چیده می‌شود، مجبورند عمدتاً روی گازوئیل حساب کنند و در مقابل، قاعدتاً نیروگاه‌های جنوبی بیشتر می‌توانند از گاز بهره‌مند شوند؛ زیرا در تبادل بین نواحی محدودیت‌هایی وجود دارد و انرژی با محدودیت از جنوب به شمال منتقل می‌شود. بنابراین تعیین اینکه کدام نیروگاه چقدر گاز و گازوئیل داشته باشد تا تامین برق مورد نیاز شبکه برای روز بعد در هر ساعت از روز دچار اختلال نشود، کار دقیق و حساسی خواهد بود. این یعنی برنامه‌ریزی تولید برق روز آتی خارج از بازار برق و توسط کارگروه تخصیص سوخت اتفاق می‌افتد و عملاً خود نیروگاه برخلاف اصول بازار نقشی در درآمد خود برای روز بعد نخواهد داشت.

به همین واسطه در قوانین بازار برق شرایطی با عنوان «محدودیت سوخت» پیش‌بینی شده است که قوانین جدیدی را در بازار اعمال می‌کند؛ به طوری که آرایش‌های تولیدی بازار برق در شرایط غیر محدودیت سوخت منجر به درآمدزایی نیروگاه‌ها می‌شوند، اما در شرایط محدودیت سوخت این امر با قوانین دیگری صورت می‌گیرد.

منطقاً وقتی رقابت به سمت تعطیلی پیش می‌رود و بازار عملاً به صورت دستوری اجرا می‌شود، نباید شاهد کاهش قیمت بود؛ اما متأسفانه روابطی که در شرایط محدودیت سوخت در دستورالعمل‌های هیات تنظیم بازار برق تعریف شده است باعث می‌شود که شرایط محدودیت سوخت منجر به کاهش قیمت برق در بازار شود

براین اساس رعایت‌نشدن اصل کلی رقابت همواره مورد اعتراض نیروگاه‌های غیر دولتی بوده است و اکنون نیز به صورت جدی‌تر در مجموعه وزارت نیرو و هیات تنظیم بازار برق در حال پی‌گیری است. البته لازم به ذکر است که منطقاً وقتی رقابت به سمت تعطیلی پیش می‌رود و بازار عملاً به صورت دستوری اجرا می‌شود، نباید شاهد کاهش قیمت بود؛ اما متأسفانه روابطی که در شرایط

سازوکار، «رقابت» قربانی می‌شود تا با محدودیت سوخت موجود، بهترین تولید حاصل و حداقل خاموشی تجربه شود. پس عملاً از وزارت نیرو کار اضافه‌تری در این بخش از مساله بر نمی‌آید.

با توجه به شرایط کشور، نیروگاه‌های ما مخازن خوبی برای ذخیره‌سازی سوخت دارند و اگر نگاهی به موجودی مخازن نیروگاه‌ها داشته باشیم، متوجه می‌شویم که امروز شرایط سخت و تکرارنشده‌ای در مخازن اتفاق افتاده است که همه مسئولیت آن به تامین‌کننده بازمی‌گردد. پس چه مشکل به تولید سوخت و چه به سوخت‌رسانی به نیروگاه‌ها مرتبط باشد، در هر دو حالت وزارت نفت مسئول است نه وزارت نیرو!

برای حل این مساله نیروگاه‌ها چه پی‌گیری‌هایی داشته‌اند و اقدامات سندیکیا و کمیسیون بازار و برق و بورس انرژی این تشکل چه بوده است؟

هر کدام از نیروگاه‌ها در منطقه خود با شرکت پخش و پالایش فراورده‌های نفتی و شرکت گاز ارتباط تنگاتنگی دارند و همواره برای تامین سوخت خود مُصر هستند.

سندیکیا هم به عنوان یک نهاد عمومی و به نمایندگی از تمام نیروگاه‌ها با وزارت نیرو در خصوص ضوابط تامین سوخت و ضوابط شرایط محدودیت سوخت، جلسات متعددی داشته است، به نحوی که کارگروه ویژه‌ای در این خصوص در سندیکیا تشکیل شده است و اعضای آن چندین ماه است به عنوان نماینده نیروگاه‌های غیر دولتی، در کارگروه مشترک با شرکت‌های مدیریت شبکه و مادر تخصصی برق حرارتی و دبیرخانه هیات تنظیم بازار برق، روی این موضوع کار می‌کنند. این کارگروه که بنده نیز در آن عضویت دارم منتظر گزارش معاونت راهبری شرکت مدیریت شبکه به معاونت بازار این شرکت است تا این دو معاونت به منظور شفاف‌تر کردن شرایط موجود، گزارش مشترکی را به کارگروه ارائه دهند و در ادامه با همفکری کارگروه، پیشنهادهایی برای بهبود این شرایط خواهد شد.

هر چند این کار از سال گذشته شروع شده، اما به واسطه تاخیراتی که با توجه به بیماری کرونا و تفاوت عملکرد معاونت‌های «راهبری» و «بازار برق» به وجود آمده است، هنوز در مرحله اول این اقدام، یعنی فاز شناخت هستیم و می‌خواهیم آنچه امروز عمل می‌شود را شفاف کنیم تا بتوانیم پیشنهادهایی برای بهبود این وضعیت ارائه دهیم.

لازم به ذکر است معاونت‌های مذکور در شرکت مدیریت شبکه از نظر رویکرد و عملکرد تا حدی مستقل عمل می‌کنند، به نظر

می‌گیرند یا خیر. البته تاکید دارم که ادعای ما این نیست که این موضوعات صحت دارند، اما در واقع احتمال آن را هم در چنین شرایطی نمی‌توان رد کرد.

بنابر این لازم است که دو موضوع برای نیروگاه‌های خصوصی شفاف شود: نخست ضوابط و شرایط اعلام شرایط محدودیت سوخت؛ چون درآمد نیروگاه‌ها در شرایط محدودیت سوخت تغییر می‌یابد. دوم اینکه رویه تخصیص سوخت به نیروگاه‌ها باید در فضای شفاف‌تری اتفاق بیفتد و نیروگاه‌ها با خیال راحت‌تری به فعالیت خود ادامه دهند.

طبیعتاً با توجه به ذات مساله محدودیت سوخت، قیمت تمام‌شده برق در بازار نباید در شرایط محدودیت سوخت کمتر از شرایط رقابت عادی باشد. قاعدتاً در رقابت باید کمترین قیمت ممکن به دست آید، پس ضوابط و نرخ‌های شرایط محدودیت سوخت باید به نوعی اصلاح شود که این منطبق هم رعایت شود؛ یعنی نیروگاه‌ها از شرایطی که خود مسبب آن نیستند، متضرر نشوند.

خاموشی یا آلودگی؛ معادله‌ای در انتظار پاسخ

در شرایط کنونی چاره‌اندیشی برای پشت سر گذاشتن بحران سوخت نیروگاهی در زمستان جاری و همچنین زمستان‌های آتی، بر عهده چه ارگانی است؟

واقعیت این است که در این داستان توپ در زمین وزارت نفت است، مقدار گاز تحویلی به نیروگاه‌ها کاهش پیدا کرده است و وزارت نفت باید دلیل منطقی برای این کاهش داشته باشد.

به طور کلی اینکه چرا گازوئیل کافی به نیروگاه‌ها نمی‌رسد می‌تواند دو جنبه داشته باشد: نخست آنکه شرکت پخش و پالایش توان رساندن مقادیر کافی گازوئیل را به نیروگاه‌ها ندارد که این موضوع باید بررسی شود؛ دوم اینکه اصولاً وزارت نفت گازوئیل کافی برای تحویل به نیروگاه‌ها ندارد که اگر این‌گونه باشد باید پاسخگوی چرایی آن باشد.

در این میان عمده اقدامی که وزارت نیرو می‌تواند انجام دهد و دقیقاً هم دارد این کار را می‌کند، این است که مقدار سوخت موجود خود را (گاز، گازوئیل و مازوت)، با دقت گرفتن محدودیت‌های شبکه، به بهترین نحو و با بالاترین راندمان ممکن در نیروگاه‌ها مصرف کند. مشخصاً در هر منطقه‌ای از شبکه حداقلی از تولید باید وجود داشته باشد که وزارت نیرو این کار را به صورت دقیق انجام می‌دهد، تا جایی که حتی عملاً رقابت را تعطیل می‌کند و آرایش تولید روز بعد توسط کارگروه تخصیص سوخت تعیین می‌شود. در واقع در این

با همه این تفاسیر، از نظر شما، مسئولین امر، در دوراهی جلوگیری از خاموشی و ممانعت از سوزاندن سوخت مازوت به عنوان عاملی آلاینده، با چه سازوکار و اولویتی باید اقدام کنند؟

ظرفیت واحدهای بخار کشور مجموعاً ۱۷ هزار مگاوات است و این میزان چنان که ذکر شد، کل ظرفیت نیروگاهی است که قابلیت فنی سوزاندن مازوت را دارد. بدیهی است سوخت مازوت آلوده‌کننده است، اما اینکه آیا آلودگی موجود در هوای کلان‌شهرها ناشی از مازوت است و اساساً کل مازوت موجود در نیروگاه‌ها بر فرض استفاده، چه سهمی از آلودگی هوای کلان‌شهرها را خواهند داشت، مسأله‌ای است که باید کارشناسان محیط زیست در مورد آن به طور دقیق نظر دهند.

به هر حال استفاده از سوخت مایع مازوت نه به لحاظ فنی و نه از نظر اقتصادی ترجیحی برای نیروگاه‌ها ندارد و حتی باعث افزایش هزینه‌های نگهداری و تعمیرات و خروج اضطراری واحدها می‌شود. در هر صورت تا جایی که به صنعت برق مربوط می‌شود، باید این موضوع را در نظر داشت که ارزش هر واحد برق از دست رفته در شرایط کنونی چه میزان است؟ خصوصاً که سیستم‌های گرمایش بسیاری از واحدهای مسکونی و اداری نیز علاوه بر اتصال به سوخت گاز، به برق هم برای کارایی لازم نیاز دارد. بنابراین حتی در فصول سرد سال هم اگر قرار باشد خاموشی رخ دهد در برخی از مناطق کشور می‌تواند به فاجعه تبدیل شود و تبعات بسیار بالایی فراتر از تبعات اقتصادی داشته باشد. در چنین شرایطی باید معادله‌ای در نظر گرفته شود که جلوگیری از حجمی از آلودگی محیط زیست در مقابل چه چیزی می‌تواند حفظ شود؟ آیا این موضوع به قیمت خاموش شدن برق برخی از مناطق کشور می‌ارزد یا خیر؟ این‌ها مسائلی است که حتماً باید نهادهای ذی‌ربط درباره آن‌ها تصمیم‌گیری کنند.

بیشتر به نظر می‌آید با توجه به تجمیع و ظاهر بد حاصل از ستون دود سیاه‌رنگ خروجی از نیروگاه‌ها در هنگام مصرف مازوت یکباره حساسیت‌های بیشتری در این زمینه در میان رسانه‌ها و نتیجتاً در افکار عمومی ایجاد می‌شود، اما در واقع شاید آلودگی ناشی از تردد خودروها در قلب شهرهای بزرگ به مراتب بیشتر از آلودگی مازوتی باشد که خارج از شهرها سوزانده می‌شود. البته این موضوع در در حوزه کاری متخصصان زیست‌محیطی است. ■

استفاده از سوخت مایع مازوت نه به لحاظ فنی و نه از نظر اقتصادی ترجیحی برای نیروگاه‌ها ندارد و حتی باعث افزایش هزینه‌های نگهداری و تعمیرات و خروج اضطراری واحدها می‌شود.

در هر صورت تا جایی که به صنعت برق مربوط می‌شود، باید این موضوع را در نظر داشت که ارزش هر واحد برق از دست رفته در شرایط کنونی چه میزان است؟ خصوصاً که سیستم‌های گرمایش بسیاری از واحدهای مسکونی و اداری نیز علاوه بر اتصال به سوخت گاز، به برق هم برای کارایی لازم نیاز دارد.

می‌رسد نمایندگان سندیکا با معاونت بازار برق شرکت مدیریت شبکه از حیث در نظر گرفتن نیروگاه‌های غیر دولتی به‌عنوان بنگاه اقتصادی، ذهنیت مشترک و نزدیک‌تری دارند. به هر حال امیدوارم که هم‌سوسدن افکار در آن کارگروه سریعتر شکل بگیرد، اما مسلماً نتیجه برای شرایط محدودیت سوخت سال ۹۹ ملموس نخواهد بود و امیدواریم نتایج آن در پاییز و زمستان ۱۴۰۰ قابل حصول باشد.

با این وصف و با توجه به محدودیت‌های فعلی تولید برق در کشور، آیا از نظر شما باید در آخرین فصل سال ۹۹ شاهد خاموشی باشیم؟*

در حقیقت که ما به عنوان نیروگاه‌ها با هویت تولیدکننده برق نباید دغدغه خاموشی داشته باشیم، بلکه باید وظیفه خود را به عنوان نیروگاه با سوختی که تحویل می‌گیریم به بهترین نحو انجام دهیم و از نظر اقتصادی هم پاسخگوی سهامدار خود باشیم. در واقع دغدغه خاموشی بیش از همه متوجه مجموعه وزارت نیرو است و با وجود آنکه هر کدام از ما هم به عنوان یک شهروند و یک کارشناس قطعاً دغدغه این موضوع را خواهیم داشت، اما به عنوان نیروگاه خصوصی دغدغه اصلی ما این است که وظیفه خود را برای تولید برق با سوخت موجود به بهترین نحو انجام دهیم. البته عملاً چیزی که باعث بروز این محدودیت‌ها می‌شود، خارج از حوزه وزارت نیرو و در اصل به تامین سوخت مربوط است، اما به هر حال وزارت نیرو با وزارت نفت در این خصوص همکاری تنگاتنگی دارد.

حقیقت از آن است که وزارت نیرو هم در مورد خاموشی‌های احتمالی تاکنون اعلام رسمی نداشته است، بدیهی است تامین برق مستمر و ایمن از وظایف ذاتی وزارت نیرو است و این وزارتخانه هم به دنبال انجام آن به بهترین نحو خواهد بود.

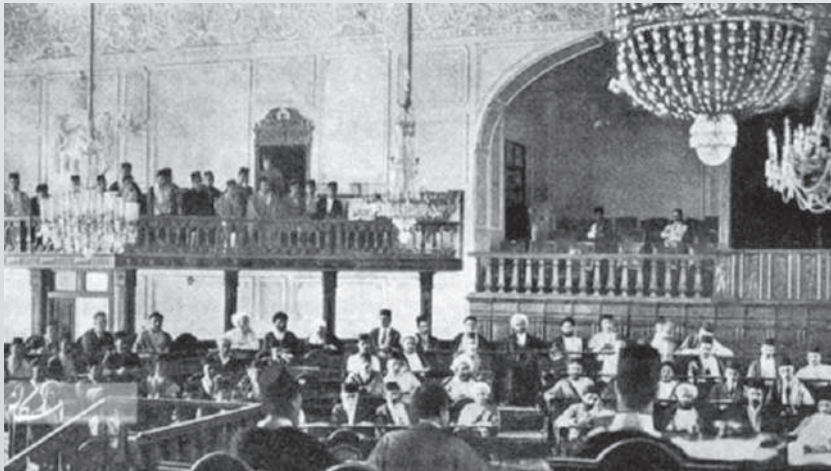
* این مصاحبه قبل از خاموشی‌های دی ماه ۹۹ انجام شده است.

گزارش‌ها



برق در دوران مظفري

۱۲۷۵ تا ۱۲۸۶ خورشیدی (۱۸۹۶ تا ۱۹۰۷ میلادی) بخش دوم تاریخ برق در ایران، محمداسماعیل بانکیان تبریزی



مجلس شورای ملی

برای روشن‌سازی آن‌ها از سال ۱۸۵۳ میلادی فراهم آمده بود.

در همین راستا و در نخستین گزارش‌هایی از این دست با کاربرد لامپ‌های قوسی با پیل‌های (باتری‌های) بونزون برای روشنایی بخشی میدانی به موزه لوور، پل نتردام و بارانداز ناپلئون به هنگام برگزاری نمایشگاه سال ۱۸۵۵ پاریس نیز روبه‌رو هستیم. بی‌گمان به‌جز در فانوس‌های دریایی در دیگر جاها، این‌گونه کارها بیشتر برای به نمایش گذاشتن یک فناوری آینده‌دار و آینده‌ساز دنبال می‌گردید. یکی از دلایل محدود بودن یا نمایشی بودن چنین کاربردهایی در این بود که دستگاه‌های برق‌زا (مولدها) هنوز با نارسایی‌ها و دشواری‌های چندی دست‌به‌گریبان بودند و کاربرد باتری‌های بزرگ هم همواره با دود و گازهای بدبو و آلوده‌ساز همراه می‌شد.

از سوی دیگر در این هنگام روشنایی با گاز در شهرهای بزرگ اروپای باختری بسیار پررونق و منطقی‌ترین روش روشنایی شبانه به شمار می‌رفت. گرچه هم‌زمان در منابع انگلیسی می‌خوانیم که در سال ۱۸۷۸ میلادی (۱۲۵۷ خورشیدی) با بهره‌برداری نمایشی از لامپ‌های قوسی در تاتر گایتی در «لندن» یادر ورزشگاه استانتون آیرون ورک در «دری» که یک مسابقه فوتبال با ۳۰ هزار تماشاگر در زیر نور لامپ‌های قوسی انجام گردید، زنگ خطر برای شرکت‌های روشنایی با گاز به صدا درآمد. از این‌رو یک کمیته «راهبردی گاز» در همین سال پدیدهای روشنایی با برق را این‌گونه زیر پرسش برد: «ما اطمینان داریم که روشنایی با برق هرگز نمی‌تواند درجا‌های سرپوشیده بدون زایش (تولید) بوهای ناهنجار (برآمده از پدیده‌جرقه‌پراکنی‌ها) به کار گرفته شود و این آلودگی‌ها بی‌گمان سردردآور و

پیش از بررسی داستان روشنایی با برق در دوران مظفري جا دارد به روند پیشرفت صنعت برق در سطح جهانی نگاه کوتاهی بیندازیم. چیزی که در نوشتار نخست از قلم‌افزاده بود. در سال‌های پایانی سده نوزدهم و سال‌های آغازین سده بیستم پیشرفت‌های شگفت‌آوری در زمینه‌ی فرآوری (تولید) و رساندن (توزیع) برق به کاربران خواهان آن پدید آمده بود و صنعت برق رفته‌رفته از یک پدیده نمایشی به یک دستاورد کارآمد در زمینه‌های روشنایی و نیروزایی (با موتورهای برقی) و آبکاری و ... فراگردانده می‌شد. این ویژگی‌ها در سال‌های پایانی دوران ناصری و در دوران مظفري در ایران نیز آشکارا خود را نشان می‌داد و به‌درستی آنچه در دوران مظفري در صنعت برق رونمایی شد، بسیار پیشرفته‌تر و کاربردی‌تر از آنی بود که در دوران ناصری آن را دنبال نمودیم.

اگر به سال‌های میانه سده نوزدهم بازگردیم، درمی‌یابیم که در آن اوان ساخت ماشین‌های برق‌زا و باتری‌های کارآمدتر پیوسته دنبال می‌شد تا بتوانند امکان روشن‌سازی لامپ‌های قوسی با روش‌های بهینه‌تر را فراهم آورند. برای نمونه به هنگام تازش (حمله) آلمان‌ها به فرانسه و محاصره پاریس در سال ۱۸۷۰ میلادی گواه روشنایی میدان کارزول پاریس با یک نورافکن برقی هستیم، هم‌زمان نیز خیریهایی از کاربرد همین شیوه در برخی از فانوس‌های دریایی در دست داریم که زمینه‌ی کاربرد برق

بیماری‌زا خواهند بود.» و در یک هشدار جدی‌تر آمده بود که: «لامپ‌های بدون حباب را هرگز نمی‌توان در جاهای سرپوشیده مانند اتاق‌ها و حتی سالن‌های بزرگ به کار برد؛ زیرا گازهای برآمده از آن‌ها به همه چیز در جاهای سرپوشیده آسیب خواهند رساند.» در این میان روشن بود که برای بهره‌گیری از همین لامپ‌های قوسی در زمان‌های بلندتر به برق بیشتری نیاز می‌افتاد که از باتری‌ها به دست نمی‌آمد و به دستگاه‌های برق‌زا نیاز می‌شد؛ روندی که به بهینه‌سازی چنین دستگاه‌هایی شتاب بخشید.

در سال ۱۸۷۶ یک مهندس روسی-فرانسوی به نام نیکلایوویچ یابلوچکوف لامپ قوسی پیشرفته‌تری را طراحی کرد و آن را «شمع برقی» نام نهاد. همزمان هم ساخت لامپ‌های حباب‌دار ایمن‌تر که پیش‌ازاین هم توسط «سوان» انگلیسی دنبال می‌شد، زمینه‌دارتر گردید. لامپ‌های سوان هم کم‌سو بودند و هم خیلی زود رشته‌ی التهابی آن‌ها از هم گسیخته می‌شد، زیرا در کنار اکسیژن درون حباب اکسیده می‌گردید. تا اینکه سرانجام ادیسون آمریکایی به این میدان پا نهاد. او با نوآوری‌ها و اختراعات پرشمار خود دگرگونی‌های بنیادینی در ساخت لامپ‌های التهابی و صنعت برق پدید آورد.

در زمینه‌ای دیگر که به ساخت دستگاه‌های برق‌زای کارآمدتر برای فراآوری (تولید) برق مناسب‌تر برمی‌گشت، نخست پاچینوتی ایتالیایی دست‌به‌کار بود. وی در سال ۱۸۶۳ (۱۲۴۲ خورشیدی) دستگاهی ساخت که هم می‌توانست برق‌زایی کند (مولد) و هم می‌توانست با گرفتن برق نیروزایی داشته باشد (موتور). او ده سال زودتر از گرام «یک نجار بلژیکی» دستگاه برق‌زای پیشرفته‌تری به بازار فرستاد؛ اما دستگاه او هنوز نارسایی‌هایی داشت. آن کسی که سرانجام دستگاه شسته‌رفته‌تری را به بازار فرستاد و بر دشواری‌ها و نارسایی‌های دستگاه‌های پیشین چیره شد همان نجار بلژیکی به نام گرام بود که از چنین دستگاه‌هایی برای آبکاری بخش‌های فلزی میز و صندلی‌های در دست‌ساختش سود می‌برد. گرام با بهینه‌سازی بخش القاگر و با روش بهره‌گیری از سیم‌پیچ‌های (پیچک‌های) جداگانه که راه را به سوی موازی-ریسه‌ای بندی سیم‌پیچ‌ها گشود، دست‌به‌کار شگرفی زد و در میان هیاهوهای برخاسته از پیشگامی، کار را به نام خود به پایان رساند. در سندهای دوران ناصری به نام دستگاه اختراعی او اشاره شده است. دستگاه‌های ساخت گرام در سال‌های ۱۸۷۰ - ۱۸۷۱ به بازار آمد. در آمریکا نیز «براش» نامی دستگاه‌های همانندی ساخت و بانام خود به بازار فرستاد. اینک زمینه برای آینده‌ی صنعت برق آماده می‌شد.

امروزه همگان پذیرفته‌اند که روشنایی ماندگارتر و معنادارتر با برق، با لامپ‌های ادیسون به جهان ارزانی شد. هنگامی که وی در سال ۱۸۷۸ در سی‌ویک سالگی اعلام کرد که می‌خواهد بدین میدانگاه پا گذارد، باعث پایین آمدن و حتی شکست در بهای گاز روشنایی در لندن و نیویورک شد. وی در نمایشگاه پاریس در سال ۱۸۸۱ در کنار شمار بزرگی از چراغ‌های گازی، لامپ‌های خود را به نمایش گذاشت. از سویی در پی چالش برای پیشگامی با سوان انگلیسی، با وی کنار آمد.

با اینکه نام ادیسون در میان مردم بیشتر در پیوند با ساخت لامپ‌های روشنایی التهابی آوازه دار شده است، اما او که دیدگاهی بازرگانی داشت و به ساخت انبوه لامپ‌های خود می‌اندیشید، به زمینه‌سازی برای فروش آن‌ها افتاد و در این راه بود که نخستین نیروگاه برق خود را با شش دستگاه برق‌زا بانام «جامبو» در «پرل استریت» در جنوب «منهتن» برپا داشت و برای رساندن برق فرآورده‌شده در آن، به شبکه‌سازی پیرامون این نیروگاه دست زد. با این کارهای برجسته و آینده‌دار بود که صنعت برق به پهنه‌ای گام نهاد که امروزه همه چیز زندگانی آدمیان به آن وابسته شده است.

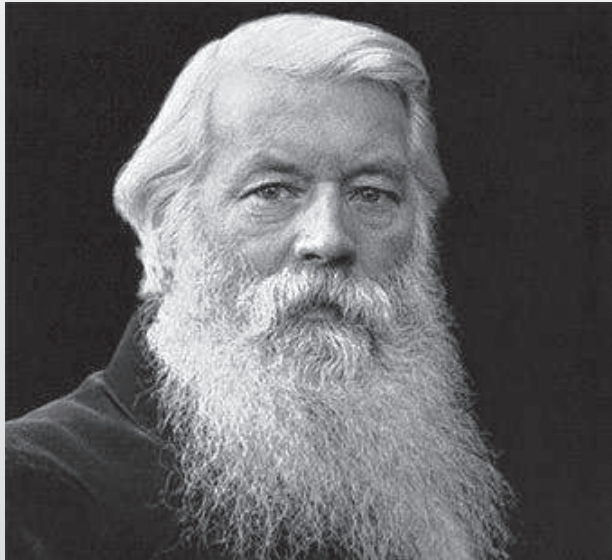
اینک پس‌ازاین پیش‌گفته فشرده و بسیار چکیده به روزگار مظفیری برمی‌گردیم و به



حاج محمدحسین امین‌الضرب و چند تن از کارکنان تجارخانه‌اش



پاول نیکولایوویچ - یابلوچکوف مخترع لامپ قوس الکتریکی ۱۸۷۶



سر جوزف ویلسون سوان (Sir Joseph Wilson Swan) (۳۱ اکتبر ۱۸۲۸ - ۲۷ می ۱۹۱۴)

سیم‌های برق به جایگاه‌های خواب و نشیمن شبانه شاه در کاخ گلستان بود.

گفته شد که مظفرالدین‌شاه دوست داشت کارهای پدرش را تقلید نماید. در این روند بود که او هم سه سفر به فرنگستان رفت که در دو سفر نخست حکیم‌الملک در کنارش بود. در سفر یکم شاه به فرنگ، هنگامی که یک آنارشسیست فرانسوی به کالسکه او حمله کرد و می‌خواست شاه را با تیر بزند، حکیم‌الملک خود را سپر بلا کرد و توانست جان شاه را نجات دهد. تصویر این رویداد در روزنامه‌های فرنگی و ایرانی آن دوران بازتاب یافته است.

در همان سفر یکم شاه به فرنگ در سال ۱۳۱۸ ه ق (۱۲۷۹ ه خ و ۱۹۰۰ م) حکیم‌الملک که در پی برافزایی توان نیروگاه دربار بود تا پیرامون شاه را در شبانه‌روز هر چه روشن‌تر نگاه دارد، اجازه خرید ۵ دستگاه برق‌زا (مولد) را از شاه گرفت و آن‌ها را خریداری کرده و به تهران فرستاد. ۳ دستگاه از ۵ دستگاه چرخ‌دار بودند تا بتوان آن‌ها را



لامپ حباب‌دار ادیسون

داستان برق در آن دوران می‌پردازیم.

در این هنگام است که افزون بر برافزایی توان «نیروگاه برق دربار» و برنامه‌ریزی برای برق‌دار کردن آستان قدس رضوی برنامه «برق‌سانی همگانی» نیز در دستور کار گذاشته شد و چندان به درازا نکشید که چندین شهر ایران دارای برق همگانی گردیدند که هر یک از آن‌ها داستان ویژه خود را دارند و اگر زمینه هموار باشد در آینده به آن‌ها خواهیم پرداخت، اما نخست برق درباری و نیروگاه آن را دنبال می‌کنیم.

نفرتی که دربار ناصری با سید جمال‌الدین اسدآبادی در دل او کاشت به تیری تبدیل شد که در سال ۱۳۱۳ ه ق (۱۲۷۵ ه خ) از تفنگ میرزا ضای کرمانی در زاویه شاه‌عبدالعظیم به سینه‌ی شاه خورد و جانش را گرفت. در پی این رویداد بود که ولیعهد به گوشه‌ای پرتاب‌شده ناصرالدین‌شاه که تا لحظه‌ی شلیک این گلوله هیچ‌گونه جایگاهی در ساختار اداری کشور نداشت و حتی همواره این امکان بود که برکنار گردد، بر اریکه پادشاهی ایران نشست و سلطان بن سلطان و خاقان بین خاقان شد و نام مظفرالدین‌شاه به خود گرفت.

او همراه درباریان بسیار به انتظار نشسته و گرسنه‌اش (هم ثروت و هم قدرت) که در تهران به طعنه بدان‌ها نام‌های ناخوشایندی داده شد، به‌سوی تهران بال گشود تا خود و همراهانش سال‌های ناکامی در دربار نادر و دورافتاده‌ترین را تلافی کنند.

مظفرالدین‌شاه تفاوت‌های زیادی با پدرش داشت، اما همواره می‌خواست همانند او رفتار کند. یکی از ویژگی‌های ناخوشایندی آن بود که از تاریکی می‌ترسید و هنگام رعدوبرق و تاریک شدن روز سر در هر دامنی فرومی‌برد تا آرام گردد. این ویژگی او را پزشک دربارش میرزا محمودخان بروجردی از شاگردان تولوزان فرانسوی با پاینام حکیم‌الملک بهتر از همه می‌دانست و از همه نیز به وی نزدیک‌تر بود. همو شش ماه پیش از تیر خوردن شاه در تهران برای خرید یک دستگاه برق‌زای کوچک برای روشن‌سازی دربار کوچک مظفرالدین‌میرزا دست‌به‌کار شد، اما چون پولی برای خرید آن در دسترس نبود، از این‌رو دست به دامن معاون‌الدوله (از خاندان غفاری) ژنرال قنصل ایران در باکو گردید تا از محلی بتواند بودجه‌ی خرید یک دستگاه برق‌زای کوچک از تفلیس را برای ولیعهد تأمین نماید. این برنامه در دست انجام بود که تیری که شاه را در شاه‌عبدالعظیم به خون نشانده همه برنامه‌ها را به هم ریخت.

مظفرالدین‌شاه در تهران میرزا محمودخان را که پزشک خودش به شمار می‌رفت و به او از همه بیشتر اعتماد داشت همزمان وزیر دربار و وزیرنایی و قنایی املاک سلطنتی نیز نمود و سرخ همه ساخت‌وسازهای درباری را در دست او گذاشت. به این ترتیب دست حکیم‌الملک برای انجام کارهایی که در تبریز آغاز نموده بود، بازتر شد. وی از همان آغاز در اندیشه افزایش توان نیروگاه دربار و بردن

گلستان هستیم. در برخی از این گزارش‌ها شکوه روشنایی‌های برقی شبانه، آدمی را شگفت‌زده می‌کند و آن‌ها را دیرباورانه به شمار می‌آورد. برای نمونه، دکتر ویشارد آمریکایی که پزشک میسیون‌های مذهبی پروتستان‌های آمریکایی در آذربایجان غربی بود و نزدیک به بیست سال در ایران به سر می‌برد و در میان آسوری‌های ارومیه می‌زیست، پس از پایان مأموریت خود به تهران آمده بود تا به کشورش بازگردد. وی در خاطرات خود که در سال ۱۹۰۸ در آمریکا به چاپ رسید، نوشته است که هنگام بازدید از تهران و حضور در دربار «تمام اتاق‌ها ای قصر با نور برق که نیروگاهش در محوطه قصر قرار دارد روشن می‌شود ... در یکی از سالن‌ها بیش از چهارصد چراغ‌برق پرنور وجود دارد ... جالب است اشاره کنم کسی که امور برق قصر را اداره می‌کند یک ارمنی است ... نه تنها ساختمان و محوطه ارگ با چراغ‌برق روشن می‌شود، بلکه غذاهایی که برای شاه آماده می‌شود اغلب بر روی اجاق‌های برقی در یکی از همین اتاق‌های پذیرایی پخته و آماده می‌شود (!!!)»

در همین رهگذر ملک‌المورخین هم در گزارشی در ماه ربیع‌الاول سال ۱۳۱۸ ه ق چنین نگاشته است: «استاد یوسف ارمنی رییس چراغ‌برق، در عمارت سلطنتی نیاوران ایجاد لوله باد می‌نماید تا با قوه الکتریک هوای اتاق را همواره خنک نگه دارد». آنچه در این دو گزارش چشمگیر است، بهره‌گیری بهینه از همه گنجایش‌های برقی و دستگاه‌های جابه‌جایی‌پذیر برق‌زا در کاخ‌های درباری است که زیر پوشش مدیریت استاد یوسف ارمنی بودند. کسی که او را پیش از این دومین رئیس برق دولتی نیز بشمار آورده‌ایم از ویژگی‌های دیگر مظفردالدین‌شاه گرایش بی‌مهار وی در خریدهای از روی هوس (فانتزی) بود. این خریدها در نوشته‌های بسیاری بازتاب داشته و انتقادهای پرشماری را هم به دنبال آورده است. یکی از بزرگ‌ترین منتقدان وی خواهرش تاج‌السلطنه بود که او را با واژه‌های ناخوشایند کوبیده است. از میان این خریدهای پرشمار که بسیاری از آن‌ها مانند عروسک‌ها دورریختنی بودند، به‌جز خریدهای نظامی مانند شست‌تیرهای (مسلسل‌های) نیرومند، می‌توان به چیزهای زیرهم اشاره داشت؛

- یک بالون بزرگ که به هنگام باز کردن آن در دوران محمدعلی‌شاه پر از موش بود؛
- چهار دستگاه تلفن زمینس آلمان؛
- ماشین بخاری از روسیه؛
- چند دستگاه کولر از بلژیک؛
- گرامافون (فونوگراف) از لندن توسط کاردار سفارت ایران؛
- میل و چراغ از روسیه
- و ...

■ (دنباله دارد)



مظفردالدین شاه، پنجمین پادشاه قاجار (۱۲۸۵-۱۲۷۵ خورشیدی)

جابه‌جا نمود و دوتای دیگر که بی‌گمان گنجایش بیشتری داشتند، در نیروگاه دربار گذاشته شدند. از هزینه خرید و توان دستگاه‌ها چیز زیادی نمی‌دانیم.

آوازه برق‌دار کردم مسجدالحرام توسط سلطان عثمانی زمینه را برای خرید یکی از همین دستگاه‌ها برای آستان قدس رضوی فراهم آورده بود. از این‌رو پس از رسیدن این دستگاه‌ها به تهران در همان سال یکی از آن‌ها به مشهد فرستاده شد و به آستانه تحویل گردید تا به‌زودی به‌کارانداخته شود. چهار دستگاه دیگر به استاد یوسف ارمنی تحویل داده شد تا دوتای آنها در نیروگاه دربار در ارگ تهران برپا داشته شوند و دوتای دیگر که چرخ‌دار می‌بودند بسته به نیاز به کاخ‌های دیگری که شاه آهنگ رفتن بدان‌ها را می‌داشت، برده شوند. از این‌روست که ما از وجود کولر یا بادبزن‌های برقی سقفی در کاخ صاحبقرانبه آگاه می‌شویم، درحالی‌که در این کاخ نیروگاهی برپا نشده بود.

پس از آورده شدن این چهار دستگاه به تهران و برپاداشتن آن‌ها در نیروگاه دربار، گواه گزارش‌های پرشماری از روشنایی‌های چشمگیر شبانه در کاخ‌ها به‌ویژه کاخ

اصلاحیه گزارش تاریخی شماره قبل (۳۱) «نیرو و سرمایه» مندرج در صفحات ۴۸ تا ۵۲:

ص ۴۸: ستون اول، سطر آخر؛ این عمید به ابن عمید اصلاح می‌شود.
 ص ۴۹: ستون دوم، انتهای سطر ۲؛ با کارخانه گاز روشنایی به برای کارخانه گاز روشنایی اصلاح می‌شود.
 ص ۴۹: ستون اول، ۷ سطر مانده به انتها؛ حاج محمدحسین امین‌الضرب به حاج محمدحسن امین‌الضرب اصلاح می‌شود.
 ص ۴۹: ستون دوم، سطر ۱۰؛ شرافتی به شریعتی اصلاح می‌شود.
 ص ۴۹: ستون دوم، سطر ۱۳؛ پیش از راه‌اندازی کارخانه روشنایی به پیش از راه‌اندازی کارخانه گاز روشنایی
 ص ۴۹: ستون دوم، سطر ۱۷ از انتهای پاراگراف؛ لامپ‌های بلوچکوف به لامپ‌های یابلوچکوف اصلاح می‌شود.

گزارش عملکرد سندیکا در نیمه نخست سال ۱۳۹۹

تهیه شده در دفتر پژوهش سندیکای شرکت‌های تولید کننده برق



- فعالیت‌های پژوهشی
- فعالیت‌های آموزشی، برگزاری دوره‌های تخصصی و سمینارهای آموزشی
- انعکاس اخبار و اطلاعات از طریق بولتن روزانه، سایت و نشریه تخصصی نیرو و سرمایه
- در راستای رسیدن به اهداف فوق اقدامات مختلفی در سندیکا صورت می‌گیرد که مهم‌ترین دستاوردهای آن در نیمه نخست سال ۱۳۹۹ به شرح زیر بوده است:
- پی‌گیری مستمر که منجر به ابلاغ مصوبه اصلاح ضوابط بازار برق با هدف ارتقا درجه رقابت‌پذیری بازار برق شد.
- ارائه پیشنهادهای سندیکا برای اصلاح قرارداد خرید برق از نیروگاه‌ها در جلسات با مسئولین شرکت مدیریت شبکه برق و هیات تنظیم بازار برق ایران و دفاع از آن‌ها که منجر به پذیرش برخی از پیشنهادهای شد.
- پی‌گیری دریافت زمان بیشتر برای تمدید پروانه بهره‌برداری به دلیل شرایط ناشی از شیوع کووید ۱۹ که منجر به تمدید دو ماهه شد.
- پی‌گیری‌ها و معرفی نماینده سندیکا برای حضور در هیات‌های حل اختلاف مالیاتی برای دفاع از حقوق اعضا که منجر به دستاوردهای مالی قابل توجهی برای شرکت‌های عضو شده است.

- نیروگاه‌های عضو سندیکا با مجموع قدرت نامی در حال بهره‌برداری ۳۵۹۶۷ مگاوات و بالغ بر ۱۵۹۹۹۳ گیگاوات ساعت تولید ویژه سالانه، سهم ۵۲ درصدی از قدرت نامی نیروگاه‌های حرارتی و سهم ۵۷ درصدی از تولید ویژه نیروگاه‌های حرارتی دارند. هم‌چنین سهم نیروگاه‌های در حال بهره‌برداری سندیکا از کل تولید ویژه کشور ۵۰ درصد و سهم نیروگاه‌های حرارتی بخش خصوصی از کل تولید ویژه کشور، ۵۴ درصد است.
- دبیرخانه سندیکا که متشکل از واحدهای روابط عمومی، پژوهش، کمیسیون‌های تخصصی، آموزش و IT است، دست‌یابی به اهداف زیر را تحت نظر هیات‌مدیره و دبیر سندیکا پی‌گیری می‌کند:
- ارتباط با دولت با هدف کمک به بهبود فضای کسب و کار فعالان بخش خصوصی تولید برق و حل مشکلات اعضا؛
- تاثیرگذاری بر قوانین، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط با کسب و کار اعضا با انجام مطالعات پژوهشی و بررسی در کمیسیون‌های تخصصی سندیکا
- تحلیل روندهای موجود در بخش تولید برق با هدف رصد کردن شرایط و ارائه پیشنهادهای مناسب به فراخور موضوعات مرتبط به مقامات
- همکاری با سایر نهادهای خصوصی و دولتی فعال در صنعت برق به منظور دست‌یابی به راه‌حل‌های مشترک برای مشکلات موجود

- ارسال گزارش پژوهشی برای معاونت تشکل‌های اتاق بازرگانی ایران
- انعکاس در تمامی سطوح اثرگذار از جمله اتاق‌های بازرگانی و مجلس شورای اسلامی با برگزاری جلسات
- انعکاس در رسانه‌ها در قالب مصاحبه‌ها و یادداشت‌های تحلیلی

۲. بازپرداخت تسهیلات ارزی نیروگاه‌هایی که وام ارزی دریافت کرده‌اند

با توجه به آنکه پس از جهش سال ۱۳۹۷ نرخ ارز، نیروگاه‌های دریافت‌کننده تسهیلات ارزی از صندوق توسعه ملی با مشکلات شدید ناشی از ناتوانی در بازپرداخت اقساط خود روبه‌رو شده‌اند و تحت فشارهای اقتصادی اجتماعی بسیاری هستند، پی‌گیری حل این مساله همچنان در سال ۱۳۹۹ نیز در دستور کار دبیرخانه سندیکا بوده است. اقداماتی که در این زمینه صورت گرفته به شرح زیر است:

- بررسی در کمیسیون مالی و اقتصادی سندیکا
- مکاتبه با معاون پیش و سیاست‌های اقتصادی معاون اقتصادی رییس جمهور به منظور ارائه پیشنهاد پرداخت اقساط به نرخ زمان دریافت وام یا تمدید قراردادهای خرید تضمینی برق
- مکاتبه با معاون هماهنگی و نظارت اقتصادی و زیربنایی معاون اول رییس جمهور به منظور پی‌گیری تنفس دو ساله و اقدامات صورت گرفته برای حل این مشکل
- مکاتبه با ریاست اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، ارسال گزارش پژوهشی و انعکاس مشکل در جلسه حضوری با ایشان
- مکاتبه با مدیر عامل شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی و ارسال پیشنهادهای سندیکا برای ایشان.
- مکاتبه با معاون اقتصادی رییس جمهور و ارسال پیشنهادهای سندیکا.
- ارسال گزارش پژوهشی برای معاونت تشکل‌های اتاق بازرگانی ایران.

- برگزاری جلسه با معاون وزیر نیرو در امور برنامه‌ریزی و اقتصادی به منظور بررسی راهکارهای موجود.
- مکاتبه با معاون اول رییس جمهور و تاکید بر ضرورت حل مساله به فوریت.
- اعلام نظر درباره مصوبه ۲۰ مرداد ۹۹ کمیسیون تخصصی هیات امنای صندوق از طریق ارتباط با معاون هماهنگی و نظارت اقتصادی و زیربنایی معاون اول رییس جمهور.
- انعکاس در رسانه‌ها در قالب مصاحبه‌ها و یادداشت‌های تحلیلی.

با توجه به اینکه این پی‌گیری‌ها تاکنون منجر به حل مشکل نشده است و با توجه به ابعاد گسترده موضوع و تبعات جبران‌ناپذیر آن برای نیروگاه‌های دارای این مشکل، پی‌گیری‌ها همچنان در سطح هیات مدیره و دبیرخانه ادامه دارد.

- پی‌گیری برگزاری جلسات با مسئولین تمامی نهادهای تصمیم‌گیر و اثرگذار و ارسال گزارش‌های پژوهشی و کارشناسی برای آن‌ها که منجر به انعکاس مشکلات اعضا به صورت مستند در تمامی سطوح از جمله اتاق‌های بازرگانی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، هیات تنظیم بازار برق، وزارت نیرو، شرکت مدیریت شبکه برق ایران، شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی و کمیسیون‌های مرتبط مجلس شورای اسلامی شده است.
- تقویت ارتباط با نهادهای تصمیم‌گیر و اثرگذار که منجر به دریافت نظرات سندیکا در ارتباط با تمامی آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط با تولید برق شده است.
- حضور فعال در انتخابات هیات‌مدیره بورس انرژی با حمایت از نماینده صنعت برق برای راهیابی به هیات‌مدیره
- همچنین در ادامه خلاصه‌ای از اقدامات سندیکا که به صورت موضوعی تفکیک شده است، تشریح می‌شود و در انتهای گزارش به برخی از شاخص‌های آماری عملکرد سندیکا پرداخته می‌شود.

۱. پی‌گیری ابلاغ نرخ جدید سقف انرژی و پایه آمادگی با اجرای دستورالعمل بند «ت» ماده ۴۸ قانون برنامه ششم

اقدامات سندیکا در این زمینه به دو بخش پیش از ابلاغ مصوبه و بعد از آن تفکیک می‌شود. پس از ابلاغ مصوبه وزیر نیرو با عنوان «اصلاح ضوابط بازار برق با هدف ارتقا درجه رقابت‌پذیری بازار برق» و با توجه به اینکه به اعتقاد سندیکا مفاد آن در انطباق کامل با دستورالعمل بند «ت» ماده ۴۸ قانون برنامه ششم توسعه نیست، خصوصا آنکه فاقد مدل مالی مشخصی است که روشن سازد سقف جدید قیمت انرژی بر چه اساسی تعیین شده است و تعدیل آن را در باقی سال‌های برنامه بر اساس تغییرات تورم و نرخ ارز تضمین کند، پی‌گیری‌ها برای تحقق این موارد همچنان ادامه دارد. اهم اقدامات سندیکا در این زمینه را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

پی‌گیری‌ها تا ابلاغ مصوبه:

- برگزاری جلسه با معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی
- برگزاری جلسه با معاون اقتصادی و هماهنگی سازمان برنامه و بودجه کشور

پی‌گیری‌ها پس از ابلاغ مصوبه:

- بررسی تبعات مصوبه و میزان انطباق آن با دستورالعمل بند ت ماده ۴۸ قانون برنامه ششم توسعه در کمیسیون بازار برق و بورس انرژی سندیکا و انعکاس نتایج بررسی به وزارت نیرو
- مکاتبه با وزیر نیرو و اعلام نظرات اصلاحی بر مصوبه
- مکاتبه با دبیر هیات تنظیم بازار برق برای دریافت پاسخ آن هیات به مشکلات شناسایی شده سندیکا به مصوبه و پی‌گیری مستمر



- پی‌گیری محاسبه زیان مالی ناشی از عدم اصلاح نرخ پایه آمادگی در بازه زمانی دو سال پایانی برنامه پنجم و برنامه ششم از شرکت‌های عضو
- برگزاری جلسه با وکیل و شرکت‌های شاکی در پرونده برای پی‌گیری جدی‌تر موضوع

۳. جبران مالی زیان نیروگاه‌ها از محل عدم تعدیل سالیانه نرخ پایه آمادگی بر اساس ضوابط دستورالعمل بند «و» ماده ۱۳۳ قانون برنامه پنجم توسعه در دو سال پایانی برنامه

با توجه به آنکه در بهار ۱۳۹۹ حکم اعمال اثر رای دادنامه شماره ۳۱۳ هیات عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر ابطال بند (۱) مصوبه شماره ۲۶۳ هیات تنظیم بازار برق، طبق ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری به زمان تصویب مصوبه بازگشت، سندیکا در نیمه نخست سال جاری اقدامات گسترده‌ای در احقاق حق اعضا از این محل انجام داد. مطابق ماده ۱۳ این قانون، اثر ابطال مصوبات از زمان صدور رای هیات عمومی است مگر در مورد مصوبات خلاف شرع یا در مواردی که به منظور جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص، هیات مذکور اثر آن را به زمان تصویب مصوبه مترتب نماید. در این مرحله انتظار می‌رود وزارت نیرو زیان مالی ناشی از عدم اجرای قانون برنامه پنجم در دو سال پایانی را بر اساس رای دیوان عدالت اداری به طور صحیح جبران کند. لازم به ذکر است تلاش سندیکا برای ملزم کردن وزارت نیرو به اجرای حکم ادامه دارد. اقدامات صورت گرفته به شرح زیر است:

۴. حل مشکلات قراردادی اعضا

از جمله مشکلات نیروگاه‌های غیردولتی تولیدکننده برق مفاد قراردادهای فروش برق آن‌ها با سازمان‌های زیر مجموعه وزارت نیرو است. در شرایط فعلی که بخش خصوصی سهم بالا را در تولید برق کشور دارد، انتظار می‌رود ساختار حقوقی و مقررات‌گذاری صنعت برق به گونه‌ای باشد که ضامن رقابت سالم و برابر و ایجاد انصاف در شرایط فعالیت بخش خصوصی و دولتی شود اما متأسفانه در عمل این گونه نیست. از جمله مصادیق بارز این ادعا می‌توان به در نظر نگرفتن خسارت تاخیر در پرداخت بهای برق خریداری شده از نیروگاه‌ها اشاره کرد در حالی که نیروگاه بابت تاخیر در پرداخت اقساط وام‌های دریافتی خود در همین زمان که مطالبات قابل توجه از شرکت‌های زیر مجموعه وزارت نیرو دارد، خسارت‌های مالی سنگین به سیستم بانکی می‌پردازد. از جمله برنامه‌های سندیکا در نیمه نخست سال ۱۳۹۹ تلاش برای اصلاح این قراردادها بوده است. همچنین سایر محورهای مرتبط با مشکلات قراردادی شرکت‌های عضو که برای رفع آن‌ها اقدام شده است مرتبط با مدارک درخواستی وزارت نیرو برای تمدید پروانه بهره‌برداری و اصلاح قراردادهای احداث بخش بخار نیروگاه‌های سیکل ترکیبی به روش بیع متقابل بوده است که مجموعه اقدامات به شرح زیر است:

اصلاح قراردادهای خرید برق:

- بررسی در کمیسیون مالی و اقتصادی سندیکا

- بررسی در کمیسیون‌های: بازار برق و بورس انرژی؛ مقررات و قراردادهای مالی و اقتصادی سندیکا
- محاسبه اعداد نرخ پایه آمادگی در طی سال‌های برنامه پنجم و ششم توسعه بر اساس فرمول برنامه پنجم در کمیسیون بازار برق و بورس انرژی سندیکا و اعلام آن به اعضا جهت محاسبه مطالباتشان بر اساس اعمال ماده ۱۳ بر ابطال بند ۱ مصوبه ۲۶۳ هیات تنظیم بازار برق
- مکاتبه با شرکت‌های عضو و ارسال دستورالعمل تهیه‌شده در کمیسیون مقررات و قراردادهای سندیکا

- مکاتبه با معاون استان‌ها و تشکل‌های اتاق ایران برای درخواست مشمولیت تمام نیروگاه‌ها از معافیت ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم
- تهیه گزارشی جامع در خصوص شرایط متفاوت نیروگاه‌ها با سایر صنایع و میزان هزینه‌های ساخت، تعمیر، نگهداری و بهره‌برداری نیروگاه‌ها در نقاط مختلف
- برگزاری جلسه با معاون کسب و کار اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

تجمیع درآمد حاصل از فروش انرژی و آمادگی در صورت حساب‌های مالی شرکت‌های عضو:

- بررسی در کمیسیون بیمه و مالیات سندیکا
- مکاتبه با شرکت‌های عضو
- مکاتبه با مدیر اداره نظارت بر ناشران گروه شیمیایی و غذایی سازمان بورس و اوراق بهادار
- مکاتبه با عضو کارگروه فنی استانداردها جامعه حسابداران رسمی ایران
- مکاتبه با سازمان بورس اوراق بهادار
- مکاتبه با کارگروه فنی استانداردها جامعه حسابداران رسمی ایران
- تشکیل جلسه با کارگروه فنی استانداردها جامعه حسابداران رسمی ایران
- مکاتبه با دبیرکل جامعه حسابداران رسمی

استرداد مالیات بر ارزش افزوده:

- بررسی در کمیسیون بیمه و مالیات سندیکا
- ارسال نامه به معاون درآمدهای مالیاتی سازمان امور مالیاتی

۶. سایر موضوعات مرتبط با بازار برق

تغییر رویه‌ها و دستورالعمل‌های شرکت مدیریت شبکه برق ایران در بازار عمده فروشی برق از جمله مواردی است که بر درآمدزایی نیروگاه‌ها اثرات قابل توجه دارد و مرتباً توسط کارشناسان کمیسیون بازار برق و بورس انرژی و در موارد مرتبط کمیسیون

- مکاتبه با شرکت مدیریت شبکه برق ایران و پی‌گیری مستمر
- مکاتبه با دبیر هیات تنظیم بازار برق و پی‌گیری مستمر
- برگزاری جلسه با نمایندگان شرکت مدیریت شبکه برق در محل سندیکا برای بررسی پیشنهادها سندیکا در مورد اصلاح قرارداد خرید برق از نیروگاه
- مکاتبه با اعضا برای استعلام جرایم پرداختی شرکت‌ها
- برگزاری جلسه با هیات تنظیم بازار برق
- تهیه گزارشی از جرایمی که نیروگاه‌های خصوصی بابت تاخیر در پرداخت‌های خود (بیمه، مالیات، اقساط وام و...) می‌پردازند و ارائه گزارش در جلسه دیگری با هیات تنظیم بازار برق

مدارک درخواستی وزارت نیرو برای تمدید پروانه بهره‌برداری:

- مکاتبه با اعضا
- مکاتبه با شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی پس از بررسی‌های کمیسیون بازار برق و بورس انرژی سندیکا
- اصلاح قراردادهای احداث بخش بخار نیروگاه‌های سیکل ترکیبی به روش بیع متقابل:
- برگزاری جلسه با نمایندگان شرکت‌های دارای این گونه قراردادهای از جمله هلدینگ‌های مپنا، صبا، ماهتاب و نیروگاه‌های کاشان، سبلان و ارومیه
- پی‌گیری موضوع از شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی

۵. پی‌گیری مشکلات مرتبط با مالیات

حل مسائل مالیاتی اعضا همواره یکی از اولویت‌های تشکل‌های کارفرمایی فعال است. اقدامات صورت گرفته در سندیکا در ۶ ماهه نخست سال در زمینه مشکلات مالیاتی عمدتاً بر محورهای معرفی نماینده برای هیات‌های حل اختلاف مالیاتی به منظور دفاع از حقوق شرکت‌ها، برخورداری از معافیت ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم، استرداد مالیات بر ارزش افزوده و پی‌گیری موضوع تجمیع درآمد حاصل از فروش انرژی و آمادگی در صورت حساب‌های مالی شرکت‌های عضو متمرکز بوده است که شرح تفصیلی اقدامات صورت گرفته برای هر یک از محورهای فوق در ذیل این توضیحات ارائه شده است.

معرفی نماینده برای هیات‌های حل اختلاف مالیاتی به منظور دفاع از حقوق شرکت‌ها:

- بررسی در کمیسیون بیمه و مالیات سندیکا
- مکاتبه با سازمان امور مالیاتی برای معرفی فرد انتخاب شده به عنوان نماینده سندیکا در هیات‌های حل اختلاف مالیاتی
- دریافت حکم فرد معرفی شده به عنوان نماینده سندیکا در هیات‌های حل اختلاف مالیاتی و ارسال به شرکت متبوع

برخورداری از معافیت ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم:

- بررسی در کمیسیون بیمه و مالیات سندیکا
- مکاتبه با شرکت‌های عضو
- مکاتبه با معاون کسب و کار اتاق تهران برای درخواست مشمولیت تمام نیروگاه‌ها از معافیت ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم



نرخ برق قراردادهای خرید تضمینی سیکل باز و بسته:

- بررسی در کمیسیون مالی و اقتصادی سندیکا
- ارائه پیشنهادهاى عنوان شده در جلسه با نمایندگان نیروگاه‌های سیکل ترکیبی دارای قرارداد ECA به شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی
- بررسی آیین‌نامه اجرایی تبصره بند (ب) ماده ۴۴ قانون برنامه ششم توسعه با موضوع تعیین قیمت خرید برق با توجه به سازوکار بازار در بورس:
- بررسی در کمیسیون بازار برق و بورس انرژی و مقررات و قراردادهای سندیکا و ارسال نظرات سندیکا طی نامه‌ای به کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران
- بررسی دستورالعمل آزمون ظرفیت هدفمند:
- بررسی در کمیسیون بازار برق و بورس انرژی سندیکا
- مکاتبه با معاون بازار برق شرکت مدیریت شبکه برق ایران و ارائه نظرات سندیکا در خصوص دستورالعمل آزمون ظرفیت هدفمند

۷. تعاملات با نهادهای اثرگذار

- برقراری ارتباط سازنده با سایر نهادهای تصمیم‌گیر و اثرگذار ضمن آنکه از جمله اصول پیشرفت و توسعه تشکل‌ها است، در زمره موثرترین کانال‌های پی‌گیری منافع اعضا نیز به شمار می‌آید. در این راستا سندیکا تلاش کرده است در قالب شرکت در جلسات، عضویت در کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران و تهیه گزارش‌های مشترک با نهادهای مستقل از جمله مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در راستای انعکاس دقیق و مستند مشکلات تولیدکنندگان غیردولتی برق عمل کند. برخی از این اقدامات در بخش زیر آمده است.
- شرکت در جلسات کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و اعلام پیشنهادهاى سندیکا به منظور قرار گرفتن

مقررات و قراردادها و مالی و اقتصادی سندیکا رصد می‌شود تا اقدامات لازم صورت گیرد. از جمله مهم‌ترین محورهایی که در این زمینه در نیمه نخست سال ۱۳۹۹ مطرح شده و سندیکا بر روی آن‌ها اقدام کرده است عبارتند از: تصمیم‌گیری در مورد ابلاغ نرخ‌های جدید هزینه متغیر تولید؛ رویه جدید بازار میان‌روزی؛ حضور نیروگاه‌های دولتی در بورس انرژی؛ نرخ برق قراردادهای خرید تضمینی سیکل باز و بسته؛ بررسی آیین‌نامه اجرایی تبصره بند (ب) ماده ۴۴ قانون برنامه ششم توسعه با موضوع تعیین قیمت خرید برق با توجه به سازوکار بازار در بورس و بررسی دستورالعمل آزمون ظرفیت هدفمند. شرح تفصیلی این اقدامات به شرح زیر است:

تصمیم‌گیری در مورد ابلاغ نرخ‌های جدید هزینه متغیر تولید:

- بررسی در کمیسیون بازار برق و بورس انرژی سندیکا
- مکاتبه با دبیر هیات تنظیم بازار برق
- مکاتبه با شرکت مدیریت شبکه برق ایران

رویه جدید بازار میان‌روزی:

- بررسی در کمیسیون بازار برق و بورس انرژی سندیکا
 - تشکیل جلسه کارگروه بازار میان‌روزی سندیکا با نمایندگان شرکت مدیریت شبکه برق و هیات تنظیم بازار برق
 - اعلام نظرات کارگروه بازار میان‌روزی سندیکا به شرکت مدیریت شبکه برق ایران و دبیرخانه هیات تنظیم بازار برق
- ### حضور نیروگاه‌های دولتی در بورس انرژی:

- بررسی در کمیسیون بازار برق و بورس انرژی و مالی و اقتصادی سندیکا.
- بررسی اطلاعیه بورس انرژی ایران در مورد عرضه نیروگاه‌های دولتی در بورس انرژی و اعلام نظر سندیکا.
- ارسال نظرات و پیشنهادهاى سندیکا طی نامه‌ای به وزیر نیرو.
- ارسال گزارش پژوهشی برای معاونت تشکل‌های اتاق بازرگانی ایران.

۱۰. اقدامات دبیرخانه سندیکا پس از شیوع کووید - ۱۹

- ۱۰-۱. اقدامات صورت گرفته به منظور انطباق محیط کاری با شرایط جدید در کمترین زمان ممکن
- تشکیل گروه‌های مجازی در نرم‌افزار اسکایپ برای برگزاری بدون خلل جلسات هیات مدیره و کمیسیون‌های سندیکا.
 - در نظر گرفتن تمهیدات لازم و برگزاری دوره‌های آموزشی در قالب وبینارهای آموزشی.
 - کاهش حضور فیزیکی نیروی انسانی دبیرخانه از طریق فراهم آوردن امکان دورکاری و تهیه گزارشات منظم روزانه توسط نیروی کار موجود به منظور اطمینان از انجام درست و مطابق زمان‌بندی فعالیت‌ها در شرایط کاری جدید.
 - برگزاری مجمع عمومی عادی سالیانه سندیکا پیش از گسترش محدودیت‌های ناشی از فاصله‌گذاری اجتماعی و با رعایت کامل پروتکل‌های موجود.

۱۰-۲. اقدامات صورت گرفته برای اعضا

- ارسال اقلام بهداشتی (ماسک و الکل) برای شرکت‌های عضو.
 - مذاکره با آزمایشگاه کاوه به منظور بهره‌مندی اعضا از تخفیف تست کووید ۱۹ و اطلاع‌رسانی به شرکت‌های عضو.
- خلاصه شاخص‌های آماری عملکرد سندیکا در نیمه نخست سال ۱۳۹۹**
- برگزاری ۱۰ جلسه هیات مدیره علی‌رغم محدودیت‌های ناشی از فاصله‌گذاری اجتماعی و تعطیلات نوروز؛
 - اجرای کامل ۸۴ درصدی مصوبات هیات مدیره (۱۶ درصد باقی در حال انجام است)؛
 - انتشار ۱۰۵ شماره بولتن روزانه، تهیه ۸۷ خبر و گزارش خبری، ۴۴ یادداشت و گزارش تحلیلی، ۲۶ مصاحبه و میزگرد و ۱۹ مورد همکاری با سایر رسانه‌ها؛
 - دریافت مجوز انتشار سراسری نشریه نیرو و سرمایه.
 - تهیه محتوا و انتشار شماره‌های ۲۹ تا ۳۱ نشریه نیرو و سرمایه؛
 - تهیه ۱۰ گزارش پژوهشی در زمینه مشکلات تولیدکنندگان غیردولتی برق؛
 - برگزاری ۳۵ جلسه کمیسیون‌های تخصصی برای بررسی موضوعات مختلف؛
 - اضافه شدن کمیسیون تخصصی بلاکچین و رسیدن تعداد کمیسیون‌های تخصصی سندیکا به ۷ کمیسیون؛
 - برگزاری چهار وبینار آموزشی با مجموع ۱۰۰۲ نفر - ساعت آموزش؛
 - اضافه‌شدن نیروگاه خلیج فارس (هرمزگان) با ۹۹۰ مگاوات ظرفیت نامی به مجموعه اعضای سندیکا؛ ■

در دستور کار بررسی این کمیسیون

- شرکت در جلسات هیات تنظیم بازار برق ایران و اعلام پیشنهادهای سندیکا به منظور قرار گرفتن در دستور کار بررسی این هیات
- انجام مصاحبه‌های تخصصی با مسئولین مرتبط به منظور انتشار در بولتن روزانه و یا نشریه نیرو و سرمایه
- تهیه گزارش‌های پژوهشی مشترک
- ارسال انتظارات تولیدکنندگان غیردولتی برق از نمایندگان جدید مجلس شورای اسلامی بلافاصله پس از روی کار آمدن و برگزاری چندین جلسه با ایشان در محل سندیکا
- برگزاری جلسات متعدد با مسئولین اتاق بازرگانی ایران، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، هیات تنظیم بازار برق، شرکت مدیریت شبکه برق ایران و ...
- همکاری با دانشگاه‌های صنعتی امیرکبیر و صنعتی شریف برای انجام پروژه‌های پژوهشی مشترک مرتبط با مشکلات اعضا

۸. تسهیل ارتباط با اعضا و تقویت روابط عمومی

حفظ، تقویت و تسهیل ارتباط با اعضا در تمامی تشکلهای فعال از اهداف اصلی و کلیدی است که در سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق نیز این هدف با جدیت پی‌گیری می‌شود. از جمله پیشرفت‌هایی که سندیکا در سال ۱۳۹۹ در این زمینه داشته است، به‌روزرسانی روزانه سایت سندیکا و نیز افزایش جامعه هدف دریافت کننده بولتن سندیکا بوده است. ضمن آنکه از ابتدای سال جاری بولتن خبری بدون استثنا در تمامی روزهای کاری منتشر شده است تا اخبار داخلی سندیکا به صورت کامل و نیز اخبار مرتبط با تولید برق را پوشش داده و در اختیار اعضا قرار دهد.

۹. اقدامات صورت گرفته در راستای خرید ساختمان سندیکا پیرو تکلیف مجمع سالیانه

از آنجا که از جمله تکالیف مجمع سالیانه سندیکا در سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ خرید ساختمان جدید برای این تشکل بوده است به گونه‌ای که امکان گسترش و توسعه فعالیت‌ها در فضایی مناسب‌تر فراهم شود، دبیرخانه سندیکا در نیمه نخست سال ۱۳۹۹ به صورت جدی بر این هدف متمرکز گردید. خلاصه اقدامات صورت گرفته در این راستا در ذیل این توضیحات ارائه شده است.

- تهیه گزارش نیازسنجی اولیه از فضای مورد نیاز.
- بحث و تبادل نظر در سطح هیات مدیره در زمینه مکان و مترای مناسب و سایر ویژگی‌های ملک مورد نظر.
- بازدید گسترده.
- ارائه سه گزارش تفصیلی از مراحل انجام کار به اعضا و نیز مکاتبه با اعضا به منظور برآورد منابع مالی برای خرید ساختمان.

برخورداری نیروگاه‌ها از معافیت ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم

تهیه‌کننده: معصومه پاشا، دبیر کمیسیون‌های سندیکا

زیرا از یک طرف جایابی برای احداث نیروگاه‌های تولید برق بر اساس الزامات شبکه سراسری برق، مراکز ثقل مصرف و توسط وزارت نیرو تعیین می‌شود و از اختیار شرکت‌های تولیدکننده برق خارج است، از طرف دیگر هزینه ساخت، تعمیر، نگهداری و بهره‌برداری نیروگاه‌ها بسته به محل احداث نیروگاه‌ها متفاوت نیست بلکه با توجه به عواملی همچون نوع واحد، سال ساخت، ظرفیت و راندمان نیروگاه‌ها می‌تواند متفاوت باشد. به عبارت دیگر سرمایه‌گذاران نیروگاهی در مرحله اول برای تعیین محل احداث نیروگاه بایستی بر اساس نیاز شبکه عمل کنند و در صورتی که بخواهند خود محل احداث نیروگاه را معین کنند با هزینه‌های هنگفت خطوط انتقال و عدم تقاضای کافی برای برق تولیدی مواجه می‌شوند. بنابراین احداث نیروگاه در منطقه کمتر توسعه یافته و یا دوری و نزدیکی به مراکز شهرها از اختیار سرمایه‌گذار نیروگاهی خارج است. در مرحله دوم پس از جایابی محل احداث نیروگاه، هزینه ساخت نیروگاه وابسته به موقعیت جغرافیایی نیست و سرمایه‌گذار برای ساخت یک نیروگاه X مگاواتی در منطقه کمتر توسعه یافته و منطقه توسعه یافته باید ۷ ریال هزینه کند. در مرحله سوم پس از احداث نیروگاه، هزینه‌های تعمیر و نگهداری و هزینه‌های بهره‌برداری نیروگاه‌ها نیز بسته به این که در کجا احداث شده‌اند و چقدر از مراکز شهرها فاصله دارند متفاوت نیست و همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد این هزینه‌ها بسته به نوع نیروگاه، ظرفیت و زمان ساخت آن‌ها می‌توانند متفاوت باشند. در مرحله آخر، درآمد حاصل از فروش برق نیروگاه‌ها مستقل از محل احداث نیروگاه است و وزارت نیرو خریدار انحصاری این کالا محسوب می‌شود. همچنین توجه به این نکته ضروری است که از آنجایی که برق یک کالای استراتژیک و امنیتی است، تولیدکنندگان برق برخلاف تولیدکنندگان سایر کالاها و خدمات در صورت کاهش درآمد و تحمل زیان، اجازه توقف تولید کالای خود را ندارند.

این در حالی است که شرکت‌های غیر دولتی تولیدکننده برق به عنوان شرکت‌های سرمایه‌گذار در این عرصه، با مشکلات بسیاری

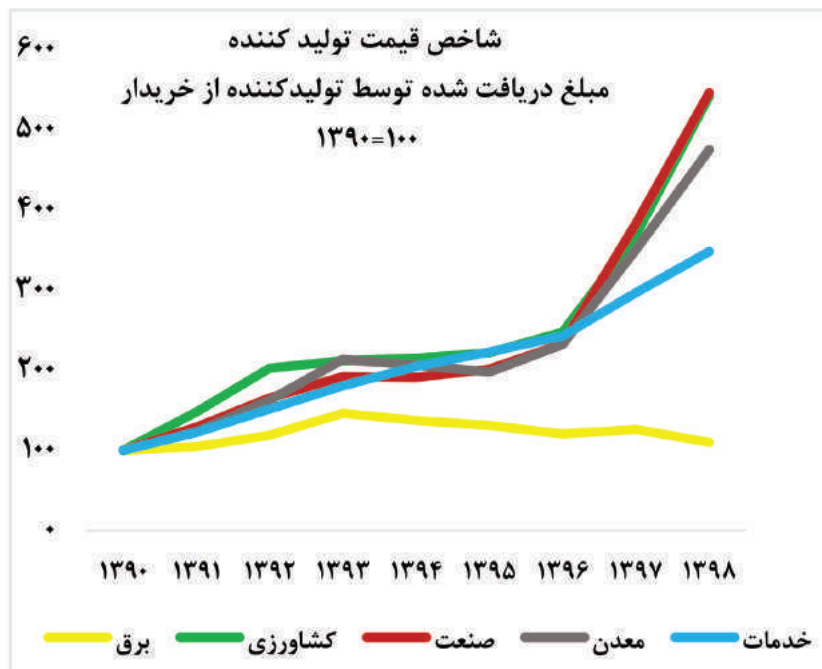
نابرابری‌های جغرافیایی در کشور موجب شده مناطق کمتر توسعه یافته و یا کمتر برخوردار، با محرومیت‌های اجتماعی و اقتصادی، سطح بالای بیکاری و درآمد سرانه پایین روبه‌رو شوند زیرا معمولاً سرمایه‌گذاران یا فعالان اقتصادی برای فعالیت در یک منطقه محروم اقتصادی، با هزینه‌های بالاتر و موانع بیشتری برای انجام فعالیت روبه‌رو هستند که این موضوع موجب می‌شود شرکت‌ها هنگام تصمیم‌گیری در مورد مکان سرمایه‌گذاری، تمایل کمتری برای فعالیت در این مناطق داشته باشند. از این رو مشوق‌های مالیاتی هدفمند (معافیت‌های مالیاتی) از جمله سیاست‌هایی است که دولت برای جذب سرمایه‌گذاری، رشد تولید و افزایش اشتغال در این مناطق به کار می‌گیرد.

بر اساس ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم، «درآمد ابرازی ناشی از فعالیت‌های تولیدی و معدنی اشخاص حقوقی غیردولتی در واحدهای تولیدی یا معدنی که از تاریخ اجرای این ماده از طرف وزارتخانه‌های ذی‌ربط برای آن‌ها پروانه بهره‌برداری صادر یا قرارداد استخراج و فروش منعقد می‌شود و همچنین درآمدهای خدماتی بیمارستان‌ها، هتل‌ها و مراکز اقامتی گردشگری اشخاص یادشده که از تاریخ مذکور از طرف مراجع قانونی ذی‌ربط برای آن‌ها پروانه بهره‌برداری یا مجوز صادر می‌شود، از تاریخ شروع بهره‌برداری یا استخراج یا فعالیت به مدت پنج سال و در مناطق کمتر توسعه یافته به مدت ده سال با نرخ صفر مشمول مالیات است و طبق بند د ماده ۱۳۲ ق.م.م، نرخ صفر مالیاتی و مشوق‌های موضوع این ماده شامل درآمد واحدهای تولیدی و معدنی مستقر در شعاع یکصد و بیست کیلومتری مرکز استان تهران و پنجاه کیلومتری مرکز استان اصفهان و سی کیلومتری مراکز سایر استان‌ها و شهرهای دارای بیش از سیصد هزار نفر جمعیت براساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن نمی‌شود.»

در این بین، نیروگاه‌های غیر دولتی تولیدکننده برق شرایطی متفاوت از سایر شرکت‌ها، کارخانه‌ها و فعالیت‌های تولیدی دارند

در ادامه نمودارهای شاخص قیمت تولیدکننده در بخش‌های مختلف و سهم بخش خصوصی از تولید برق را مشاهده خواهیم کرد.

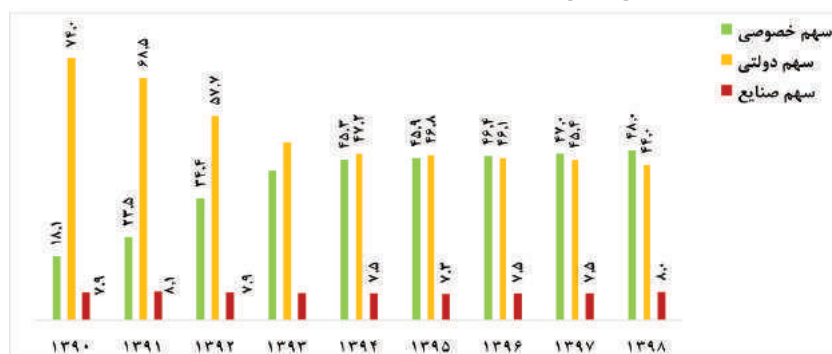
نمودار ۱: شاخص قیمت تولیدکننده در بخش‌های مختلف



منبع: مرکز آمار ایران

همان‌طور که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود شاخص قیمت تولیدکننده طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۸ در تمامی بخش‌های خدمات، معادن، صنعت و کشاورزی رشد داشته است در حالی که این شاخص در بخش برق ثابت و حتی کاهش یافته است.

نمودار ۲: سهم بخش خصوصی، دولتی و صنایع از تولید برق



منبع: گزارش‌های آمار تفصیلی صنعت برق ایران ویژه مدیریت راهبردی وزارت نیرو، واحد پژوهش سندیکا

مواجه هستند. هزینه‌های تعمیر و نگهداری بخش عمده هزینه‌های تعمیر و نگهداری نیروگاه‌ها ارزی است در حالی که درآمد آن‌ها ریالی است. از یک طرف افزایش شدید نرخ ارز موجب شده است این نیروگاه‌ها نه تنها قادر به پرداخت اقساط وام‌های ارزی دریافتی از صندوق توسعه ملی (بابت احداث و یا توسعه نیروگاه) نباشند بلکه انجام تعمیرات اساسی و دوره‌های نیروگاه‌ها نیز با مشکل مواجه شده است. از طرف دیگر انباشت مطالبات این نیروگاه‌ها از وزارت نیرو باعث شده شرایط سرمایه‌گذاران این حوزه بسیار وخیم شود و طی سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری جدید در این حوزه انجام نپذیرد. از این رو تشویق سرمایه‌گذاری در حوزه نیروگاهی امری ملی و ضروری است.

عدم مشمولیت بسیاری از نیروگاه‌های غیردولتی تولیدکننده برق از معافیت‌های مالیاتی، بار مالی زیادی برای این شرکت‌ها دارد در حالی که همان‌طور که اشاره شد شرایط تولیدکنندگان برق متفاوت از سایر فعالیت‌های تولیدی است و این شرکت‌ها در هر نقطه‌ای از کشور (مناطق کمتر توسعه یافته و یا مناطق توسعه یافته) اگر نیروگاه‌هایی از نوع همسان و مشابه داشته باشند، هزینه و درآمد یکسان دارند و به دلیل مشکلات زیادی که با افزایش نرخ ارز با آن مواجه شده‌اند، سرمایه‌گذاری در این حوزه با کاهش قابل توجهی روبه‌رو است. در حالی که به دلیل نیاز کشور به تولید برق پایدار و افزایش مصرف سالانه برق، تشویق سرمایه‌گذاران در این حوزه امری غیرقابل انکار است. لذا برخورداری تمام نیروگاه‌های تولیدکننده برق از معافیت ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم و یا سایر مشوق‌های مالیاتی می‌تواند به تشویق سرمایه‌گذاری در این حوزه کمک کند.

می‌شوند در حالی که هزینه‌های ساخت، تعمیر و نگهداری نیروگاه‌ها مستقل از مکان احداث آن‌ها می‌باشد.

در خصوص هزینه‌های ساخت، تعمیر و نگهداری نیروگاه‌ها، ذکر این نکته ضروری است که هزینه ساخت نیروگاه سیکل ترکیبی در منطقه کمتر توسعه یافته و توسعه یافته یکسان است و تقریباً ۶۰۰ یورو به ازای هر کیلووات ساعت است و هزینه ساخت نیروگاه گازی در هر منطقه جغرافیایی ۳۵۰ یورو به ازای هر کیلووات ساعت است.

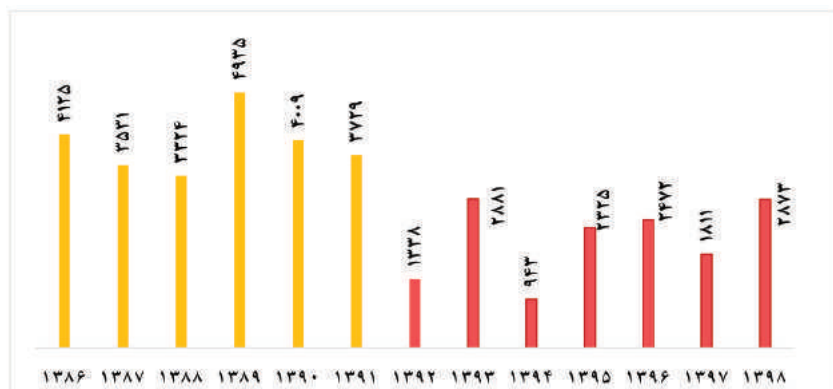
هزینه‌های تعمیر نگهداری و بهره‌برداری نیروگاه‌های سیکل ترکیبی حدود ۱۳۵ ریال به ازای هر کیلووات ساعت آمادگی و این هزینه‌ها در یک نیروگاه گازی حدود ۱۰۵ ریال بر کیلووات ساعت است. بنابراین هزینه‌های ساخت و تعمیر و نگهداری نیروگاه‌ها بسته به نوع نیروگاه، ظرفیت آن و تکنولوژی استفاده شده در آن نیروگاه متفاوت است اما این هزینه‌ها متأثر از مکان احداث نیروگاه نیستند. بنابراین هزینه‌های بهره‌برداری و تعمیرات نیروگاه‌ها نه تنها به مکان احداث نیروگاه وابسته نیست بلکه ممکن است در نیروگاه‌هایی که به دلیل قرار نگرفتن در مناطق کمتر توسعه یافته و شعاع تعریف شده قانونی، از معافیت مالیاتی برخوردار نیستند، بیشتر نیز باشد.

هزینه استهلاک نیروگاه‌ها نیز به همین صورت است. در اینجا لازم به ذکر است هزینه استهلاک نیروگاه‌ها بسته به عمر نیروگاه‌ها و سال ساخت آن‌ها متفاوت است و هزینه استهلاک نیروگاه‌های قدیمی به تبع کمتر از هزینه استهلاک نیروگاه‌های جدیدالاحداث می‌باشد. بنابراین هزینه استهلاک نیروگاه‌ها مستقل از محل احداث نیروگاه بوده و بسته به ارزش اولیه نیروگاه متفاوت است و همان‌طور که اشاره شد این موضوع نیز به عمر و سال ساخت نیروگاه بستگی دارد.

هزینه سوخت نیروگاه‌ها نیز به منطقه

نمودار ۲ سهم بخش خصوصی، دولتی و صنایع از تولید برق را طی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۹۰ را نشان می‌دهد. در راستای اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پس از تجدید ساختار در صنعت برق، زمینه ورود بخش خصوصی به تولید برق فراهم شد. همان‌طور که در نمودار ۲ مشاهده می‌شود تا سال ۱۳۹۳ به تدریج سهم بخش دولتی از تولید برق کاهش و سهم بخش خصوصی افزایش یافته اما از سال ۱۳۹۴ این سهم تقریباً ثابت مانده است. به عبارت دیگر رشد سهم بخش خصوصی از تولید برق از سال ۱۳۹۴ متوقف شده است.

نمودار ۳: افزایش سالانه ظرفیت تولید برق



منبع: گزارش‌های آمار تفصیلی صنعت برق ایران ویژه مدیریت راهبردی وزارت نیرو

نمودار ۳ افزایش سالانه ظرفیت تولید برق را طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۹۸ نشان می‌دهد. بر اساس بند د ماده ۱۳۳ قانون برنامه پنجم توسعه و بند ت ماده ۴۸ قانون برنامه ششم توسعه، دولت مکلف به افزایش توان تولید برق تا ۲۵۰۰۰ مگاوات در طول اجرای هر یک از این برنامه‌ها بوده است. با استناد به قانون برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، بایستی سالانه ۵۰۰۰ مگاوات به ظرفیت تولید برق کشور افزوده می‌شد، اما همان‌طور که در نمودار ۳ مشاهده می‌شود به جز در سال ۱۳۸۹، افزایش ظرفیت تولید سالانه هرگز به ۵۰۰۰ مگاوات پیش‌بینی شده نرسیده است، بلکه از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ این افزایش سالانه کمتر از ۳۰۰۰ مگاوات بوده که این امر نشان‌دهنده افت انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در بخش تولید برق است.

جدول ۱ وضعیت مصرف برق کشور در سال‌های اخیر را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود مصرف برق کشور از ۲۵۵۰۲۶ میلیون کیلووات ساعت در سال ۱۳۹۶ به ۲۷۱۹۰۱ میلیون کیلووات ساعت در سال ۱۳۹۸ رسیده است. این افزایش مصرف سالانه، نیازمند افزایش ظرفیت تولید و در نتیجه افزایش سرمایه‌گذاری در صنعت نیروگاهی است. در حالی که طبق نمودار ۳ افزایش سالانه ظرفیت و توان تولید بسیار کمتر از میزان هدف‌گذاری شده در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه بوده است.

بنابراین در حالی که اطلاعات آماری مربوط به میزان مصرف برق در کشور و افزایش ظرفیت تولید برق حاکی از آن است که سرمایه‌گذاری در این صنعت با کاهش چشمگیری روبه‌رو است، نیروگاه‌های احداث شده در مناطق توسعه یافته و یا خارج از شعاع تعریف شده در ماده ۱۳۲ ق.م.ب.ار مالیاتی بابت عدم برخورداری از معافیت مالیاتی مذکور متحمل

عدم مشمولیت بسیاری از نیروگاه‌های غیردولتی تولیدکننده برق از معافیت‌های مالیاتی، بار مالی زیادی برای این شرکت‌ها دارد در حالی که سرمایه‌گذاری در این حوزه با کاهش قابل توجهی روبه‌رو است. لذا برخورداری تمام نیروگاه‌های تولیدکننده برق از معافیت ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم و یا سایر مشوق‌های مالیاتی می‌تواند به تشویق سرمایه‌گذاری در این حوزه کمک کند.

و نیروگاه‌های تولیدکننده برق تحت هیچ شرایطی اجازه توقف تولید ندارند. بنابراین استثنای قائل‌شدن شرکت‌های تولیدکننده برق برای مشمولیت معافیت‌های مالیاتی موجب تشویق سرمایه‌گذاری در این حوزه و تامین منافع ملی خواهد شد و اعطای مشوق‌های مالیاتی هدفمند، یکی از سیاست‌های موثر در جذب سرمایه‌گذاری، افزایش تولید و اشتغال است. ■

جغرافیایی محل احداث نیروگاه بستگی ندارد بلکه با توجه به نوع، ظرفیت و راندمان نیروگاه متفاوت است.

بنابراین همان‌طور که مشاهده می‌شود نیروگاه‌های تولیدکننده برق با سایر فعالیت‌های تولیدی همچون کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی تفاوت ماهیتی دارند و صرف واقع شدن آن‌ها در یک منطقه کمتر توسعه یافته و یا فاصله تعریف شده برای استفاده از معافیت‌های مالیاتی قانون مالیات‌های مستقیم از مراکز استان‌ها، به معنی هزینه‌های بیشتر احداث، بهره‌برداری، تعمیر و نگهداری نیست بلکه هزینه‌های نیروگاه‌ها بسته به نوع نیروگاه و نوع تعمیرات نیروگاه در سال (تعمیرات اساسی، تعمیرات دوره‌ای و ...) متفاوت خواهد بود. از این رو مشمولیت تمام نیروگاه‌های تولیدکننده برق از معافیت ماده ۱۳۲ ق.م.م به دلیل هزینه‌های بالای سرمایه‌گذاری در این حوزه و جذب سرمایه، یک منفعت ملی محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری:

وضعیت موجود نشان‌دهنده مشکلات عمده تولیدکنندگان غیر دولتی برق و کاهش سرمایه‌گذاری‌ها در این حوزه است. از یک طرف افزایش مصرف سالانه برق را شاهد هستیم که نیازمند افزایش ظرفیت تولید و در نتیجه افزایش سرمایه‌گذاری در صنعت نیروگاهی است، از طرف دیگر افزایش سالانه ظرفیت و توان تولید بسیار کمتر از میزان هدف‌گذاری شده در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه بوده است. این موضوع نشان‌دهنده افت انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در نیروگاه‌های تولید برق است.

همان‌طور که اشاره شد ماهیت کالای تولیدی شرکت‌های تولیدکننده برق با کالای تولید شده در فعالیت‌های تولیدی متفاوت است. از این منظر که جایابی احداث نیروگاه‌ها در اختیار سرمایه‌گذار نیروگاهی نیست، هزینه‌های احداث، تعمیر، نگهداری و بهره‌برداری نیروگاه‌ها صرفاً به نوع نیروگاه (گازی یا سیکل ترکیبی) بستگی دارد و مستقل از محل احداث نیروگاه است (چه بسا هزینه تعمیرات نیروگاهی در منطقه توسعه‌یافته بیشتر از منطقه کمتر توسعه‌یافته شود)، قیمت برق خریداری‌شده از نیروگاه‌ها بسته به محل احداث نیروگاه متفاوت نیست، درآمد نیروگاه‌ها ریالی و هزینه ساخت و بخش عمده هزینه‌های تعمیرات اساسی نیروگاه‌ها ارزی است و این موضوع متاثر از منطقه جغرافیایی نمی‌باشد

جدول ۱- وضعیت مصرف برق کشور (میلیون کیلووات‌ساعت)

ردیف	شرح	سال ۹۶	سال ۹۷	سال ۹۸	درصد تغییرات ۹۷ به ۹۶	درصد تغییرات ۹۸ به ۹۷
۱	خانگی	۸۳۴۰۳	۸۵۰۹۹	۸۹۲۰۵	۴/۸	۵/۱
۲	عمومی	۲۴۳۲۸	۲۴۰۷۳	۲۴۷۱۳	-۲	-۱/۰
۳	کشاورزی	۳۹۳۷۹	۳۸۰۳۳	۳۸۵۷۴	۱/۴	-۱/۰
۴	صنعتی	۸۴۲۱۸	۸۸۵۴۱	۹۴۴۷۰	۶/۷	۳/۸
۵	سایر مصارف	۱۸۶۸۱	۱۸۹۹۰	۲۰۰۴۵	۵/۶	-۱/۶
۶	روشنایی معابر	۵۰۱۷	۴۹۸۸	۴۸۹۴	-۱/۹	-۵/۴
۷	کل	۲۵۵۰۲۶	۲۵۹۷۲۴	۲۷۱۹۰۱	۴/۷	۲/۵

منبع: گزارش آماری سالانه صنعت آب و برق، وزارت نیرو

هم‌اندیشی مجازی؛ مسائل حقیقی

گزارش نشست مجازی هم‌اندیشی هیات‌مدیره سندیکا با اعضا



ایران هماهنگی‌هایی انجام شده است. پس از آن به پرسش‌های اعضای نشست در خصوص پیشنهادهای اصلاحی راه‌یافته به کمیسیون تلفیق مجلس، پاسخ داده شد.

در ادامه، ابراهیم خوش‌گفتار نایب‌رییس هیات‌مدیره سندیکا ضمن ارائه توضیحاتی در باره اقدامات انجام‌شده از سوی نیروگاه‌ها و سندیکا برای دریافت حکم دیوان عدالت اداری در خصوص لغو بند ۱ مصوبه شماره ۲۶۳ هیات تنظیم بازار برق، از اعضا درخواست کرد مشارکتی حداکثری در تهیه و امضای نامه‌ای مشترک به رییس هیات عمومی دیوان عدالت اداری برای پی‌گیری این موضوع داشته باشند. همچنین در پاسخ به پرسشی در این باره عنوان شد که در نامه مذکور طرح شکایت از شخص یا ارگان خاصی صورت نخواهد گرفت و تنها درخواست اجرای حکم مطرح خواهد شد.

در بخش سوم این جلسه سید احمد مطهری نایب‌رییس هیات‌مدیره سندیکا در خصوص تمدید پروانه بهره‌برداری نیروگاه‌ها

نشست هم‌اندیشی هیات‌مدیره سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق با اعضای این تشکل روز شنبه بیستم دی ماه به صورت مجازی برگزار شد. در ابتدای نشست، محمدعلی وحدتی رییس هیات‌مدیره سندیکا به مدیران حاضر در نشست خیر مقدم گفت و موضوع نشست را تحلیل لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ در بخش برق و پیشنهادهای اصلاحی سندیکا، گزارش پی‌گیرهای انجام‌شده درباره اجرای احکام دیوان عدالت اداری و اتخاذ تصمیم در این خصوص و همچنین بررسی شرایط جدید تمدید پروانه بهره‌برداری و تصمیم‌گیری در باره آن، اعلام کرد.

سپس کلیاتی از لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ و پیشنهادهای اصلاحی سندیکا بر آن را مدیر دفتر پژوهش سندیکا ارائه کرد. همچنین اعلام شد که برای اعمال این اصلاحات، با تعدادی از روسا و نمایندگان کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌های مجلس، شرکت‌های توانیر و مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی و اتاق

محمدرضا پناهی مدیرعامل شرکت تولید برق خوزستان غدیر و فریبرز مومنی مدیرعامل شرکت نیروگاه گازی فارس، با اشاره به تجربه‌ها و مشکلات مشابه شرکت‌های مربوطه برای تمدید پروانه بهره‌برداری، به بیان گلایه‌های خود از همکاری نکردن سازمان‌های زیرمجموعه وزارت نیرو در این خصوص، پرداختند و درخواست سندیکا را از اعضا مبنی بر همکاری در افشاندن اطلاعات محرمانه، مورد تایید و تاکید قرار دادند.

در بخش دیگری از این جلسه پیشنهادی از سوی محمد کبیری مدیرعامل شرکت تولید نیروی برق دماوند در مورد اقدامات لازم در خصوص نرخ خرید برق ارائه شد. بر اساس این پیشنهاد مقرر شد با توجه به ارائه‌نشدن مدل مالی مشخصی برای اصلاح نرخ خرید برق و نامعلوم بودن شرایط نرخ سقف بازار برق در سال ۱۴۰۰، مشروحاتی از اقدامات و مکاتبات سندیکا در نامه‌ای برای اعضا ارسال شود تا شرکت‌های عضو بر اساس آن هر یک به صورت جداگانه با تهیه و ارسال نامه‌هایی به معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی و رونوشت به سندیکا برای پی‌گیری‌های لازم اقدام کنند.

در این جلسه همچنین اشاره شد پیش از این در سال ۱۳۹۸ مشکلات تولیدکنندگان برق در نامه‌ای از سندیکا به وزیر نیرو تبیین و درخواست ملاقاتی حضوری با این مقام مسئول مطرح شده که تاکنون بی‌پاسخ مانده است. بر این اساس مقرر شد مجدداً با تهیه و ارسال نامه‌ای خطاب به مقام عالی وزارت نیرو، ضمن بیان اهم مسائل تولیدکنندگان غیر دولتی برق، درخواست رسیدگی به این مسائل مطرح شود.

بخش پایانی این نشست به بررسی موضوع گواهی ظرفیت اختصاص یافت و نمایندگان شرکت‌های عضو به ارائه نظراتی در این خصوص پرداختند که تا حدود زیادی با موارد مطرح شده در جلسه اخیر هیات‌مدیره همگرا بود؛ از جمله آن که عنوان شد در بحث گواهی ظرفیت می‌بایست موارد مربوط به مشمولین برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه تفاوت داشته باشد. همچنین با ارائه توضیحاتی در خصوص مکاتبات سندیکا در این باره که پیش از این برای تمام اعضا نیز ارسال شده است، مقرر شد پی‌گیری‌های سندیکا در این باره طبق روال قبلی ادامه یابد. ■

به ارائه توضیحاتی پرداخت و با اشاره به اقدامات سندیکا از جمله جلسات و مکاتبات صورت گرفته برای حل این موضوع، خاطر نشان کرد: شرکت‌های مادر تخصصی برق حرارتی، مدیریت شبکه برق و ... نباید انتظار ارائه مدارکی را داشته باشند که مسائل محرمانه مالی شرکت‌های تولیدکننده برق در آن ذکر شده است.

وی در این خصوص افزود: برای متمر ثمر بودن پی‌گیری‌های صورت گرفته، زمانی که نهادهای ذی‌ربط از نیروگاه‌ها خواستار ارائه اطلاعاتی می‌شوند که محرمانه است و یا قانونی مبنی بر اجازه دریافت آن‌ها وجود ندارد، شرکت‌های عضو یک‌صدا و هماهنگ از افشای چنین اطلاعاتی خودداری کنند و اگر می‌خواهند اطلاعاتی را افشا کنند ابتدا با سندیکا مشورت کنند تا نمایندگان این تشکل به پشتوانه حمایت یکدست و هماهنگ اعضا، این موضوع را برای کاهش مشکلات اعضا، تا حصول نتیجه و در صورت امکان، بازنگری در آیین‌نامه تمدید پروانه بهره‌برداری پی‌گیری کنند.

این موضوع مورد استقبال اعضای سندیکا قرار گرفت و پیمان کنعان مدیرعامل شرکت توسعه مولد نیروگاهی جهرم،

در پانزدهمین جشنواره ملی انتشارات روابط عمومی؛ روابط عمومی سندیکا بر قله افتخار ایستاد



در پانزدهمین جشنواره ملی انتشارات روابط عمومی که توسط انجمن متخصصان روابط عمومی برگزار شد، دیپلم زرین افتخار با کسب چند رتبه برتر در این دوره از جشنواره، به روابط عمومی سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق رسید.

در مراسم پایانی این جشنواره که که صبح روز چهارشنبه سوم دی ماه با حضور محمد خدادی معاون امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و شماری از چهره‌های دانشگاهی و مدیران و کارشناسان حوزه روابط عمومی و روزنامه‌نگاری در مرکز همایش‌های سازمان مدیریت صنعتی برگزار شد، روابط عمومی سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق در بخش‌های ویژه‌نامه، نشریه داخلی (سرمقاله) و نحوه ارائه آثار، حائز رتبه نخست کشوری و در بخش‌های بروشور و نشریه داخلی (مصاحبه) شایسته تقدیر شناخته شد.

در این دوره از جشنواره ملی انتشارات روابط عمومی که روابط عمومی‌های دانشگاه‌ها، وزارتخانه‌ها، نهادها، سازمان‌ها و شرکت‌های خصوصی و دولتی حضور داشتند، از میان ۱۷۸۶ اثر ارسالی، ۲۰ روابط عمومی در سطح استانی و ۲۵ مورد در سطح ملی شایسته تقدیر شناخته شدند و از آن‌ها مدیران روابط عمومی سه روابط عمومی برتر کشور (از جمله روابط عمومی سندیکا) در صدر دیگر شرکت‌کنندگان، با اهدای تندیس جشنواره و دیپلم زرین افتخار، تجلیل به عمل آمد.

گفتنی است داوری آثار این دوره از جشنواره توسط استادان برجسته و صاحب نظر علوم ارتباطات و روزنامه‌نگاری انجام شده است. پرویز غیاث‌الدین دبیر سندیکا در این خصوص ضمن اشاره به آنکه سندیکا پیش از این نیز در کسب رتبه‌های برتر توانمند

ظاهر شده است گفت: خوشبختانه در سال‌های اخیر سندیکا موفق به کسب چند افتخار شده است؛ در سال گذشته این تشکل طی ارزیابی صورت‌گرفته توسط اتاق بازرگانی ایران، در میان صدها تشکل بخش خصوصی عضو پارلمان بخش خصوصی، با کسب بالاترین جایگاه، حائز رتبه A شد، در حالی که تنها تعداد انگشت‌شماری (۴ تشکل) از تشکل‌های فعال در کشور در این افتخار با سندیکا سهیم بوده‌اند.

وی افزود: در سال جاری همچنین پروانه انتشار سراسری نشریه «نیرو و سرمایه» از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت شد که با این اقدام، این نشریه از حالت داخلی خارج به رسانه‌ای سراسری برای بازتاب و انتقال هر چه وسیع‌تر موضوعات و مسائل اعضای سندیکا تبدیل شده است که می‌تواند روی دکه‌های روزنامه‌فروشی قرار گیرد، اجازه دریافت آگهی از شرکت‌های مرتبط را نیز داشته باشد و همچنین با جذب مشترکین جدید گستره وسیع‌تری مخاطبین را در بر گیرد.

به گفته دبیر سندیکا افتخار دیگری که اخیراً نصیب سندیکا شد، نتیجه درخشان روابط عمومی این تشکل در ارزیابی صورت‌گرفته طی پانزدهمین جشنواره ملی انتشارات روابط عمومی بود. در این دوره از جشنواره، روابط عمومی سندیکا در میان روابط عمومی‌های موسسات مختلفی از سراسر کشور، اعم از وزارتخانه‌ها بانک‌ها و شرکت‌های خصوصی و دولتی و تشکل‌ها، با بالاترین امتیاز، در سه شاخص مقام اول را کسب کرد و در دو شاخص دیگر شایسته تقدیر شناخته شد و موفق به کسب لوح زرین افتخار این جشنواره شد. دبیر سندیکا با بیان این مطالب خاطر نشان کرد: این عناوین و نتایج نتیجه زحمات همکاران ما در سندیکا است که امیدواریم این روند همچنان ادامه یابد و سندیکا بتواند با کسب موفقیت‌های روزافزون، هر روز در بخش‌های مختلف برای اعضای محترم خود کسب افتخار کند. ■

شرکت سرمایه‌گذاری برق و انرژی غدیر تلاش بدون توقف در اتمام پروژه‌های نیمه‌تمام

رپرتاژ آگهی شرکت سرمایه‌گذاری برق و انرژی غدیر



تجدیدپذیر کشور، کسب سهم ۲ درصدی از تجارت حامل‌های انرژی کشور (خرید، فروش و سوآپ برق، گاز و سایر حامل‌های انرژی)، فروش حداقل ۳۰ درصد برق تولیدی از طریق قراردادهای دوجانبه با مصرف‌کنندگان عمده، بخشی از اهداف کمی این شرکت در افق ۱۴۰۴ است.

دکتر سید فریدالدین معصومی، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری برق و انرژی غدیر که از آذر ماه سال ۱۳۹۷، مسئولیت مدیریت این هلدینگ را بر عهده گرفته است، با اشاره به پروژه‌هایی که طی دو سال گذشته توسط این مجموعه به انجام رسیده است، گفت: سنکرون واحدهای اول و دوم گازی نیروگاه سیکل ترکیبی قشم، احداث پست GIS نیروگاه قشم، موفقیت در انجام عملیات تست و راه‌اندازی پست ۴۰۰/۲۳۰ کیلوولت نیروگاه لامرد در مدت زمان کمتر از یک ماه، امکان تامین برق کارخانه آلومینیوم تا ۲۰۰ مگاوات پیش از آماده‌شدن

شرکت سرمایه‌گذاری برق و انرژی غدیر مهر ماه ۱۳۹۰ با هدف توسعه ظرفیت نیروگاه‌های تولید برق، توسعه ظرفیت تولید انواع آب، توسعه تجارت حامل‌های انرژی و توسعه تولید برق از انرژی‌های تجدیدپذیر تشکیل شد. کسب سهم ۱۰ درصدی از ظرفیت تولید برق ایران، استقلال ۸۰ درصدی منابع سرمایه‌گذاری از آورده سهامداران، کسب سهم ۳۰ درصدی از ظرفیت تولید برق انرژی‌های



هم نبود، حداقل زیان‌ده هم نباشد. احداث پست GIS نیروگاه قشم هم به دلیل تحریم‌های آمریکا با استفاده از توانمندی شرکت‌های داخلی و بدون حضور و نظارت پیمانکار خارجی در ۶۵ روز (معمولا برای انجام این کار ۱۵۰ روز در نظر گرفته می‌شود) صورت گرفت. برای این پروژه بیش از ۳۰۰ میلیارد تومان در مقطع کوتاهی، اعتبار نقدی پرداخت کردیم، البته سهامدار دیگر پروژه نیز به همین میزان پرداختی داشته است.

مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری برق و انرژی غدیر درباره موفقیت در راه‌اندازی پست نیروگاه لامرد، اظهار داشت: عملیات تست و راه‌اندازی پست ۴۰۰/۲۳۰ کیلوولت نیروگاه لامرد در مدت زمان کمتر از یک ماه انجام شد و امکان تامین برق کارخانه آلومینیوم تا ۲۰۰ مگاوات را فراهم کرد که این مقدار تا پایان سال به ۵۲۰ مگاوات خواهد رسید. ظرفیت تولید آلومینیوم کشور تا امروز به اندازه یک فاز کارخانه آلومینیوم جنوب نبوده است، فاز اول این کارخانه ۳۰۰ هزار تن ظرفیت تولید دارد که در فازهای بعدی این ظرفیت به یک میلیون تن خواهد رسید و شرکت ما برق این مجموعه بزرگ را تامین می‌کند.

وی درباره ضرورت توجه و سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر با توجه به ظرفیت موجود در کشور افزود: ماده ۵۰ برنامه ششم توسعه دولت را موظف کرده با اولویت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی (داخلی و خارجی) سهم انرژی‌های پاک را به حداکثر ۵ درصد ظرفیت برق کشور برساند. به همین منظور سیاست‌های تشویقی خاصی مانند معافیت‌های مالیاتی و نرخ‌های خرید جذاب را نیز برای احداث این گونه از نیروگاه‌ها برای سرمایه‌گذاران تدوین کرده است، اما در عمل سرمایه‌گذاران همچنان درگیر مسائلی مانند



زیرساخت‌های کارخانه آلومینیوم با تکمیل و برقداری پست ۴۰۰/۲۳۰ کیلوولت و خط انتقال برق ۲۳۰ کیلوولت فی‌مابین پست و کارخانه آلومینیوم (به طول ۷۰۰ متر) و اتصال آن به شبکه سراسری عسلویه-لامرد از طریق خط انتقال ۴۰۰ کیلوولت به طول ۱۱ کیلومتر، احداث خط انتقال ۴۰۰ کیلوولتی منشعب از خط عسلویه-خنج به طول ۳۵ کیلومتر از مهمترین پروژه‌های این شرکت در این مقطع بوده است.

وی ادامه داد: طراحی و ساخت ربات تمیزکننده صفحات خورشیدی، طراحی و ساخت مواد نانو جهت ممانعت از نشست گردوغبار بر روی صفحات خورشیدی، جایگزینی قطعات ساخت داخل با انجام اصلاحات مورد نیاز در سیستم فنی واحدها، انعقاد حدوداً ۲۱۰ مگاوات قرارداد فروش برق بصورت دوجانبه به متقاضیان صنعتی (شرکت‌های زیرمجموعه سرمایه‌گذاری غدیر)، نهادت بدهی برق مصرفی شرکت‌های گروه غدیر به میزان ۱۰۰۰ میلیارد ریال از محل مطالبات فروش برق، آغاز احداث نیروگاه خورشیدی به ظرفیت ۱۰ مگاوات در شهر کوشک استان یزد، آغاز احداث نیروگاه خورشیدی ۱۰۰ کیلوواتی بر روی بام ساختمان تربیت بدنی دانشگاه تهران، پیشبرد پروژه‌های بادی در ساختگاه‌های اسديه و سلم‌آباد و نوآوری در ساخت سیستم «یونیورسال جوینت» بخش دنبال‌کننده خورشیدی، از دیگر پروژه‌ها و اقداماتی است که توسط این شرکت انجام و به بهره‌برداری رسیده است.

دکتر معصومی با اشاره به اینکه بعد از گرفتن مسئولیت در این شرکت، تمرکز خود را بر اتمام پروژه‌های نیمه‌تمام قرار داده است، تصریح کرد: در نیروگاه سیکل ترکیبی قشم که پیشرفت ۳۴ درصدی داشت، فقط توربین‌های گازی داخل سایت رفته و اقدام قابل توجه دیگری انجام نشده بود و اتمام آن حداقل دو سال نیاز داشت. پروژه‌های نیروگاهی اصلاً دارای توجیه اقتصادی نیستند و اگر نیمه‌کاره رها شوند، شرایط اقتصادی بسیار بدی خواهند داشت. با توجه به این مساله در پروژه نیروگاه قشم دو واحد گازی را به بهره‌برداری رسانده و طوری عمل کردیم که اگر پروژه سودده



اسدیبه و سلم آباد از استان خراسان جنوبی آغاز خواهد شد و این اقدام نوید شتاب هر چه بیشتر تولید برق از این نعمت خدادادی را به همراه خواهد داشت. با توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر، در مصرف ۶۱ میلیارد متر مکعب گاز که در سال به نیروگاه‌ها اختصاص داده و برای تولید برق مصرف می‌شود، صرفه‌جویی خواهد شد. مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری برق و انرژی غدیر درباره علت و تاکید این شرکت در به اتمام رساندن پروژه‌های نیمه‌تمام و سیاست خود در پرهیز از شروع پروژه‌های بلندمدت گفت: شرایط اقتصادی کشور باثبات نیست و هر روز با اتفاق جدیدی روبه‌رو هستیم، با توجه به این مساله، آفت پروژه‌های بلندمدت، تغییرات مکرر عناصر اقتصادی موثر بر پروژه است. برای



زمان بردن اخذ مجوزها، مکان نیروگاه، اخذ معافیت‌های گمرکی و قرارداد با ساتبا هستند.

دکتر معصومی ادامه داد: در ایران روزانه به‌طور متوسط ۴,۵ تا ۵,۵ کیلووات‌ساعت انرژی خورشیدی بر هر متر مربع بر سطح زمین می‌تابد و ۳۰۰ روز آفتابی در ۹۰ درصد از سطح کشور وجود دارد. در صورتی که فقط ۱ درصد (یک درصد) از مساحت ایران با نیروگاه برق خورشیدی با راندمان تولید ۱۸ درصد پوشش داده شود، می‌توان روزانه ۱۶/۲ میلیون مگاوات ساعت انرژی خورشیدی را دریافت کرد که با احتساب ۳۶۵ روز سال میزان تولید سالانه برابر ۵۹۰۰ میلیون مگاوات ساعت خواهد شد (تولید برق نیروگاه‌های کشور در سال ۱۳۹۸ حدوداً برابر ۳۲۷ میلیون مگاوات‌ساعت بوده است). شرکت سرمایه‌گذاری برق و انرژی غدیر در حوزه تنوع نیروگاهی هم اکنون ۳۰ مگاوات برق از نیروگاه‌های تجدیدپذیر خورشیدی در شهرهای قم، مهریز یزد و جرقویه اصفهان تولید می‌کند. در سال جاری نیز عملیات اجرایی چهارمین نیروگاه خورشیدی غدیر با ظرفیت ۱۰ مگاوات در شهر کوشک استان یزد آغاز شده که امید است با اقدامات انجام شده در ابتدای سال ۱۴۰۰ مردم و صنایع آن منطقه از برق تولیدی آن بهره‌مند شوند. نیروگاه خورشیدی ۱۰۰ کیلوواتی که در آینده نزدیک بر روی بام ساختمان تربیت‌بدنی دانشگاه تهران نیز احداث خواهد شد، در راستای تعهد اجتماعی این شرکت و همراهی دانشگاه و صنعت به اجرا در خواهد آمد.

وی خاطر نشان کرد: با مطالعات انجام شده توسط کارشناسان شرکت، پروژه‌های نیروگاه بادی به ظرفیت ۱۰۰ مگاوات در ساختگاه‌های



کرده‌ایم اما مطمئن هستیم که از بیرون مجموعه نیز شرکت‌هایی برای دریافت خدمات تعمیرات سراغ ما خواهند آمد، در این زمینه هفته گذشته با یک شرکت معتبر که توانمندی ساخت داخل دارد، تفاهم‌نامه‌ای امضا کردیم. با توجه به شرایط اقتصادی کشور، بهره‌مندی ارزان قیمت نیروگاه‌ها از خدمات این شرکت تعمیراتی، در مدیریت هزینه‌های سنگینی که با آن روبه‌رو هستند، تاثیرگذار خواهد بود. پولی که توسط وزارت نیرو به نیروگاه‌ها پرداخت می‌شود، حتی تکافوی هزینه‌های بهره‌برداری را نمی‌دهد. متأسفانه هزینه‌های تعمیرات نیروگاهی به صورت ارزی محاسبه می‌شود که با کمک این شرکت و استفاده از ظرفیت‌های داخلی می‌توان کار تعمیرات را با قیمت پایین و ریالی انجام داد. مدیرعامل این شرکت با تاکید بر اینکه سودآوری پروژه‌ها هدف نهایی وی نبوده است، تصریح کرد: هدف نهایی بنده در این مجموعه ایجاد یک سازمان مدرن و بهره‌ور است که با استراتژی‌های مدون و معین، پروژه‌ها را به پیش برده و سود حداکثری و پایدار ایجاد کنیم. تاریخچه برق و انرژی غدیر نشان می‌دهد

کشورهایی که شرایط اقتصاد پایدار دارند و تحریمی علیه آن‌ها اعمال نشده است، طولانی شدن اجرای پروژه مشکل خاصی به وجود نخواهد آورد چون قرار نیست تغییر چندانی رخ دهد. اما در کشور ما که دارای نوسانات بالقوه و بالفعل عناصر اقتصادی است، بهتر است طول دوران پروژه کوتاه باشد. ما در شرکت سرمایه‌گذاری برق و انرژی غدیر تمام تلاش خود را بر به اتمام رساندن پروژه‌های نیمه تمام متمرکز کرده‌ایم. امروز پروژه‌های نیروگاهی بسیاری در کشور وجود دارد که نیمه کاره رها شده‌اند، به عنوان مثال اگر ما هم اجرای پروژه نیروگاه قشم را با سه ماه تاخیر انجام می‌دادیم، قطعاً با مشکلات زیادی مواجه می‌شدیم.

دکتر معصومی با اشاره به اینکه این شرکت در حوزه تعمیرات نیروگاهی نیز فعالیت‌هایی را آغاز کرده است، ادامه داد: هنگام خرید نیروگاه گیلان از سازمان خصوصی‌سازی، شرکت تعمیرات و بهره‌برداری گیلان نیز به همراه نیروگاه خریداری شد. ما با حوزه‌های مختلف که در ساخت داخل دارای توانمندی هستند، وارد مذاکره شدیم تا ضمن کاهش هزینه‌های بهره‌برداری و تعمیرات خود، بتوانیم از ظرفیت‌های داخلی هم بهره ببریم. ما کار تعمیرات را با نیروگاه‌های خود شروع





استخراج رمازرها نیز ورود و در مزایده‌های وزارت نیرو در این بخش شرکت کرده است تا شرکت بتواند سودآوری پایداری داشته باشد.

وی ادامه داد: تیم مدیریتی جدید تاکنون چندین پرونده حقوقی را حل و فصل، بخش عمده مطالبات خود را وصول و قسمت اعظم بدهی‌هایش را نیز پرداخت کرده است. هر چند کارهای موفق بسیاری انجام شده اما هنوز با آن سازمان مدرن و بهره‌ور مطلوب فاصله داریم و در دو سالی که اصلاح ساختار را دنبال کرده‌ایم، موفقیت ۷۰ درصدی داشته‌ایم.

دکتر معصومی درباره مباحث مالی و شفافیت مالی اظهار کرد: با توجه به اینکه شرکت سرمایه‌گذاری غدیر یکی از بزرگترین شرکت‌های بورسی است و شرکت سرمایه‌گذاری برق و انرژی غدیر نیز از زیرمجموعه‌های آن شرکت است، لذا باید صورت‌ها و گزارش‌های مالی شرکت در سامانه کدال به صورت کاملاً شفاف منتشر شود.

مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری برق و انرژی غدیر در پایان با اشاره به اینکه هدف این شرکت تامین ۱۰۰ درصدی مصرف‌کنندگان عمده برق در تمام هلدینگ‌های شرکت سرمایه‌گذاری غدیر است، خاطر نشان کرد: تا امروز ۳۰ درصد برق این مجموعه‌ها توسط شرکت برق و انرژی غدیر در حال تامین شدن است و هدف ما این است که این نسبت تا نیمه اول سال ۱۴۰۰، به ۷۰ درصد و در بلندمدت به ۱۰۰ درصد برسد. در این مسیر مذاکرات قراردادی با چندین پالایشگاه و مجتمع پتروشیمی زیرمجموعه سرمایه‌گذاری غدیر انجام و تفاهم‌نامه‌ای برای تامین برق آن‌ها نیز منعقد شده است. ■

که میزان فروش برق در این مجموعه طی سال‌های مختلف پایدار نبوده و نوسانات شدیدی داشته است، این فراز و نشیب در میزان فروش نشان‌دهنده خلاءهای ساختاری است.

وی ادامه داد: در این شرکت به دنبال یک سازمان مدرن و بهره‌ور بودیم و این مهم را با اصلاح و به‌روزرسانی ساختار سازمانی که چند ماه مطالعه و تحقیق را در پی داشت از سال ۹۷ آغاز کردیم. برای اینکه این ساختار بتواند عملکرد مناسبی داشته باشد، فرایندهای سازمانی تعریف شدند و برای اجرای هر چه بهتر آن‌ها کمیته‌های تخصصی و تیم‌های چندتخصصی تعریف و تشکیل شدند. کمیته تجدیدپذیرها، کمیته تحقیق و توسعه، کمیته روابط عمومی، کمیته ریسک، کمیته حقوقی و ... از کمیته‌هایی هستند که در این مجموعه فعالیت دارند و با توجه به وظایف تعریف شده برای آن‌ها، اهداف خود را دنبال می‌کنند.

دکتر معصومی ضمن تاکید بر اهمیت فرهنگ سازمانی ادامه داد: ما در این شرکت برای تبدیل شدن به سازمان مدرن آموزش‌های خاص و متفاوت گروهی و فردی برای کارکنان مجموعه تدارک دیده شد. بخشی از دوره‌های برگزار شده عبارتند از دوره‌های روان‌شناسی، حل تعارض و دوره کار تیمی.

مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری برق و انرژی غدیر با اشاره به اینکه این مجموعه به دنبال استقلال است، تصریح کرد: شرکت با تلاش‌ها و اقدامات انجام شده در حوزه تجارت برق و انرژی یکی از شرکت‌های برتر بوده و بیش از چند صد مگاوات قرارداد دوجانبه دارد. با تغییر رویکرد در روش‌های درآمدی، این شرکت در حوزه

معرفی شرکت سرمایه‌گذاری برق و انرژی غدیر

شرکت سرمایه‌گذاری برق و انرژی غدیر در راستای پیشبرد اهداف متعالی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران با هدف سرمایه‌گذاری در صنعت برق به منظور خرید، احداث و بهره‌برداری از نیروگاه‌های حرارتی، تولید برق از انرژی‌های تجدیدپذیر، سوآپ گاز و سایر حوزه‌های مرتبط، به عنوان یکی از هلدینگ‌های زیرمجموعه شرکت سرمایه‌گذاری غدیر (سهامی عام) در پنجم مهرماه سال ۱۳۹۰ شمسی تاسیس شد.

این شرکت هم‌اکنون دارای ۲۴۰۰ مگاوات نیروگاه در حال بهره‌برداری و ۱۲۴۶ مگاوات نیروگاه در دست اقدام و در دست مطالعه و بررسی است.



چشم‌انداز

شرکت سرمایه‌گذاری برق و انرژی غدیر در افق ۱۴۰۴ به عنوان یکی از سه بنگاه برتر در توسعه صنایع برق، حامل‌های انرژی و آب در کشور است.






ماموریت






سرمایه‌گذاری در تولید و بهره‌برداری از انرژی الکتریکی، سایر حامل‌های انرژی و آب با اتکا به فناوری‌های نوین با راندمان بالا






اهداف اصلی

- کسب سهم ۵ درصدی از ظرفیت تولید برق کشور
- کسب سهم ۵ درصدی از ظرفیت تولید برق انرژی‌های تجدیدپذیر کشور
- افزایش میانگین راندمان نیروگاه‌های هلدینگ تا سطح حداقل ۵۰ درصد
- صادرات حداقل ۱ درصد برق تولیدی نیروگاه‌های هلدینگ به کشورهای همسایه
- فروش حداقل ۳۰ درصد برق تولیدی از طریق قراردادهای دوجانبه
- تولید ۷۰ هزار متر مکعب آب در روز
- کسب سهم ۲۰ درصدی از تجارت گاز کشور

شرکت‌های زیرمجموعه سرمایه‌گذاری برق و انرژی غدیر:

 شرکت تولید برق خوسان غدیر
 شرکت توسعه مسیر برق کیلان
 شرکت مدیریت تولید برق کیلان
 شرکت توسعه برق غدیر اوکسین
 شرکت غدیر انرژی هامون ابوموسی

 شرکت توسعه خدمات انرژی ارزن
 شرکت برق و انرژی خورشیدی غدیر
 شرکت بهره‌برداری و تعمیرات نیروگاه ارزن
 شرکت توسعه خورشیدی مهریز غدیر
 شرکت توسعه انرژی خورشیدی غدیر قم

 شرکت توسعه برق خوسان غدیر
 شرکت توسعه مسیر برق کیلان
 شرکت مدیریت تولید برق کیلان
 شرکت توسعه برق غدیر اوکسین
 شرکت غدیر انرژی هامون ابوموسی

بزرگترین نیروگاه غرب کشور در مدار روشنایی

گزارش میدانی نیروگاه سیکل ترکیبی ارومیه

گزارش میدانی این شماره از «نیرو و سرمایه» به بزرگترین نیروگاه غرب کشور اختصاص یافته است. واحد اول بخار نیروگاه سیکل ترکیبی ارومیه در مرداد ماه سال جاری، درست در میانه پیک تابستان و در شرایط سختی با شبکه سراسری سنکرون شد که بیماری کووید-۱۹ در کشور جولان می‌داد، اما با این حال همت و تلاش دست‌اندرکاران فنی و مدیریتی این نیروگاه از حرکت باز نایستاد و به ثمر نشست.

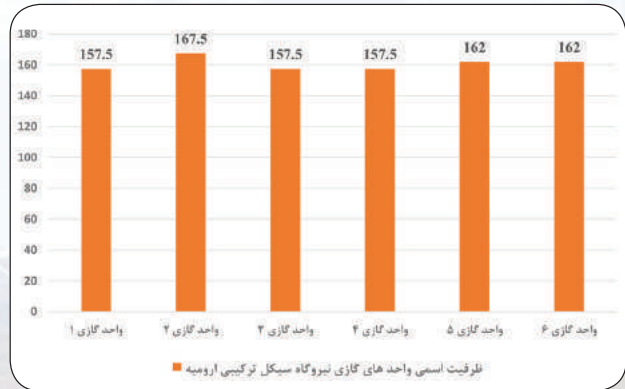
در ادامه مشروح گزارش میدانی این نیروگاه را خواهید خواند و از دریچه تصاویری گویا خواهید دید:



احداث نیروگاه سیکل ترکیبی

ارومیه در ۳۵ کیلومتری جاده ارومیه به مهاباد در ناحیه رشکان با مساحت ۱۱۰ هکتار از سال ۱۳۸۳ شروع شد. طی این مدت واحد ۱ در سال ۱۳۸۵، واحدهای ۲، ۳ و ۴ در سال ۱۳۸۶ و واحدهای ۵ و ۶ به‌عنوان واحدهای طرح توسعه نیام در سال ۱۳۸۹ به بهره‌برداری رسیده است. در راستای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در خصوص واگذاری نیروگاه‌ها به بخش خصوصی، مالکیت ۱۰۰ درصدی این نیروگاه در تاریخ ۱۹ دی ماه سال ۱۳۹۰ از طریق مزایده از طرف سازمان خصوصی‌سازی به شرکت تدبیرسازان سرآمد واگذار شد. سهامداران اصلی این نیروگاه شرکت تدبیرسازان سرآمد، شرکت گسترش انرژی پاسارگاد، شرکت تولیدی آربن‌ماهتاب‌گستر و شرکت مدیریت انرژی امید تابان هور هستند.

نیروگاه ارومیه دارای ۶ واحد گازی ساخت شرکت توگا (تحت لیسانس شرکت زیمنس آلمان) است. واحدهای ۱، ۲، ۳ و ۴ این نیروگاه نیز دارای ظرفیت اسمی ۱۵۷/۵ مگاوات، واحد ۵ و ۶ دارای ظرفیت اسمی ۱۶۲ مگاوات می‌باشد که واحد ۲ این نیروگاه در سال ۱۳۹۷ ارتقا یافته و توان تولیدی آن به حدود ۱۶۷/۵ مگاوات رسیده که در مجموع کل ظرفیت اسمی نیروگاه در بخش گازی را به ۹۶۴ مگاوات رسانده است. سوخت اصلی نیروگاه گاز طبیعی بوده و گازوئیل به‌عنوان سوخت پشتیبان است.



پس از واگذاری نیروگاه به بخش خصوصی به دلیل مشکلات اساسی در بعضی از زیرساخت‌ها و تجهیزات نیروگاه، مدیران شرکت تدبیرسازان سرآمد هر سال با اختصاص مبلغی از درآمد نیروگاه، نسبت به‌سازی و نوسازی تجهیزات و ساختمان‌های نیروگاه و اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری اقدام کرده‌اند و جمع کل هزینه صرف‌شده برای اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری از سال ۱۳۹۱ تا انتهای سال ۱۳۹۸ بالغ بر ۲۳۰ میلیارد ریال بوده است.



شرکت تدبیرسازان سرآمد پی‌گیری‌های لازم برای استفاده حداکثری از دانش فنی و بکارگیری مهندسين جوان با تخصص نیروگاهی را به انجام رسانده و براساس برنامه‌های مدون مربوطه نسبت به تهیه و تامین به‌موقع لوازم و قطعات یدکی مورد نیاز برای تعمیرات اساسی واحدهای نیروگاه اقدام کرده است. بر همین اساس مدت زمان تعمیرات اساسی از ۹۰ روز در سال ۱۳۸۹ به کمتر از ۴۰ روز در سال‌های ۹۱ تا ۹۷ کاهش یافته است. با وجود کاهش مدت زمان تعمیرات اساسی، کیفیت انجام تعمیرات در مقایسه با استانداردهای مربوطه ارتقا یافته، به‌طوری که اطلاعات ثبت‌شده در سیستم‌های کنترل مرکزی نشان‌دهنده ثبات شاخص توان تولیدی واحدها بعد از تعمیرات اساسی است. بر اساس تلاش‌های صورت‌گرفته در قالب برنامه‌ریزی‌های فنی، میزان آمادگی تولید نیروگاه بعد از واگذاری به بخش خصوصی از سال ۱۳۹۰ به بعد افزایشی بیش از ۱۵ درصدی داشته و از میزان ۵,۹۱۱,۸۶۳ مگاوات در سال ۱۳۹۰ به ۶,۷۷۷,۱۰۰ مگاوات در سال ۱۳۹۱ رسیده و در سال‌های بعد نیز با وجود تعمیرات اساسی برای واحدها گازی، همواره در این شاخص حفظ شده است.



پس از واگذاری نیروگاه سیکل ترکیبی ارومیه به بخش خصوصی، مجموعه شرکت تدبیرسازان سرآمد به منظور بهینه‌سازی تولید برق نیروگاه و افزایش بازده تولید، تبدیل نیروگاه گازی به مجموعه سیکل ترکیبی را در اولویت برنامه‌های خود قرار داد. با پی‌گیری‌های مستمر مدیران شرکت تدبیرسازان سرآمد، پروژه به‌عنوان یکی از طرح‌های صندوق توسعه ملی تعریف شد و پرداخت تسهیلات ارزی از طریق صندوق توسعه ملی به عاملیت بانک صنعت و معدن به تصویب رسید.

احداث بخش بخار و سیکل ترکیبی نیروگاه با سرمایه‌گذاری حدود ۴۰۰ میلیون یورویی شرکت تدبیرسازان سرآمد و گشایش اعتبار اسنادی از محل اعتبارات صندوق توسعه ملی به عاملیت بانک صنعت معدن، از سال ۱۳۹۶ توسط شرکت مپنا آغاز شد.





سنکرون واحد اول بخار در بامداد ۱۳۹۹/۰۵/۲۰



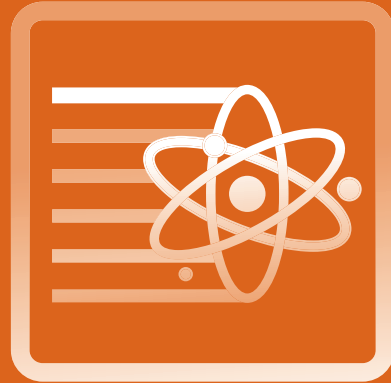
با توجه به اینکه هزینه تامین تجهیزات و قطعات نیروگاهی ارزی است؛ از این رو با چندبرابری نرخ ارز، هزینه‌های تعمیرات اساسی و تامین قطعات یدکی آن بسیار بالا رفته و شرکت را با مشکلات مالی عدیده ای مواجه کرده است.

امید است با اصلاح قراردادهای بیع متقابل و تامین مناسب مالی، فرایند احداث واحدهای دوم و سوم بخش بخار نیروگاه در سال ۱۴۰۰ به بهره برداری برسد. هم اکنون پیشرفت فیزیکی کل پروژه تا آخر آذرماه سال ۱۳۹۹ بیش از ۷۴ درصد است. ■

با وجود مشکلات عدیده ناشی از تحریمهای اقتصادی و بانکی و مشکلات ناشی از بیماری کووید ۱۹ واحد اول بخش بخار نیروگاه به ظرفیت ۱۶۰ مگاوات در تاریخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۰ با شبکه برق سراسری کشور سنکرون شد. واحد اول بخش بخار در مهرماه سال ۱۳۹۹ با حضور دکتر اردکانیان وزیر نیرو، مهندس طرزطلب مدیرعامل شرکت تولید برق حرارتی و مدیران شرکت تدبیرسازان سرآمد به صورت رسمی افتتاح شد. با بهره‌برداری از واحد اول ظرفیت اسمی نیروگاه به ۱۱۲۴ مگاوات افزایش پیدا کرده است.



مقالات



تبیین جریان اختلاف نرخ گروه‌های

مصرف
خریداران
در بازار
برق ایران

مریم طارمی، ایمان رحمتی، هاجر عبداللهی نیا، مدیرت نظارت و کنترل بر عملکرد بازار برق، شرکت مدیریت شبکه برق ایران
taremi@gmc.ir, rahmati@gmc.ir, abdollahi@gmc.ir

مقدمه

بازار عمده‌فروشی برق ایران به صورت بازاری روز پیش و یک‌طرفه است. بدین معنا که فروشندگان یک روز قبل از روز بهره‌برداری برای هر ساعت با رعایت سقف قیمت، اعلام آمادگی تولید می‌کنند و شرکت‌های خریدار صرفاً پیش‌بینی نیاز مصرف خود را برای هر ساعت از روز بعد اعلام می‌دارند. شرکت‌های خریدار در بازار روزانه ایران شامل دو دسته عمده هستند، که عبارتند از شرکت‌های توزیع نیروی برق و شرکت‌های برق منطقه‌ای. شرکت‌های توزیع عموماً بار مصرفی نوع خانگی، عمومی و کشاورزی را تأمین می‌کنند و شرکت‌های برق منطقه‌ای نیز مصرف‌کنندگان نوع صنعتی را پوشش می‌دهند که در مجموع تعداد ۱۶ شرکت برق منطقه‌ای و ۳۹ شرکت توزیع نیروی برق در نقش خریدار در بازار برق ایران مشغول فعالیت هستند. در نهایت با توجه به فرآیند بهینه‌سازی برنامه فنی و اقتصادی آرایش تولید، نتایج روز بعد به نیروگاه‌ها اعلام می‌شود و با توجه به شرایط واقعی ایجاد شده در روز بهره‌برداری صورتحساب‌های مربوطه برای خریداران و فروشندگان بازار برق صادر می‌شود. نرخ انرژی مصرفی خریداران در هر ساعت از سرجمع پرداخت‌ها (همچون پرداخت بابت انرژی، سلب فرصت تولید، آمادگی محقق شده و غیره) به نیروگاه‌ها تقسیم بر مقدار کل مصرف خالص خریداران که از مدیر بازار در نقطه مرجع شبکه خرید کرده‌اند بدست می‌آید و تمامی شرکت‌های خریدار برق را با قیمت یکسان از مدیر بازار برق می‌خرند. از دیگر هزینه‌هایی که خریداران برای خرید برق پرداخت می‌کنند شامل هزینه استفاده از تاسیسات شبکه انتقال، هزینه استفاده از خدمات جانبی، توان راکتیو و هزینه انحراف پیش‌بینی نیاز مصرف است.

شرکت‌های خریدار که در حال حاضر نام بخش خصوصی را با خود به همراه دارند، برق را با تعرفه‌های مشخصی که از سوی دولت تعیین شده‌است در اختیار مصرف‌کننده نهایی قرار می‌دهند. یک شرکت خریدار در تعیین نوع، تعداد مشترکین و حوزه جغرافیایی خود هیچ حق انتخاب و اختیاری ندارد. و این درحالی است که بخش دولتی بر اساس همین فاکتورها تعرفه‌های متفاوتی را ابلاغ کرده و شرکت‌های خریدار را ملزم به رعایت آن‌ها شده است. حال سوال اینجا است که آیا هزینه‌های خرید و تأمین برق با درآمدهای شرکت‌های خریدار پوشش داده می‌شود؟ با توجه به تعرفه‌های موجود، این شرکت‌ها سودآور خواهند بود یا زیان‌ده؟ آیا این رویه که تمامی شرکت‌های خریدار برق را با قیمت یکسان بخرند و با قیمت‌های متفاوت و از پیش تعیین شده به فروش برسانند مناسب است؟ به همین

چکیده

مطابق با قوانین و دستورالعمل‌های جاری در بازار برق عمده‌فروشی ایران، کالای برق با قیمت یکسان به تمامی شرکت‌های خریدار فروخته می‌شود و این در حالیست که هر یک از شرکت‌های خریدار بنا به تعرفه‌های اعلامی از سوی دولت، برق را با قیمت‌های متفاوتی به مصرف‌کنندگان نهایی تحویل می‌دهند. مسائلی که در این میان مطرح می‌گردد در حقیقت شامل دو مورد است: اول اینکه تعرفه فروش برق به هر گروه از مشترکین نهایی متفاوت است و دوم آنکه سهم و وزن هر یک از اقسام مشترکین مختلف در هر شرکت خریدار متفاوت از سایرین است. و انتخاب این دو امری جبری و خارج از اختیار شرکتها است و عملکرد شرکت خریدار به عنوان یک بنگاه اقتصادی با وجود این شرایط در تعیین سود و زیان او چندان مؤثر به نظر نمی‌رسد. در نتیجه برخی شرکتها همواره زیان ده و برخی دیگر فارغ از نوع عملکرد همواره سودده هستند. که در این مقاله به بررسی روشی برای برطرف کردن این موضوع در بازار برق ایران پرداخته شده‌است.

واژه‌های کلیدی:

شرکت خریدار، تعرفه، جریان اختلاف نرخ، بازار برق عمده فروشی ایران.

هزینه و درآمد شرکت‌های خریدار

متوسط نرخ خرید از بازار خریداران با لحاظ کردن جبران هزینه سوخت از (۱) محاسبه می‌شود:

$$\pi_{Market_Bu_m} = \frac{\sum_{b=1}^{N_b} \sum_{d=1}^{N_d} \sum_{h=1}^{24} (Cost_Bu_{b,d,h}) + \sum_{pp=1}^{N_{pp}} Cost_Fuel_{pp,m}}{E_Market_Total_Bu_m} \quad (1)$$

که در آن:

$\pi_{Market_Bu_m}$: متوسط نرخ خرید از بازار خریداران با لحاظ کردن جبران هزینه سوخت در ماه m [Rial/MWh].
 $E_Market_Total_Bu_m$: مجموع انرژی مصرفی واقعی تمامی خریداران با کسر معاملات خارج از بازار و دوجانبه در ماه m که در محل مصرف اندازه‌گیری شده [MWh].
 $Cost_Bu_{b,d,h}$: کل بهای فروش برق به خریدار b ام در روز d ام ساعت h ام [Rial].

$Cost_Fuel_{pp,m}$: جبران هزینه سوخت نیروگاه pp ام در ماه m ام [Rial].

شایان ذکر است که سقف پیشنهاد قیمت فروش برق از سوی نیروگاهها ۴۱۶ ریال بر کیلووات‌ساعت است که این نرخ با در نظر گرفتن قیمت گاز طبیعی برابر با ۶۰۷ ریال بر متر مکعب، محاسبه شده‌است. اما از آنجایی که در حال حاضر قیمت نیروگاهی گاز طبیعی برابر با ۵۰ ریال بر متر مکعب است لذا مبلغی تحت عنوان جبران هزینه سوخت نیروگاهی جهت تعدیل این نرخ به شرکت‌های خریدار پرداخت می‌شود. در نتیجه مجموع هزینه پرداختی توسط خریدار به مدیر بازار در طول یک ماه برابر (۲) می‌شود.

$$Cost_Market_Bu_{b,m} = E_Market_Bu_{b,m} \times \pi_{Market_Bu_m} \quad (2)$$

که در آن:

$Cost_Market_Bu_{b,m}$: هزینه خریدار b ام در ماه m ام [Rial].
 $E_Market_Bu_{b,m}$: مجموع انرژی مصرفی واقعی با کسر معاملات خارج از بازار خریدار در محل مصرف [MWh].
 $\pi_{Market_Bu_m}$: متوسط نرخ خرید از بازار عمده‌فروشی متوسط مجموع درآمد دریافتی هر یک از شرکت‌های خریدار نیز برابر (۳) می‌شود.

$$Rev_Bu_{b,m} = E_Market_Bu_{b,m} \times \pi_{Sell_Bu_{b,m}} \quad (3)$$

که در آن:

$Rev_Bu_{b,m}$: سرجمع درآمد خریدار b ام در ماه m ام [Rial].
 $\pi_{Sell_Bu_{b,m}}$: متوسط نرخ فروش انرژی به مشترکین نهایی

منظور مطابق با بند ۲ صورتجلسه ۳۱۴ هیات تنظیم بازار برق مقرر شد که فاصله متوسط نرخ فروش به مشترکین در هر شرکت تا متوسط قیمت بازار توسط مدیر بازار برق، به نحوی جبران گردد. که هدف از این مقاله بررسی چگونگی و اثر جبران‌سازی اختلاف نرخ در سمت خریداران بازار برق عمده فروش برق است.

تعرفه فروش برق

حوزه اقتصادی شرکت‌های خریدار دارای پیچیدگی‌های ذاتی و مشخصات ویژه‌ای است چرا که طیف وسیعی از ذی‌نفعان متنوع و پراکنده را تحت پوشش قرار می‌دهد و این درحالی است که اقتصاد فروش برق در شرکت‌های خریدار، تابع تصمیمات ابلاغی و در چارچوب تفکرات دولتی است و رویکرد به اقتصاد این بخش نیز نگاهی کاملاً دولتی است که تعرفه‌های تعیین‌شده به شرح ذیل است:

الف- تعرفه خانگی که در ۵ جدول مختلف شامل:

- ۱- مناطق عادی و ماه‌های غیر گرم مناطق گرمسیر
 - ۲- ماه‌های گرم در مناطق گرمسیر ۴
 - ۳- ماه‌های گرم در مناطق گرمسیر ۳
 - ۴- ماه‌های گرم در مناطق گرمسیر ۲
 - ۵- ماه‌های گرم در مناطق گرمسیر ۱
- ب- مصارف عمومی، ج مصارف تولید، (آب و کشاورزی)، د- مصارف تولید (صنعت و معدن) و در آخر ذ- سایر مصارف. که نرخ‌های هردسته متفاوت از دیگری است. کمترین نرخ مربوط به بخش مصارف تولید (آب و کشاورزی) است. متوسط نرخ تکلیفی فروش برق توسط شرکت‌های خریدار در سال ۹۷ به شرح ذیل است:

خریدار	نرخ تکلیفی فروش - ریال بر کیلووات ساعت
۱	۱۳۲۵
۲	۷۲۷
۳	۳۳۲

همان‌طور که ملاحظه می‌شود اختلاف قابل توجهی در این نرخ‌ها وجود دارد. بطوریکه اختلاف نرخ تکلیفی شرکت شماره یک تا سه در حدود ۱۰۰۰ ریال بر کیلووات‌ساعت است.

توسط خریدار b ام در ماه m که به صورت ماهانه توسط شرکت مادر تخصصی توانیر بر اساس تعرفه‌های موجود محاسبه شده و به مدیر بازار اعلام می‌شود. [Rial/MWh]. سود هر شرکت خریدار از تفاضل درآمد و هزینه آن شرکت به دست می‌آید که می‌تواند مثبت (سودده) یا منفی (زیان ده) باشد.

$$Profit_{Bu_{b,m}} = Rev_{Bu_{b,m}} - Cost_{Market_{Bu_{b,m}}} \quad (۴)$$

جبران‌سازی اختلاف نرخ گروه‌های مصرف

بدلیل اختلاف در تعرفه فروش برق به مشترکین نهایی در گروه‌های مختلف مصرف (اعم از کشاورزی، خانگی، صنعتی، عمومی و غیره) و همچنین اختلاف درصد سهم آن‌ها در هر یک از شرکت‌های خریدار باعث می‌شود که در برخی موارد درآمد شرکت جوابگوی هزینه‌های آن نباشد. درحالی که این عدم پوشش هزینه‌ها ناشی از عملکرد شرکت خریدار که یک بنگاه اقتصادی ست، نبوده و ناشی از دستورات تکلیف شده از سوی دولت است. در سوی دیگر شرکت‌های خریدار که دارای مشترکین با تعرفه‌های بالا هستند، به سودآوری می‌رسند که در نتیجه مباحث مربوط به مالیات برای این گروه مطرح می‌شود و این درحالی است که این شرکت‌ها تا حد زیادی متعلق به بخش دولتی هستند. لذا برای جبران زیان انباشته شرکت‌های زیان ده و تعدیل سود شرکت‌های سودده طی صورتجلسه ۳۱۴ هیات تنظیم بازار برق مقرر شد که فاصله متوسط نرخ فروش به مشترکین در هر شرکت تا متوسط قیمت بازار توسط مدیر بازار برق، به نحوی جبران گردد و درآمدهای صنعت برق در شرکت‌های خریدار در همین مجموعه به گردش درآید. با توجه به این موضوع که شرکت‌های توزیع در بحث پیشنهاد قیمت به بازار برق عمده‌فروشی و همچنین تعیین تعرفه‌های فروش، نوع و تعداد مشترکین خود هیچ‌گونه حق انتخاب و اختیاری ندارند، لذا ایجاد شرایطی جهت توزیع یکسان سود در میان آن‌ها از سوی مدیر بازار، مناسب به نظر می‌رسد. چرا که در شرایط حال حاضر بازار برق ایران عملکرد شرکت‌های توزیع در سود و زیان آن‌ها نقشی ایفا نمی‌کند مگر در بحث کسردرآمد/ تشویق آزمون ظرفیت که برگرفته از نحوه پیش‌بینی هر یک از شرکت‌های خریدار است. لذا به‌منظور جبران‌سازی اختلاف نرخ برقراری شرایط زیر الزامی است:

- مبلغ پرداختی به هر خریدار بابت جبران اختلاف گروه‌های مصرف حسب مورد می‌تواند مثبت یا منفی باشد و سرجمع مبالغ پرداختی به شرکت‌های خریدار بابت جبران اختلاف گروه‌های مصرف در هر ماه برابر صفر است.

- مدیر بازار، مبالغ جبران اختلاف گروه‌های مصرف تخصیص یافته به هر شرکت خریدار را به منظور یکسان‌سازی سود (زیان) بر اساس حجم انرژی مصرفی خریداری شده از بازار (باکسر معاملات خارج از بازار و دوجانبه) برای تمامی شرکت‌های خریدار محاسبه می‌کند.

سرجمع سود شرکت‌های خریدار از (۵) بدست می‌آید:

$$Profit_{Net_{Bu_m}} = \sum_{b=1}^{N_b} Profit_{Bu_{b,m}} \quad (۵)$$

سرجمع این عدد نیز برای کل خریدار می‌تواند مثبت (سودده) یا منفی (زیان‌ده) باشد. لذا تمامی خریداران از این سود و یا زیان بایستی به ازای هر مگاوات ساعت انرژی خریداری شده از بازار به یک میزان بهره‌مند شوند. لذا مبلغ پرداختی به هر خریدار بابت جبران اختلاف گروه‌های مصرف به صورت ذیل خواهد بود که سرجمع آن در هر ماه برای تمامی شرکت‌های خریدار صفر خواهد شد.

$$Payment_{Comp_{Bu_{b,m}}} = Cost_{Market_{Bu_{b,m}}} - Rev_{Bu_{b,m}} + \left[Profit_{Net_{Bu_m}} \times \frac{E_{Market_{Bu_{b,m}}}}{E_{Market_{Total_{Bu_m}}}} \right] \quad (۶)$$

که در آن:

$(Payment_{Comp_{Bu_{b,m}}})$: مقدار مبلغ پرداختی بابت جبران اختلاف گروه‌های مصرف به خریدار b ام در ماه m [Rial]. در نهایت مقدار سود اختصاصی به هر شرکت در هر ماه برابر با (۷) می‌شود:

$$Profit_{Final_{Bu_{b,m}}} = Profit_{Net_{Bu_m}} \times \frac{E_{Market_{Bu_{b,m}}}}{E_{Market_{Total_{Bu_m}}}} \quad (۷)$$

بدین ترتیب از سرجمع سود سمت خرید، هر شرکت خریدار به میزان خرید از بازار برق عمده‌فروشی، مشمول سود خواهد شد.

مطالعات عددی

جهت بررسی موضوع عنوان شده در این مقاله نتایج حاصل از شبیه‌سازی این روش در بازار برق عمده‌فروشی که در یک ماه خاص اجرا شده است در ادامه گزارش می‌شود:

درآمد، هزینه و سود ۴ شرکت خریدار در یک ماه برای نمونه در جدول (۲) ذکر شده است.

جمع‌بندی

در بازار برق ایران شرکت‌های توزیع در تعیین قیمت تسویه بازار نقشی ندارند و از سویی دیگر موظف به فروش برق با قیمت‌های تکلیفی هستند. قیمت‌های تکلیفی که از سوی دولت تعیین شده اند بنا به نوع مشترکین نهایی متفاوت است. از سویی دیگر نحوه توزیع هر دسته از انواع مشترکین در حوزه جغرافیایی خریداران مختلف، متفاوت است. ممکن است در یک حوزه بیشتر شاهد بار کشاورزی باشیم و در حوزه‌ای دیگر بار صنعتی و غیره. که تعرفه‌های متفاوتی برای آن‌ها تعیین شده است. همین اختلاف نرخ موجب می‌شود که درآمد شرکت‌های توزیع نسبت به یکدیگر بسیار متفاوت باشد و برخی همواره زیان‌ده باشند و برخی همواره سودده، فارغ از اینکه عملکرد آن‌ها چگونه باشد. لذا طی صورتجلسه ۳۱۴ هیات تنظیم بازار برق موضوع جبران اختلاف نرخ مطرح شد. جبران‌سازی به نحوی صورت می‌گیرد که سرجمع آن برای کل خریداران صفر می‌شود و در نهایت اثر اختلاف نرخ به صفر می‌رسد. ■

جدول ۲. مقادیر صورتحساب برخی از خریداران قبل از جبران‌سازی

هزینه، درآمد و سود بر حسب میلیارد ریال نرخ بر حسب ریال بر کیلو وات ساعت					
خریدار	متوسط نرخ خرید از بازار	متوسط نرخ تکلیفی توانیر	هزینه	درآمد	سود
۱	۷۴۵	۷۷۱	۲۷۸	۲۸۸	۱
۲	۷۴۵	۷۰۶	۲۶۱	۲۴۷	-۱۴
۳	۷۴۵	۲۳۲	۴۵۶	۲۰۳	-۲۵۳
۴	۷۴۵	۱۳۲۵	۱،۱۹۸	۲،۱۳۱	۹۳۳

همان‌طور که ملاحظه می‌شود برخی از شرکت‌های خریدار با زیان مواجه هستند و برخی نیز سودده هستند و این در حالی است که عملکرد آن‌ها در تعیین میزان سود و زیان خرید آن‌ها از بازار عمده‌فروشی، به عنوان یک بنگاه اقتصادی نقشی ندارند و این نحوه توزیع سود و زیان از تصمیمات نهاد دولتی ناشی می‌شود. به منظور جبران‌سازی اختلاف نرخ گروه‌های مصرف در سمت خریداران، در اولین گام مقدار کل سود خالص سمت خریداران محاسبه می‌شود که در این ماه نمونه برابر با ۸۰۲ میلیارد ریال است و همان‌طور که ملاحظه می‌شود سود خالص کل از سود شرکت خریدار چهارم کمتر است که این نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از شرکت‌های خریدار مشمول زیان هستند. لذا مطابق با (۶) جبران‌سازی به نحوی صورت می‌گیرد که تمامی خریداران به ازای میزان توان خریداری شده از بازار عمده‌فروشی، با یک نرخ ثابت مشمول سود شوند و سرجمع جبران‌سازی انجام‌شده برای تمامی خریداران صفر گردد. از این طریق اثر اختلاف تعرفه‌های تکلیفی از میان خواهدرفت.

هزینه، درآمد و سود بر حسب میلیارد ریال نرخ بر حسب ریال بر کیلو وات ساعت					
خریدار	نرخ سود	مبلغ پرداختی بابت جبران‌سازی	هزینه	درآمد	سود
۱	۴۲،۵	۶	۲۷۲	۲۸۸	۱۶
۲	۴۲،۵	۲۸	۲۳۳	۲۴۷	-۱۴
۳	۴۲،۵	۲۷۹	۱۷۷	۲۰۳	۲۶
۴	۴۲،۵	-۸۴۶	۲،۰۴۴	۲،۱۳۱	۸۷

همان‌طور که ملاحظه می‌شود مبلغ جبران‌سازی شرکت خریدار ۴، مقداری منفی است که باعث کاهش سود این شرکت نسبت به قبل شده و سود سایر شرکت‌ها نیز افزایش یافته که در نهایت هریک با توجه به میزان مصرف خود مشمول نرخ سود یکسان شده‌اند.

منابع

۱. صورتجلسه ۳۱۴ هیات تنظیم بازار برق ایران، مصوب ۲۶/۱۰/۱۳۹۷.
۲. دستورالعمل اجرایی «محاسبات جبران اختلاف گروه‌های مصرف شرکت‌های خریدار در بازار برق»، شرکت مدیریت شبکه برق ایران، مدیریت و نظارت و کنترل بر عملکرد بازار برق ایران، ۰۶/۱۲/۱۳۹۷.
۳. دستورالعمل اجرایی «بازار روز فروش در نقطه مرجع شبکه»، شرکت مدیریت شبکه برق ایران، مدیریت و نظارت و کنترل بر عملکرد بازار برق ایران، ۱۶/۱۲/۱۳۹۶.
۴. تعرفه برق و شرایط عمومی آن‌ها، مصوبه هیات وزیران.

■ www.hezaveh-arak.co



HEZAVEH ARAK Co.

شرکت صنعتی و تولیدی هزاوه اراک (سهامی خاص)

Designer and Manufacturer of All Kinds of
Variable Spring Supports
Constant Spring Supports
Snubbers
Rigid Strut
Clamp

Tel: +98 86 33553391 Fax: +98 86 33553393
Hezaveh_arak@yahoo.com

206 St , Phase 2 , Kheirabad Industrial City
Arak - Qom Road 25km , ARAK - IRAN



euroturbine
total turbine technology

شرکت ماشین آلات دوار اروتوربین (سهایی خاص)

MANUFACTURER OF:

- Gas Turbine Parts
- Steam Turbine Parts
- Bearings
- Speciallist in Blade & Vanes

تولیدکننده:

- قطعات داغ توربین گاز
- قطعات توربین بخار
- یاتاقان‌های صنعتی
- متخصص در پره‌های ثابت و متحرک توربین‌های نیروگاهی

🏠 No.22 Khalilzadeh St., Vali-e-asr Ave.,
Tehran- IRAN Postal Code: 1969733853
☎ Tel: +9821 8879 2440 , Fax: +9821 8879 9969
🌐 www.euroturbine.ir
✉ Sales@euroturbine.com

🏠 تهران- خیابان ولی عصر ، خیابان خلیل زاده، شماره ۲۲
کد پستی ۱۹۶۹۷ ۳۳۸۵۳
☎ تلفن: ۸۸۷۹ ۲۴۴۰ ، فکس: ۸۸۷۹ ۹۹۶۹
🌐 سایت: www.euroturbine.ir
✉ ایمیل: Sales@euroturbine.com

We Either Find A Way Or Create One



راهی پیدا می کنیم یا می سازیم